

آموزش ابتدایی

۱

رشد

| برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی |
| دوره‌ی هجدهم | مهر ۱۳۹۳ | شماره‌ی بی‌درپی ۱۴۲ | ۴۸ صفحه |
| ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی | ۸۵۰۰ ریال |



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهشی و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

در این شماره می‌خوانید:

- آموزش صلح
- سبک زندگی اسلامی
- مثلث‌های حیاتی
- بازیگری به نام صفر

تلنگری برای تفکر

مسابقه‌ی شماره‌ی ۱
سال تحصیلی ۹۴-۹۳

مهلت ارسال پاسخ‌ها
۲۰ آبان ۱۳۹۳



مسابقه‌ی «تلنگری برای تفکر» بخشی است که در آن سؤالاتی از محتوای مجله طرح می‌شود. در این شماره پرسش مورد نظر از گفت‌وگو با آقای حسین خوش‌نویسان از صفحه‌های ۷ و ۶ مجله انتخاب شده است. اشاره‌های ساده و بی‌آلایش وی حکایت از بلندای روح معلمی دارد.

معلم باید هنر پیشه باشد

پیشکوهستان عرصه‌ی تعلیم و تربیت و صاحبان فکر و اندیشه دارای تجربیات ذی‌قیمتی هستند که ریشه در مطالعات و فعالیت‌های عملی آنان داشته و در قالب جملاتی زیبا و رهگشا در کلام آن‌ها متجلی می‌گردد. مصداق‌هایی از این تجربه‌ها در صحبت‌های آقای حاج‌حسین خوشنویسان به چشم می‌خورد و می‌تواند چراغ راه آموزگاران، مربیان و کارشناسان باشد. اینک شما ده نکته‌ی تعلیم و تربیتی را که از صحبت‌های وی دریافت کرده‌اید، مرقوم فرمایید.

آموزش ابتدایی

رشد

برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی
دوره‌ی هجدهم / مهرماه ۱۳۹۳ / شماره‌ی پی‌درپی ۱۴۲
مانندهمی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

- یادداشت سردبیر / پنج‌دهه‌باندگی / اصغر ندیری / ۲**
- آموزش / مالک زبردستانی؟ / دکتر نیره شاه‌محمدی / ۴**
- گفت‌وگو / هیچ برنامه‌ای بدون حضور معلم به ثمر نمی‌نشیند! / محمد دشتی / ۶**
- یادداشت / آرزوی معلم شدن دارم!! / زهرا ذکریاپور / ۹**
- گفت‌وگو / معلم باید هنرپیشه باشد / علی اصغر جعفریان / ۱۰**
- تجربه‌ی سبز / اثر تدریس ملموس / مریم حاجی‌محمدی / ۱۳**
- تعلیم و تربیت / آموزش صلح / زری آقاجانی / ۱۴**
- تجربه‌ی سبز / قرارداد کیلویی / سعید انصاری / ۱۷**
- تجربه‌ی سبز / به رنگ اسم‌ها / خدیجه نظری / ۱۷**
- تعلیم و تربیت / سبک زندگی اسلامی / عبدالرحیم اصلی / ۱۸**
- گفت‌وگو / از مدرسه به خانه / محمود یحیوی / ۲۰**
- آموزش / سبک‌های یادگیری متفاوت / نسرين امامی‌زاده / ۲۳**
- محیط زیست / شبکه‌ی غذایی / صفورا زوران حسینی / ۲۴**
- آموزگاران وبلاگ‌نویس / مأموران سلامتی / ۲۷**
- آموزش / مثلث‌های حیاتی / دکتر مهدی چوبینه / ۲۸**
- از ماما نا به خانوما / تو بگو خوب یعنی چی، تا من ... / کبری محمودی / ۳۰**
- آموزش / کودکان باهوش من / لیلی رحیم‌زاده / ۳۲**
- بازتاب / وقتم را بگیر، توپم را بگیر! / نادر قوتی / ۳۴**
- آموزش / نارسایی در خواندن / فاطمه صارمی / ۳۷**
- آموزش / بازیگری به نام صفر / بهزاد قباخلو / ۳۸**
- پژوهش / بودن یا نبودن ... / ۴۰**
- تجربه‌ی سبز / فوت و فن تماشا / محمدحسین صفایی / ۴۳**
- کتاب‌خانه‌ی مدرسه / برانگیختن نبوغ کودکان در کلاس درس / فهیمه دهقان / ۴۴**
- کتاب‌خانه‌ی مدرسه / بازی با املا‌ی خوب / ۴۴**
- برندگان مسابقه‌ی تلنگری برای تفکر / ۴۵**
- همراهان ما / پاسخ به نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان / شورای برنامه‌ریزی مجله / ۴۶**
- خاطره / قرار روز اول / ام‌کلثوم سعادت / ۴۸**

مدیر مسئول: محمد ناصری
سردبیر: اصغر ندیری
شورای برنامه‌ریزی:
فاطمه رضانی، حسن طاهری
سیده‌زهرا یاسینی، یدالله رهبری‌نژاد
صادق صادق‌پور
مدیر داخلی: فهیمه دهقان
ویراستار: لیلا بنی‌طباخان‌آبادی
طراح گرافیک: علیرضا پورحنیفه

نشانی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵ / ۳۳۳۱
تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸
۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۰۲۱ (داخلی ۳۷۵)
نمبر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه: www.roshdmag.ir
پيام‌نگار: ebtedayi@roshdmag.ir
تلفن پیام‌گیر نشریات رشد:
۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۰۹
کد مشترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
تلفن امور مشترکین:
۷۷۳۳۶۶۵۵ و ۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۰۲۱
شمارگان: ۳۳۰۰۰
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

● مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی تربیتی فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و بر روی CD یا از طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتر اصلی، تیترهای فرعی در متن و سوتیتر باشد. ● معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

پنج دهه بالندگی

اصغر ندیری

تولد «رشد»

این روزها مصادف است با پنجاه سالگی مجلات رشد. در حقیقت، «رشد» نام نخستین نشریه‌ی رسمی وزارت آموزش و پرورش است که با نام‌های «اصول تعلیمات»، سپس «تعلیم و تربیت»، «ماهنامه‌ی فرهنگ» و «ماهنامه‌ی آموزش و پرورش» انتشار یافت. عاقبت، در سال ۱۳۴۲ «مرکز تهیه‌ی خواندنی‌های نوسوادان» با اهداف خاص خود برای تهیه و انتشار نشریه‌های آموزشی تأسیس شد. چنین بود که این مرکز پس از مدت‌ها تحقیق و مطالعه، از دی‌ماه ۱۳۴۳ به تدریج به انتشار مجموعه‌ی نشریه‌هایی با عنوان اصلی «پیک» و عنوان‌های فرعی «کودک»، «نواموز»، «نوجوان»، «جوان» و «معلم» همت گماشت.

در سال ۱۳۴۶ مرکز تهیه‌ی خواندنی‌های نوسوادان به مرکز «انتشارات آموزشی» تغییر نام داد و تا سال ۱۳۵۷ هم‌چنان دست‌اندرکار انتشار مجله‌های پیک بود.

پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران و به دنبال توقیف کوتاه، مجلات پیک با دوراندیشی مسئولان وقت آموزش و پرورش در سال ۱۳۵۹ بدون عنوان «پیک» منتشر شدند و از سال ۱۳۶۰ با نام عمومی «مجلات رشد» انتشار بدون وقفه‌ی خود را پی گرفتند که تا امروز ادامه یافته است.

از پیک معلم تا رشد آموزش ابتدایی

مجله‌ی پیک معلم برای اولین بار در دی‌ماه ۱۳۴۳ منتشر شد اما از سال ۱۳۴۷ انتشار آن با نام «پیک معلم و خانواده» ادامه یافت.

هدف از انتشار این مجله، انتقال اطلاعات جامع به معلمان و هم‌چنین خانواده‌ها و نیز پاسخ‌گویی به پرسش‌های دانش‌آموزان بود.

در ادامه و با مطالعه‌ی سیر تولید مجلات به مجله‌ی «رشد آموزش ابتدایی» می‌رسیم که در حقیقت از دل مجله‌ی «رشد معلم» سر بیرون آورد.

دست‌اندرکاران مجلات در آن روزها اعتقاد داشتند که با برنامه‌ریزی و همت می‌توانند مشکلات را از بین ببرند.

مناسب است در اینجا بقیه‌ی داستان مجله‌ی رشد و آموزش ابتدایی را از زبان «محبت‌الله همتی» بخوانیم:

«مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی» ده سال به‌عنوان ضمیمه‌ی مجله‌ی «رشد معلم» منتشر می‌شد و در واقع، دوره‌ی جنینی خود را برای تولد و بلوغ طی می‌کرد. آقای جواد محقق (سردبیر مجله‌ی رشد معلم) از من دعوت کرد که مسئولیت بخش دبستان و پیش‌دبستانی مجله‌ی رشد معلم را بر عهده بگیرم. قبل از من آقای رضوی کار مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی را



سخنی با شما

همراهان گرامی، اینک هجدهمین سال همراهی با شما را در این مجله آغاز می‌کنیم. هر چند کلیاتی در آغاز یادداشت سردبیر آمد، نیاز است به چند مورد دیگر نیز پرداخته شود. امسال نیز در محضر مخاطبان فرهیخته‌ی مجله حاضریم تا گفت‌وگو و تلمذ کنیم.

و می‌دانیم شما، دوستان صمیمی، نیز این راه را با ما طی خواهید کرد.

امسال نیز ویژه‌نامه‌ی هم‌سوسازی برنامه‌ها و کتاب‌های درسی پایه‌ی «چهارم» ابتدایی با برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران را داریم که محتوای آن به‌صورت مجله‌ی مجزا و رایگان به اطلاع شما خواهد رسید.

امسال نیز مطالب و سرفصل‌های جدید و خواندنی برای شما فراهم آورده‌ایم تا ضمن همدلی با ما همراهی کنید.

امسال نیز ما را همراهی کنید و اگر مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی را در جایی که منتظر آن بودید، مشاهده نکردید، به ما یا امور مشترکان مجلات رشد اطلاع‌رسانی فرمایید.

شروع کرده بود و چهار سال هم آقای مجتبی مصدقی نیک این مسئولیت را داشت و دو سال آخر هم این مسئولیت بر عهده‌ی من قرار گرفت. پس از این دوره‌ی ده ساله مسئولان دفتر تصمیم گرفتند که این مجله به‌صورت مستقل منتشر شود. در آن زمان، تعداد معلمان دوره‌ی ابتدایی به ۲۵۰ هزار نفر رسیده بود و بیش از یازده میلیون دانش‌آموز هم در این دوره تحصیل می‌کردند.

از یاد نبرده‌ایم

با ذکر این نکته‌ی مهم که مخاطبان مجلات رشد، از جمله آموزگاران، کارشناسان تعلیم و تربیت، خانواده‌ها، دانش‌آموزان، دانشجویان و بسیاری اقشار دیگر، از گروه‌هایی هستند که از ابتدا با «رشد» بوده‌اند و قلب رشد به‌خاطر آن‌ها می‌تپد، ضروری است از دیگر عوامل تأثیرگذار در پیشرفت و ادامه‌ی کار رشد آموزش ابتدایی یاد شود.

به غیر از مدیران کل که از سال‌های اولیه و سپس بعد از انقلاب اسلامی برای مجموعه‌ی مجلات رشد تلاش‌هایی کرده‌اند مانند سیدمحسن گل‌دان‌ساز، جعفر ربانی، علیرضا حاجیان‌زاده و محمد ناصری؛ شایسته است از سردبیران پیشین مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی همچون محبت‌الله همتی و مرتضی مجدفر نیز یاد می‌کنیم.

مالک زیر دستانی؟

روابط انسانی مطلوب، محور تعاملات آموزشی در مدرسه

دکتر نیره شاه محمدی
قسمت اول

اشاره

مدرسه به عنوان جامعه‌ای کوچک نقش مهمی در ایجاد و تقویت مهارت‌های زندگی در دانش‌آموزان ایفا می‌کند و می‌توان آن را یک کارخانه‌ی انسان‌سازی دانست. از آنجا که در مدرسه باید علم و فرهنگ و تمدن تولید شود، فعالیت‌ها باید به صورت اصولی، برنامه‌ریزی شده و با مدیریت صحیح و تلاش هم‌عرض مدیر و آموزگار انجام گیرند. در این میان، روابط انسانی مطلوب مابین مدیر و کارکنان از به‌هدر رفتن هزینه‌های مالی، زمان و کاهش انگیزه در مدرسه بین دانش‌آموزان و معلمان جلوگیری می‌کند، زیرا اگر کارکنان آموزشگاه انگیزه نداشته باشند کم‌کار و غیرفعال خواهند شد.

روابط انسانی چیست؟

منظور از روابط انسانی برقراری ارتباط مطلوب و هدف‌دار مبتنی بر اصول و ارزش‌های انسانی بین افراد است؛ انسان موجودی است اجتماعی که بدون برقراری ارتباط با دیگران نمی‌تواند نیازهای خود را رفع کند. لذا ضروری می‌باشد که در هر محیطی، اعم از خانواده، مدرسه، کار، تفریح و غیره به برقراری ارتباط با دیگران بپردازد. اجتماعی بودن او محصول ارتباط با دیگران است؛ هر فرد در محیط زندگی‌اش، کارش، تفریحش، عبادتش، نیازمند برقراری روابط با دیگران است. شاید بدون گزافه‌گویی، برقراری رابطه‌ی انسانی مطلوب عمده‌ترین عامل خوش‌بختی و موفقیت هر کس در زندگی باشد. به طوری که همه‌ی انسان‌ها به داشتن توانایی برقراری ارتباط با سایر انسان‌ها نیاز دارند. این توانایی را در اصطلاح «مدیریت برقراری روابط انسانی» می‌نامند.

اهمیت و حساسیت ایجاد روابط انسانی به عنوان یک دانش مطرح می‌شود. هر چند باید علاوه بر دانش، آن را هنر و مهارت نیز دانست. ایجاد روابط انسانی به ظرافت‌ها و شیوه‌های خاصی نیاز دارد که علاوه بر دانش و هنر، مهارت‌های ویژه‌ای را در شرایط زمانی و مکانی خاص می‌طلبد. به‌رغم نیاز به مدیریت روابط انسانی در همه‌ی برخورد‌های آدمی، اهمیت آن به‌ویژه در سازمان‌های آموزشی آن گونه که باید مورد توجه قرار نگرفته است. اهمیت مقوله‌ی روابط انسانی به اندازه‌ای است که بسیاری از صاحب‌نظران علم مدیریت، مدیریت را علم، هنر یا فن برقراری روابط با انسان‌های

کلیدواژه‌ها: روابط انسانی، حفظ ارزش‌ها، روابط حسنه، بهداشت روانی



برخی صاحب‌نظران معتقدند تمامی مشکلات جهانی به دلیل ناتوانی انسان‌ها در ایجاد ارتباط است

میل به کار و تلاش در بین معلمان و دانش‌آموزان را افزایش می‌دهند و نهایتاً به پرورش حس مسئولیت‌پذیری، مشارکت و فعالیت‌ثمربخش فرد در راه انجام وظایف محوله منجر می‌شود. روابط انسانی در مدرسه صرفاً ارتباط ظاهری در محیط آموزشی نیست. روابط انسانی دوست داشتن واقعی انسان‌ها و فراتر از ارتباطات ظاهری است. معلمان، دانش‌آموزان و حتی اولیای آن‌ها در زندگی فردی و اجتماعی خویش با مشکلاتی روبه‌رو می‌شوند که ممکن است تا حدودی زندگی شغلی و تحصیلی آن‌ها را مختل کند. گاهی اوقات با اندکی ملاحظه و توجه می‌توان مشکل دانش‌آموز یا معلم را حل کرد (همان).

روابط انسانی در سازمان‌های آموزشی

امام علی (ع) در فرمان تاریخی خود به مالک اشتر توصیه می‌کند: «ای مالک، قلب خود را از مهربانی و گذشت به زبردستان یا رعایا پر کن و به آن‌ها لطف و عنایت داشته باش». کودکان به کسانی می‌گرایند که آن‌ها را دوست داشته باشند. مدرسه یک سازمان به تمام معنا انسانی است و تمام ابعاد وجودی آن از انسان و با انسان و برای انسان است. به همین دلیل می‌توان گفت مدیریت آموزش یعنی «مهارت در روابط انسانی». از این‌رو مدیران مدارس باید به ارزش شخصیت هر فرد در مدرسه ایمان عمیق داشته باشند و صمیمانه در پرورش استعدادها بالقوه‌ی هر فرد کوشش کنند. چنین ایمانی وسیله‌ی به‌وجود آمدن محیطی خواهد شد که در آن همگان پرورش می‌یابند و رشد می‌کنند. مدیر باید معتقد باشد که هر معلم، مربی و یا دانش‌آموزی دارای ارزشی است و می‌تواند منشأ خدماتی در مدرسه باشد. اگر در خدمت فردی قصور شود به علت ناتوانی مدیریت است. اگر مدیری به توانایی‌های بالقوه‌ی افراد ایمان داشته باشد، کوشش‌های رهبری او سبب پرورش و رشد شغل آنان خواهد شد. زیرا اشخاص مایل‌اند حسب توقعی که دیگران از آن‌ها دارند رفتار کنند (بهرنگی، ۱۳۷۶).

حفظ ارزش‌ها در روابط انسانی

در عصر ما بر اثر پیشرفت و دگرگونی در زمینه‌های علمی، صنعتی، تکنولوژی و اجتماعی ارزش‌ها در سطح جهانی و بین‌المللی ثبات خود را از دست داده و در معرض تغییر و دگرگونی قرار گرفته‌اند. لذا یکی از مسئولیت‌ها و رسالت‌های مهم و اساسی نظام آموزش و پرورش و در نتیجه مدرسه و اعضای آن - یعنی مدیر، معلمان و مربیان تربیتی، کارکنان و سایر افراد ذیربط - نگهداری و انتقال فرهنگ و ارزش‌های انسانی است. بنابراین، در برقراری روابط با سایر کارکنان مدرسه و دانش‌آموزان و در انجام وظایف آموزشی، پرورشی و اداری لازم است معلم به فرهنگ و ارزش‌های معنوی و انسانی توجه کرده و بر آن اساس عمل کند تا از این طریق زمینه‌های لازم برای درونی شدن ارزش‌ها در دانش‌آموزان فراهم شود.

داخل سازمان تعریف کرده‌اند. در یکی، دو دهه‌ی اخیر برخی از علمای علم مدیریت روابط انسانی را مترادف رفتار سازمانی قلمداد کرده‌اند ولی حقیقت آن است که رفتار سازمانی به مطالعه‌ی رفتار در حالت واقعی و همان‌گونه که در سازمان رخ می‌دهد می‌پردازد و دلایل موجود آن را توضیح می‌دهد. ولی روابط انسانی چیزی فراتر از رفتار سازمانی است. روابط انسانی از یک بار ارزشی و انسانی برخوردار است و درباره‌ی درستی و یا نادرستی رفتارها و روابط به ارزش‌یابی، نقادی و قضاوت می‌پردازد. روابط انسانی مفهومی وسیع دارد و هر نوع رابطه‌ی تجاری، اجتماعی، حکومتی، فرهنگی و آموزشی بین افراد، گروه‌ها و جوامع (روابط انسانی) نام دارد (میرکمالی، ۱۳۷۹).

ضرورت برقراری روابط انسانی

چنان‌که بیان شد، فقدان آگاهی از شیوه‌های صحیح برقراری ارتباط سبب می‌شود که انسان‌ها در محیط‌های مختلف، یکدیگر را به درستی درک نکنند و این خود عامل اصلی بروز اختلاف میان آنان است. برخی صاحب‌نظران معتقدند تمامی مشکلات جهانی به دلیل ناتوانی انسان‌ها در ایجاد ارتباط است. بررسی وضعیت موجود از نظر مدیریتی در مدارس ما نشان می‌دهد که ملاک‌های عمده‌ی مدیریت در برخورد با مسائل و مشکلات «باید‌های» اداری است! یعنی در روابط انسانی و رعایت جوانب انسانی کار و به‌طور کلی در ایجاد محیط آموزشی کاستی‌هایی وجود دارد! به نظر می‌رسد مدیران آموزشگاه‌ها اغلب گرفتار مسائل جزئی اداری هستند و فرصت پرداختن به امر اصلی، یعنی آموزش و پرورش و جوانب حساس و پیچیده‌ی آن را ندارند. از این‌رو سرمایه‌گذاری در راستای مساعد ساختن محیط تربیتی و ایجاد شرایطی که معلم را به کار خود دلگرم کند و طراحی و اجرای برنامه‌های مناسب جهت حل مشکلات مربوط به آن‌ها امری اساسی است. به عقیده‌ی صاحب‌نظران مشکلات حاد معلمان در محیط کار اثر سوئی بر کیفیت آموزشی در مدارس کشور می‌گذارد، زیرا حفظ و نگهداری معلمان مستلزم ایجاد شرایط مطلوبی است که به عملکرد رضایت‌بخش معلمان منتهی می‌شود. به هر حال، مدیران از این مسئله غافل‌اند که غالباً رفتار را افراد و گروه‌هایی مورد ارزیابی قرار می‌دهند و از جمله کسانی که به‌طور مستقیم با مدیران سروکار دارند معلمان هستند (میرکمالی، ۱۳۷۸).

لذا از جمله مسئولیت‌های مدیر مدرسه آن است که بین همکاران و دانش‌آموزان، رابطه‌ی دوجانبه‌ی زنده و با هدف سازندگی به‌وجود آورد و آن را توسعه بخشد. این رابطه لازم است برای طرفین قابل استفاده و سودبخش باشد، زیرا رابطه‌ی انسانی مطلوب منجر به رفع نیازهای اجتماعی و روانی طرفین می‌شود. روابط انسانی در مدرسه زمینه‌های انگیزش و رشد را در سایر عوامل انسانی آن ایجاد و تقویت می‌کند و تمام این حالات زمینه‌ساز بهبود و ارتقای روحیه‌ی افراد است که خود

هیچ برنامه‌ای بدون حضور معلم به ثمر نمی‌نشیند!

گفت‌وگو با صادق صادق‌پور، مدیرکل آموزش دبستانی وزارت آموزش و پرورش

محمددشتی
عکس: رضابهرامی

مشاور، مدیر دروس و سمت‌های دیگر خدمت کردم و در سال ۱۳۷۹ به‌عنوان معاون پرورشی منطقه‌ی یک و معاون آموزش عمومی و امور تربیتی منصوب شدم.

چه شد که از منطقه‌ی یک تهران دوباره به بیرجند بازگشتید؟

البته بیش از یک سال توفیق خدمت در آن جا را پیدا نکردم و ماجرا هم از این قرار بود که بعد از تقسیم استان خراسان به سه استان مستقل، به‌عنوان معاون آموزش عمومی استان خراسان جنوبی انتخاب شدم و بعد از یک سال که مأموریتم در آن جا به پایان رسید به‌عنوان معاون برنامه‌ریزی و توسعه‌ی مدیریت منطقه‌ی یک تهران ادامه‌ی خدمت دادم. بعد از آن هم تقریباً به مدت ۸ سال مدیریت مجتمع رشد را (که ۲ مدرسه‌ی ابتدایی با حدود ۶۰۰ نفر دانش‌آموز، یک مدرسه‌ی راهنمایی، یک دبیرستان، یک آموزشگاه علمی و یک آموزشگاه زبان را شامل می‌شد) عهده‌دار شدم. بعد از آن هم از دی‌ماه سال ۱۳۹۲ به‌عنوان مدیرکل دفتر دبستانی معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش مشغول انجام وظیفه شدم.

اولین برنامه‌ی رسمی شما بعد از قبول این مسئولیت چه بود؟

بعد از توفیق خدمت در این بخش، با بررسی اولیه‌ای که در دفتر آموزش دبستانی داشتم،

اشاره

صادق صادق‌پور، کارش را با معلمی در مجتمع ایثارگران بیرجند آغاز کرده است و می‌گوید یکی از افتخارات من این است که در تمام دوران مسئولیت‌م، از معلمی و مدرسه غافل نبوده‌ام. از اهمیت، جایگاه و تأثیر رسانه آگاه است و وقتی می‌گوییم باید متن این گفت‌وگو برای شماره‌ی اول مجله آماده شود و فرصت زیادی نداریم، یکی دو جلسه مهمش را جابه‌جا می‌کند تا در دفتر کارش با او به گفت‌وگو بنشینیم. آنچه می‌خوانید حاصل این جلسه‌ی صمیمانه است.

مایلم بدانیم مدیرکل آموزش دبستانی معاونت آموزش ابتدایی چه سابقه و پیشینه‌ی معلمی دارد؟

برای من هم گفتن از معلمی و معلم شدن لذت‌بخش است. البته آنچه می‌گویم نقل یک زندگی است و ادعایی در خصوص اینکه معلم موفق‌ی بوده‌ام، ندارم اما نمی‌توانم خوشحالم را از اینکه معلم شده‌ام پنهان کنم. متولد سال ۱۳۴۶ در بیرجند هستم. سال ۱۳۶۴ وارد تربیت‌معلم شهید پاک‌نژاد یزد شدم و در رشته‌ی حرفه‌وفن تحصیل کردم.

آیا در خانواده‌ی شما هم سابقه یا علاقه‌ای در زمینه‌ی معلمی بوده است؟

در خانواده‌ای علاقه‌مند به درس و تحصیل و علم و دانش متولد شدم. پدرم نیز سابقه‌ی فرهنگی دارند و در سالیان دور به‌صورت افتخاری معلم بوده‌اند و چند کتاب شعر دارند و اخیراً هم کتاب‌های حکایات را شروع کرده‌اند و در مجموع می‌توان گفت نوع نگاه و زندگی ایشان ما را در

مسیر علم و معلمی قرار داد و آموزه‌های عملی و رفتاری ایشان که با محبت و مهربانی و صبوری همراه بود تأثیر زیادی در انتخاب معلمی برای ما در زندگی داشت. توصیه اکید ایشان که هیچگاه از یاد ما نرفته این است که فرزندان من حق ندارند برای تدریس قرآن و امور دینی پولی دریافت کنند و خوشبختانه این توفیق حاصل شد که ما هم بدان عمل کنیم.

پس از فراغت از تحصیل چه کردید؟

بعد از فراغت از تحصیل در سال ۱۳۶۶ به مدت ۴ سال سرپرست مجتمع ایثارگران بیرجند بودم و همزمان تدریس هم می‌کردم. این نکته را هم بگویم که همزمان با قبولی در تربیت معلم، در رشته‌ی مهندسی عمران هم پذیرفته شده بودم که به دلیل علاقه به معلمی، تحصیل در تربیت‌معلم را برگزیدم. در سال ۱۳۷۰ در دانشکده‌ی فنی بابل در رشته‌ی مکانیک پذیرفته شدم و تحصیلاتم را ادامه دادم. سال ۱۳۷۴ از این دانشکده فارغ‌التحصیل شدم و به منطقه‌ی یک تهران آمدم و در سطوح مختلف کاری مانند

برنامه‌های رتدوین کردیم و با حمایت و هدایت‌های مدیرانه‌ی جناب آقای دیمه‌ور، جلساتی را با حضور معاونان استان‌های کشور برگزار کردیم. برای بهره‌گیری بیشتر و ایجاد فضای بحث و تبادل نظر، استان‌های کشور را به سه گروه تقسیم کردیم و با اختصاص زمان مناسب و مکفی شنوای نظرات، پیشنهادها و برنامه‌های آنان برای سر و سامان دادن به برنامه‌های دفتر آموزش دبستانی شدیم. دلیل این دعوت زودهنگام و مشورت با معاونان ادارات کل آموزش و پرورش استان‌های کشور این بود که اعتقاد راسخ داشتیم و هنوز هم بر این امر تأکید می‌کنم که علاوه بر بهره‌مندی از خرد جمعی، همه‌ی برنامه‌های ما باید در استان‌ها، مناطق و کلاس‌های درس عملیاتی و اجرا شود.

برنامه‌ی خاصی هم برای کسب نظرات و پیشنهاد معاونان استان‌ها داشتید یا جلسات به روال معمول و به گفت‌وگو گذشت؟

ما می‌دانستیم که دسترسی به چنین جمع مؤثر و آگاهی در خصوص مسائل و برنامه‌های استانی به راحتی امکان‌پذیر نیست و به همین دلیل، فرم‌هایی را بین معاونان حاضر در این جلسات و دیگر همکاران آن‌ها که حضور داشتند توزیع کردیم و از آنان خواستیم اهم مشکلات و اولویت‌های مهم و اساسی خود را بیان کنند تا این مسائل در برنامه‌ی عملی که در این دفتر تدوین می‌شود مورد توجه قرار گیرد و در واقع برنامه‌ی نهایی ما تصویری از همه‌ی نیازها، انتظارات و اولویت‌های استانی در سراسر کشور باشد.

اساس برنامه‌های معاونت آموزش ابتدایی، از جمله دفتر آموزش دبستانی بر چه معیار و مبنایی استوار است؟

اساس و اصل برنامه ما مبتنی بر اسناد تحولی از جمله سند تحول بنیادین آموزش و پرورش،

برنامه‌ی درسی ملی، برنامه‌های محوری، سیاست‌های مقام عالی وزارت و راهبردهای معاونت محترم وزیر در نظر گرفته شده برای حوزه‌ی آموزش ابتدایی و نظرات، انتظارات و اولویت‌های کارشناسی شده‌ای است که در این نشست احصا شده است و در حقیقت از همان ابتدای کار تلاش کردیم صحنه‌ی عمل واقعی را که همان مدرسه و کارگزاران اصلی آموزش و پرورش را که معلمان هستند، از یاد نبریم.

این جلسات تا چه حد توانست انتظارات شما را در کمک به تدوین برنامه‌ی عمل در حوزه آموزش ابتدایی برآورده کند؟

خوشبختانه جلسات نشست و گفت‌وگوهای صمیمانه ثمرات زیادی به همراه داشت و به ما کمک کرد تا بتوانیم ضمن استفاده از تجربه‌های انباشته و زیسته‌ی ارزشمند همکاران خودمان در سراسر کشور، برنامه‌ها و اولویت‌های موردنظر را که مبتنی بر تلاش‌های کارشناسی و برنامه‌ای بود، به سمع و نظر این عزیزان برسانیم و در یک برنامه‌ی منسجم، هدفمند و مشارکت‌جویانه محورهای اصلی و برنامه‌های آتی این دفتر و مجموعه‌ی معاونت آموزش ابتدایی را احصاء و برنامه‌های عمل در دفاتر سه‌گانه‌ی این معاونت یعنی دفتر پیش‌دبستانی، دفتر دبستانی، دفتر عشایری و مناطق کمتر توسعه‌یافته را مشخص کنیم.

گام بعدی برای تدوین برنامه‌ی عمل در حوزه‌ی کاری خودتان چه بود؟

ما در حوزه‌ی ستادی و درون معاونت از وجود همکاران و کارشناسانی برخوردار هستیم که به‌عنوان بازوهای اجرایی باید ما را در کارها یاری کنند. گام بعدی ما برای ایجاد اشتراک نظر و وحدت رویه در اقدامات برنامه‌ای دفتر آموزش دبستانی و برگزاری جلساتی در داخل مجموعه بود. ما در دفتر دبستانی ۶ گروه داریم که از همکاران در هر یک از این گروه‌های شش‌گانه خواستیم براساس همان اسناد

پایه و تحولی ابلاغ شده، اولویت‌ها، چالش‌های جدی و برنامه‌های خود و راهکارهای عملیاتی که می‌تواند در سال تحصیلی مورد توجه قرار گیرد را مشخص و به ترتیب اولویت اعلام کنند.

آیا شما شخصاً اعتقادی به اتاق فکر و مشورت با دیگران دارید؟ در این خصوص چه اقداماتی انجام داده‌اید؟

من به استفاده از فکر دیگران و مشورت سخت معتقدم و سابقه‌ی کاریم نیز حاکی از همین اعتقاد است. اما زاویه‌ی نگاهم نسبت به برخی دوستان متفاوت است. معمولاً در بیشتر سازمان‌ها و نهادها، اتاق فکر و شوراهای برنامه‌ریزی دو واحد مستقل از هم هستند و تجربه‌ی مدیریتی من حاکی از این بود که این تفکیک و استقلال گاهی باعث می‌شود عده‌ای خود را مسئول تفکر و اندیشه و ارائه‌ی مشاوره و عده‌ی دیگری خود را متولی برنامه‌ریزی و اجرا بدانند و این دو خط موازی راهشان را جدای از یکدیگر ببینانند و در نتیجه امر مشورت و شورا و فکر و اندیشه حاصل چندانی نداشته باشد. اتفاقی که در این زمینه صورت گرفت و باعث شد ما نتایج بهتری از هم‌اندیشی و همفکری با همکارانمان به دست بیاوریم این بود که اتاق



فکر و شورای برنامه‌ریزی را با هم ادغام کردیم و نام آن را «شورای ایده و برنامه» گذاشتیم. اعضای این شورا در حال حاضر معاونان دفتر و رؤسای گروه‌ها هستند و در هر جلسه هم بنا به موضوعات جلسه از چند نفر صاحب‌نظر و اندیشمند بیرون از مجموعه هم دعوت می‌کنیم.

این تلفیق چه نتیجه‌ی قابل‌ذکری در کار شما و تدوین برنامه‌های دفتر داشته است؟

این تلفیق تا به حال نتایج خوبی در بر داشته است و می‌توانم ادعا کنم برنامه‌ی عمل و مجموعه‌ی انتظارات تفاهم‌نامه‌ی این دفتر برگرفته از آن جلسات کارشناسی و نظرانی است که در این شورا اتخاذ شده است. نقطه‌ی امیدواری و محور حرکت و تحول و برنامه هم در همه‌ی این مراحل معلمان و به‌خصوص آموزگاران مدارس ابتدایی بوده‌اند و من با افتخار اعلام می‌کنم که کل مجموعه‌ی تصمیم‌گیرنده شامل معاونان محترم استان‌ها، کارشناسان حوزه‌ی ستادی و مشاوران ما در این امور همه متفق‌القول هستند که آموزگار در نظام آموزشی دارای جایگاهی مهم و والاست و هیچ کاری بدون حضور معلم به ثمر نمی‌نشیند!

از نگاه شما آموزش ابتدایی در نظام تعلیم و تربیت چه جایگاهی دارد؟

آموزش ابتدایی در نگاه من جایگاهی بی‌بدیل و والا دارد. همان‌گونه که مقام معظم رهبری فرمودند: «دانشگاه مهم است، محیط و صدا و سیما مهم است، اما هیچ‌کدام به اهمیت پایه‌ی ابتدایی و دبستان نیست». در اسناد تحولی هم این‌گونه است. در جایی از قول استاد تعلیم و تربیت ایران آقای دکتر غلامحسین شکوهی نقل شده بود که گفته بودند: «وقتی از آموزش و پرورش صحبت می‌کنیم، منظورمان آموزش ابتدایی است» و جای بسی خوش‌حالی و امیدواری است که این نگاه که در واقع عصاره‌ی اندیشه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت است، در اسناد تحولی آموزش و پرورش که برگرفته از آموزه‌های دینی و اسلامی ما هستند این‌ها به وضوح به چشم می‌خورد و برای آموزش

ابتدایی و معلمان این دوره‌ی تحصیلی اصالت و اولویت قائل است.

در صحبت‌ها اشاره کردید به دل‌بستگی‌تان به برنامه‌ای که برای آموزش دبستانی تهیه شده است و اعتقاد دارید چون برنامه برآیند نگاه مسئولان استانی (به‌نوعی نگاه معلمان)، کارشناسان، مسئولان و کارشناسان حوزه‌ی ستادی است، مؤثر خواهد بود. چه انتظاری از چنین برنامه‌ای دارید؟

ملاک و شرط موفقیت ما همراهی، همدلی و مشارکت معلمان است. اما به نظر می‌رسد این برنامه عمل که شامل اولویت‌ها و راهکارهای اجرایی ما در آموزش و پرورش است و ناظر بر همه‌ی فعالیت‌های مورد نظر در حوزه‌ی دبستانی است و دانش‌آموزان کلاس اول تا ششم را در برمی‌گیرد، ملاک خوبی خواهد بود تا بتوانیم در پایان یک دوره، اقدامات خودمان را ارزیابی کنیم و باز هم با استفاده از نظر معلمان، مسئولان و دیگر صاحب‌نظران دلسوز این بخش، اقدامات اصلاحی و تکمیلی خود را در برنامه‌های آتی ملاک عمل قرار دهیم.

این برنامه‌ها پس از همایش سراسری معاونان آموزش ابتدایی در خرداد ۱۳۹۳ به ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها ابلاغ شده است و امیدواریم با همراهی و استقبال همکاران ما در استان‌ها همراه شود و آموزگاران عزیز در استان‌ها نیز ضمن مشارکت فعال، ما را در اصلاح، تقویت و اجرای مؤثر آن یاری دهند.

این برنامه‌ها پس از همایش سراسری معاونان آموزش ابتدایی در خرداد ۱۳۹۳ به ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها ابلاغ شده است و امیدواریم با همراهی و استقبال همکاران ما در استان‌ها همراه شود و آموزگاران عزیز در استان‌ها نیز ضمن مشارکت فعال، ما را در اصلاح، تقویت و اجرای مؤثر آن یاری دهند.

به‌طور مشخص قرار است با مجلات رشد و به‌خصوص مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی چه کارهای مشترکی را در سال جاری تحصیلی انجام دهید؟

باید به اطلاع مدیران ارجمند مدارس و معلمان عزیز برسانم که ما با همکاری مجلات رشد و به‌خصوص مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی در زمینه‌ی معرفی مدارس موفق (که دانش‌آموزان آن مدارس به‌عنوان دانش‌آموز و فارغ‌التحصیل موفق، خودباور و بانشاط قادر به حضور مؤثر در صحنه اجتماع باشند) و

همچنین در موضوع کیفیت‌بخشی در آموزش کلاس‌های چندپایه و فرهنگ درس‌پژوهی اقدامات مؤثری را انجام خواهیم داد که امیدوارم مسئولان محترم، مدیران ارجمند مدارس و معلمان گرامی در این خصوص ما را یاری و راهنمایی نمایند. انشالله در زمینه‌ی درس‌پژوهی و اگر ممکن شد درباره‌ی مشاوره‌ی تحصیلی ابتدایی ویژه‌نامه‌ای هم منتشر خواهد شد که امیدواریم محتوای آن بتواند مورد استفاده‌ی همکاران ما قرار گیرد.

و سخن پایانی؛ معلمی که در جایگاه مدیرکلی هم خود را معلم می‌بیند!

چون مقام عالی وزارت نگاه ارزشمندی به دانش‌آموزان و آموزگاران ابتدایی دارند و از تلاش‌های معاونت محترم ابتدایی وزارتخانه آگاهی دارم، بنابراین به همکاری بین‌واحدی مختلف حوزه‌ی ستادی و به‌خصوص واحدهای مرتبط با هم خیلی دل‌بسته‌ام و یکی از برنامه‌هایم این بوده است که شخصاً به دفاتر همکاران و دوستان سر زده‌ام و آمادگی خودم را برای تعامل و همکاری اعلام کرده‌ام. یکی از دفاتری که همکاری‌های خوبی را آغاز کرده‌ایم دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی است. در اینجا لازم می‌دانم از بابت زمینه‌ی همکاری که بین این دفتر و مجلات رشد ایجاد شده است، از سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و به‌ویژه مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی تشکر کنم و آن را به فال نیک بگیرم. حقیقت این است که ما در حوزه‌ی ستادی به همکاری و هم‌سویی بیشتری نیازمندیم تا اجزای مهم و تأثیرگذار این بخش به جزایر جداگانه و مستقلی که هر کس کار خودش را انجام می‌دهد، تبدیل نشوند.

این همکاری نزدیک‌تر و با برنامه خواهد توانست الگو و پیمای برای همه‌ی عزیزان ما باشد. ظرفیت‌ها و زمینه‌های ارزشمندی وجود دارد که گاه غفلت از آن ما را با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌کند و توجه به آن می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات جاری باشد. من به سهم خود این همکاری، همدلی و هم‌سویی را ارج می‌نهم و از همکاران خودم در مجلات رشد سپاسگزارم.



آرزوی معلم شدن دارم!

ویژگی‌های نوآموزان اول ابتدایی

زهرا ذکریاپور، آموزگار

○ اولی‌ها لحظه‌ای چشمان معصومان را از چشمان آموزگار خود بر نمی‌دارند.

○ اولی‌ها به همه ابعاد وجود و رفتار مربی و الگوی مطلوب خود توجه دارند و کوچک‌ترین کنش و واکنش معلم در کلاس، برای اغلب بچه‌ها بزرگ‌ترین درس و سرمشق زندگی و پاسخ به یک نیاز است.

○ اولی‌ها در نخستین ساعات و اولین روزهای مدرسه با همه‌ی وجود، سراپا گوش برای شنیدن کلام دلنشین آموزگار هستند. اولی‌ها دوست دارند مخاطب کلام آموزگار واقع شوند.

○ اولی‌ها گاهی با تجاربی ناخوشایند از زندگی با بزرگ‌ترها به مدرسه می‌آیند و معلم اندیشمند اولی‌ها به خوبی می‌داند که این قبیل بچه‌ها بیش از دیگران نیازمند توجه هستند. اولی‌ها، این امیدهای خانه و مدرسه، شکوفه‌های زندگی و سرمایه‌های باارزش جامعه، همیشه نیازمند توجه خاص هستند.

آمیخته‌ای از محبت، عطوفت، منطق و استواری است و هرگز پر خاش نمی‌کنند و از مرز متانت و صبوری هدفمند پای فراتر نمی‌نهند. بچه‌ها شیفته‌ی چنین الگوهایی هستند و به وجودشان سخت نیاز دارند. بدیهی است که این یک نیاز زیبایی فطری است. نیاز به وجود معلمان وارسته و محبوبی که همه‌ی آمال و آرمان‌های کودکان به‌ویژه کلاس اولی‌ها در آنان خلاصه می‌شود و عطش همانندسازی با آن‌هاست که بر انگیزه‌ی تلاش و سرعت حرکت هدفمند و جهت‌دار نوباوگان می‌افزاید.

کلاس اولی‌ها

○ اولی‌ها به دیدن چهره‌ی گشاده و دوست‌داشتنی آموزگار خود سخت‌نیز دارند.

○ اولی‌ها دوست دارند که معلم نگاه پرمهرش را آگاهانه، عاشقانه و عادلانه میان همه‌ی بچه‌ها، جلویی‌ها و عقبی‌ها، آشناها و غریبه‌ها تقسیم کند.

بچه‌های دبستانی به‌خصوص نوآموزان کلاس اولی از مجموعه‌ی ویژگی‌های زیستی، ذهنی، روانی و اجتماعی قابل توجهی برخوردارند. شناخت خصیصه‌های ذهنی و روانی حاکم بر شخصیت پویای نوباوگان دبستانی، اولین گام در برقراری ارتباط مؤثر و سازنده و هدایت فکری و پرورش عاطفی آن‌هاست. کلاس اولی‌ها همه‌ی وجودشان متأثر از شخصیت و رفتار الگوهای بزرگسال است و به‌عبارت دیگر الگوهای بزرگسال همچون پدر و مادر و آموزگار بیشترین و پایدارترین اثر را در تکوین و پدیدآیی شخصیت کودکان و نوجوانان دارند. بسیاری از بچه‌های کلاس اول وقتی از مدرسه به خانه برمی‌گردند چهره‌ی معلم را در مخیله خود ارزیابی می‌کنند و شب‌ها وقتی که به خواب می‌روند باز هم سیمای معلم را در خواب می‌بینند. بچه‌های دبستانی عمدتاً آرزوی معلم شدن را در سر می‌پروراندند. الگوهای محبوب این بچه‌ها بزرگسالانی هستند که شخصیت آن‌ها

معلم باید هنرپیشه باشد

گفت‌وگوی صمیمی با معلم پیشکسوت حاج حسین خوشنویسان

علی اصغر جعفریان



اشاره

اواخر اردیبهشت ۱۳۹۳ است که وارد دفتر دبیرستان خواجه نصیرالدین طوسی می‌شوم. دفتری ساده درست مثل دفتر مدرسه‌های قدیم. صندلی‌ها و میز ساده و بدون زرق و برق و کتاب‌خانه بیش از هر چیز دیگری در دفتر خودنمایی می‌کند. پیرمردی عرق چین برس‌ر با کوله‌بار بیش از نیم‌قرن تجربه روی صندلی، پشت میز چوبی رنگ و رو رفته‌ای کنار پنجره و گلدان‌های شمعدانی نشسته است. زیر شیشه‌ی میزش عبارت «کلمة الله هی العلیا» و جمله‌هایی معروف از بزرگان به چشم می‌خورد. از شهید رجایی در سخنانش مثال می‌زند و یاد او را زنده می‌کند. مثل همیشه با لبخند و با صدای رسا جواب سلامم را می‌دهد. برخوردش پر از سادگی، محبت و صمیمیت است. نظم و انضباط از ویژگی‌های کاری اوست. به قول و برنامه‌ای که دارد عمل می‌کند. می‌داند برنامه‌هایش را تنظیم و خودش را برای یک گفت‌وگوی دوستانه و شنیدنی آماده کرده است. روبه‌رویش می‌نشینم و صحبت را آغاز می‌کنیم.

از خودتان، سوابق شغلی و زادگاهتان بگویید.

زادگاه بنده روستای رباط ابولولان پایین کوچه از شهرستان گلپایگان است. ۲۲ سال و نه ماه قبل از انقلاب و دو سال بعد از انقلاب به کلاس رفتم و تدریس کردم. نزدیک به سه سال و اندی مدیر کل آموزش و پرورش تهران بودم. در دو دوره، یکی دوره‌ی شهید رجایی و یکی زمان آقای دکتر اکرمی در دبیرستان البرز مدیر دبیرستان بودم؛ یک دوره در سال ۱۳۵۷، یعنی نهم اسفند ۱۳۵۷ که تقریباً تا اواخر دی ماه هم ادامه یافت. یک دوره هم از ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۰. در دبیرستان البرز چهار سال مدیریت کردم. بعد رئیس آموزش و پرورش ناحیه‌ی شمیرانات بودم که الان مناطق یک، دو، سه، چهار و پنج تهران را شامل می‌شود. بنده مدیر کل استان تهران بودم از فیروز کوه تا طالقان، در هر دو دوره. نزدیک سه سال و چهار ماه در مجلس شورای اسلامی دوره اول مدیر کل مالی-اداری بودم. در انتخابات دوره‌ی اول نمایندگان مجلس عضو هیئت هفت نفره بودم که کارش رسیدگی به اختلافی بود که بین بنی صدر و شورای انقلاب به وجود آمده بود. دو سال مشاور استان دار فارس

خلاصه از چرم نرم‌تر بود. هر مسئله‌ای که حل نمی‌کردیم دو تا کف دستی داشت. وقتی کف دست را می‌زد، پشت دست هم بیشتر از کف دست می‌سوخت. ترکه می‌چرخید به پشت دست می‌خورد. من بسیار گریه کردم و در همین حال خوابم برد. حقیقت این است که مسئله در خواب برآیم حل شد. از خواب پریدم و آن را یادداشت کردم. فردا که رفتم مدرسه، دیدم راه حل من کاملاً درست است. فقط یک عمل پس‌وپیش دارد. در آن روز فهمیدم من مسئله را خوب نمی‌خوانم که بفهمم. اگر فهم بیاید مشکل حل می‌شود. این عاملی شد که من در همان ششم ابتدایی جهشی امتحان دادم. در آن زمان هفتصد و شصت مسئله را خودم طرح کرده بودم که اغلب همکاران دبیر نمی‌توانستند حل کنند. با هم مسابقه می‌دادیم. آن عزیزان مسئله می‌دادند و من می‌خندیدم و می‌گفتم که این از ششصد مسئله است یا از هشتصد مسئله است. این از هزار و یک مسئله است و آن یکی از حساب مظفری است. همه‌ی این کتاب‌ها را همه زیر و رو کرده بودم. من مسئله می‌دادم و آن‌ها درمی‌ماندند. این علاقه به خصوص در دبیرستان البرز تکمیل شد و در نتیجه من مراقب اعمال همه‌ی دبیرها بودم. دبیر موفق، ناموفق همه‌ی این‌ها را در ذهنم جا می‌دادم. به‌طوری که وقتی با همان دبیرم به کلاس رفتم، برای تدریس آنچه دیگران می‌گفتند خیلی موفق بودم. این رمزش است.

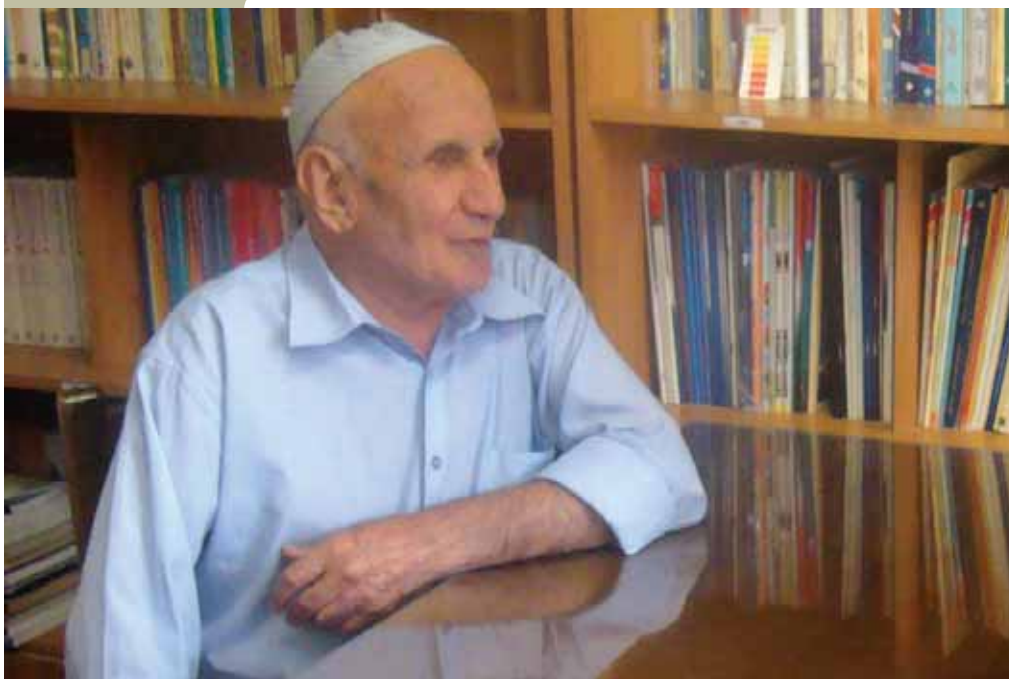
روش‌های تدریس و رمز ماندگار بودن خودتان در معلمی را چه می‌دانید؟

من در تدریس سعی می‌کردم مخاطبم را خوب بشناسم و آنچه را او از سنوات قبل داشت، تشخیص دهم و به‌دنبال آن درس‌م

بودم و آن‌ها هم بیشتر مسئله آموزش و پرورش مطرح بود- تقریباً پنج ماه مانده است که ۲۳ سال مدیرعاملی من بر مؤسسه‌ی خواجه نصیرالدین طوسی تمام شود. این مؤسسه شامل یک مدرسه‌ی راهنمایی، دبیرستان، هنرستان و دو مهد کودک به نام مبتکر است. امیدوارم این خدمات‌ها مورد توجه حق قرار گیرند.

استاد برایمان بگویید چرا معلم شدید؟

من در نه سالگی به مدرسه رفتم و این به علت بیماری برنشیتی بود که گرفته بودم. از همان سالی که این حادثه رخ داد، من شروع به درک ریاضیات کردم و تصمیم گرفتم معلم شوم. علاقه داشتم بچه‌ها بیایند از من سؤال کنند و من پاسخ بدهم. در سال دوم، سوم دبستان مسائل حسابم را می‌دادم برادرم حل می‌کرد. آن موقع درسی به نام حساب داشتیم. الان ریاضی داریم. یک روز برادر فرامانی به من داد، اطاعت نکردم. عصر مسئله را آوردم تا حل کند. خلاصه با عدم اطاعت او روبه‌رو شدم. گفت: «اگر حل کنم، فردا به معلمت می‌گویم». معلم ما هم ترکه‌های انار را توی آب خیس می‌کرد.



را شروع می‌کردم. در کلاس ششم تدریس داشتم. یک عده از دانش‌آموزان مباحث را فراموش کرده بودند. از چهار عمل اصلی و تعریف عدد شروع می‌کردم. شاید نزدیک یک ماه طول می‌کشید. درس‌های گذشته را کامل به دانش‌آموزانم عرضه می‌کردم و بعد مطالب سال جدید را می‌گفتم و نتیجه‌اش هم مطلوب بود. هیچ دانش‌آموزی سر کلاس نمی‌توانست بگوید «آقا نمی‌دانم» چون خودم گفته بودم. حتی در کتاب‌های سابق که من تدریس داشتم، فصلی را برای گذشته قرار داده بودند و مطالب گذشته را خلاصه‌وار تکرار می‌کردند. این رمز موفقیت بود. شناخت دانش‌آموز و طلبکار نبودن معلم از دانش‌آموز. دانش‌آموز از معلم طلب کار است. این رمز بود.

من واقعاً به دانش‌آموزم شخصیت می‌دادم و قبلاً هم این شخصیت را به او اعلام می‌کردم. من معتقدم که اگر دانش‌آموزی توانایی علمی ندارد، تحقیر شخصیتی نباید بشود. حالاً ممکن است هنر دیگری داشته باشد و راه دیگری را طی کند و رشد کند. اگر درس ریاضی را نمی‌فهمد، دلیلی ندارد که شخصیتش را خرد کنیم.

چه توصیه‌ی خاصی برای آموزگاران دارید؟

از نظر من سخت‌ترین بخش شغل معلمی تدریس در کلاس اول دبستان است. اگر پیش دبستانی را عنوان کنید من می‌گویم آن باز هم سخت‌تر است؛ برای اینکه آغاز کار است. زیربنای ساختمان را می‌خواهد بسازد. در هر ساختمانی ستون‌های اصلی از دیوار چینی و غیره مهم‌تر است. توصیه‌ام این است که اگر واقعاً عاشق‌اند، معلم شوند؛ چون معلمی عشق است. به قول شهید رجایی، دیوانه باید باشی. به‌خصوص در زمان ما، که اگر سبزی فروشی کنار خیابان را انتخاب کنی، درآمد مادی‌اش بیشتر از معلمی است. اگر عاشقی، دنبال برو. در حریم عشق نتوان زد دم از گفت‌وشنود / زن که آن‌جا جمله اعضا چشم باید بود و گوش. این‌جا بد نیست از مرحوم شهید چمران یاد کنیم. در لبنان که می‌آید مجله‌ای را به اصطلاح هدایت بکند. دختر خانمی یکی از صفحات مجله را می‌بیند. سیاه است. سیاه مطلق. در گوشه یا بین صفحه یک شمع روشن است. فقط نور آن سوسو می‌کند. در محفلی ظاهراً جمع بودند. دختر خانم می‌رود سراغ چمران می‌گوید: «آقا می‌دانید مال کیه؟» چمران می‌گوید: «بله این مجله مال خودمان است.»

دختر می‌گوید: «منظورت از شمع چیست؟» چمران جواب می‌دهد: «در شرایط حال در دنیا، یک نفر ولو اینکه فضا تاریک است، می‌تواند به اندازه‌ی یک شمع نور بدهد و اطرافش را روشن کند.» بعد همین خانم

می‌آید همسر چمران می‌شود. یکی از دوستانش به خانم می‌گوید: «چطور شد تو که ایراد می‌گرفتی به همه چطور کچل را انتخاب کردی؟»

می‌گوید: این حرف‌ها یعنی چه؟ دوستش می‌گوید: «بله کچل انتخاب کردی» شرط می‌بندد. می‌روند خدمت چمران می‌بینند. بله موی چمران مقدار زیادیش ریخته است. می‌خواهم بگویم این‌جا که عاشق شدی دیگر زشتی و زیبایی و کم و زیاد حقوق را نمی‌بینی. بلکه دنبال عشقت هستی.

از آموزگاران دوران تحصیل ابتدایی خود خاطره‌ای دارید؟

در زمان ما، اولاً من به‌عنوان محصل مدرسه نبودم. چون دیر به مدرسه رفتم. خاطره‌ای دارم که دایی مادرم مدیر مدرسه بود. معلم ریاضی‌مان هم خودش بود. گرچه ریاضیاتش چندان مطلوب نبود. مسئله‌ای را غلط حل کرده بودم. ایشان ایراد گرفت. خودم فهمیدم غلط حل کرده‌ام ولی غرور دانش‌آموزی اجازه نداد که آن را بپذیرم. بر خودم لبخند می‌زدم که فهمیدم بابا، اما قبول نمی‌کردم. ایشان بزرگواری کردند و ندید گرفتند.

معلمان خودتان را به یاد دارید؟ کمی درباره‌ی آن‌ها بگویید؟

معلم ریاضی من در دبستان به نام جواد غیائی بود. از افراد خوش‌فکر و وسعت‌فکریش زیاد

نظر اترافیاتان در رابطه با شغلی که انتخاب کرده‌اید چیست؟

در اترافیانم کسانی که این شغل را نپسندیده باشند، سراغ ندارم. خانواده از این مسئله راضی بودند. البته درباره‌ی درآمد معلمی که به‌خصوص بعد از انقلاب افت کرد، گاهی کلماتی شنیده شده است ولی در این مورد که چرا معلم شده‌ام، چیزی نشنیده‌ام.

در تدریس چه دروسی شیوه‌تان خاص‌تر بود؟

حساب استدلالی و جبر تدریس کرده‌ام اما روی هندسه حساسیت بیشتری داشتم. چون اعتقاد دارم برای تقویت فکر هندسه مقدم بر همه‌ی دروس و بهتر از همه‌ی دروس است. حتی از بزرگان ریاضی مشهور است که اگر هندسه نمی‌دانید به مدرسه وارد نشوید. هندسه کلید کار است. شما اگر فیزیک می‌خواهید بخوانید، هندسه می‌خواهید. مکانیک هندسه می‌خواهد. در قسمت آینه‌ها و نور و غیره شما هندسه می‌خواهید. نمی‌توانید بدون هندسه کار کنید. این است که به هندسه بیشتر اهمیت می‌دادم و این درس برایم مهم‌تر بود. حتی کنکور دانشگاه، که آن موقع استدلالی بود، تشریحی بود نه تستی. من راهی را رفتم که بعداً مورد تشویق استادان دانشگاه قرار گرفتیم. من شهادت حرکت برای کشف راه‌حل‌های جدید را دارم.

شیوهی معلمی آموزگاران و روش‌های تدریسشان نسبت به دوره‌های بالاتر چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

فراموش نمی‌کنم که فرزندم در مدرسه علوی کلاس اول مرحوم نیرزاده معلمشان بود. من خودم یک روز رفتم به کلاسش. حرف لام را می‌خواست درس بدهد. ایشان لباس روستایی به تن داشت. یک طبق لبو روی سرش بود و شروع کرده شعر خواندن در حیاط مدرسه: «ای لبوی داغ تنوری داریم، لبو» با این سیاق وارد کلاس شد. بچه‌ها کف می‌زدند. می‌پریدند بالا و پایین. یعنی اول نشاط به بچه می‌داد. بعد یک سوت می‌کشید. بچه‌ها یک دفعه در جایشان میخ‌کوب می‌شدند و سکوت می‌کردند و منظم دست‌روی‌پاهایشان‌رو روی صندلی می‌نشستند. این را به رأی‌العین دیدم. پس اگر درک مطلب بکنیم که این بچه است، ما نیز باید مقداری بچه بشویم. تعارف ندارد. تا بچه نشویم نمی‌توانیم انتقال بدهیم. به فراخور سن دانش‌آموز باید حرف بزنی. طلب‌کارانه حرف نزن. دانش‌آموز طلب‌کار است نه شما. در گفتار منتهی درجه‌ی زیبایی کلام را باید به کار ببرید. نظر شخصی بنده این است که کسی که می‌خواهد معلم بشود اول خوش‌تیپ باشد، خوش‌لباس باشد، خوش‌بین باشد، خوش‌هیكل باشد، خوش‌سواد باشد. این بشود معلم. خوب دقت کنید. خوش‌بین، خوش‌لباس، مهم نیست این لباسی که می‌گوییم گران‌قیمت باشد. اشتباه نکنید. ممکن است ساده‌ترین، ارزان‌ترین لباسی را آدم زیبا تنش کند برود به کلاس. مثلاً نیرزاده، دیدم لباس روستایی تنش است. مال سربندان بود در جاده‌ی فیروزکوه. قبایش بلند بود. پرش را آورده بود به شمال دور کمر آویزان کرده بود. حالت نمایش‌نامه، هنرپیشگی. معلم باید هنرپیشه باشد. خلاصه‌اش، اگر هنرپیشه نباشد کلاه سرش می‌رود. این مهم‌ترین توصیه‌ی من به معلمان است.

به نظر تان در شغل معلمی بازنشستگی هم مطرح است؟

نه، عزیزم نه، نه معلمی بازنشستگی دارد نه پزشکی. چون من اعتقاد دارم که تجربه بر معلومات می‌افزاید، هر چقدر سن برود بالا ممکن است توان جسمی طرف کم بشود. ولی تجربه‌ای که دارد برای جبران نیروی جوانی جایگزین می‌شود. اما اگر در سنین بالاست، نباید شش ساعت پشت سر هم برود کلاس، این‌جا باید تعداد ساعات کلاس متناسب با کشش بدنش باشد.

معتقدم که اگر دانش‌آموزی توانایی علمی ندارد، تحقیر شخصیتی نباید بشود

است به شرطی که دبستان دو قسمت باشد. از نظر سنی الان شرایط بلوغ مقداری سنش کم شده است و در نتیجه کلاس اول، دوم و سوم را پیش کلاس ششمی قرار دادن غلط است. اما از نظر معلوماتی هم دروس مطالعه نشده است. من در سال ۱۳۶۹ یکی از عزیزانی که قبلاً در دبیرستان البرز مدرس بوده به نام دکتر مدثری آمد البرز. از او سؤال کردم آمریکا چه خبر؟ ایشان اظهار کرد: «پانزده سال قبل وقتی مسئله‌ی ماشین حساب به‌وجود آمد. متفکران گفتند: «چرا ما دانش‌آموز را معطل کنیم که سه، چهار تا دوازده تا. این دکمه را می‌زند جواب را پیدا می‌کند.» پانزده سال از این ماجرا گذشته است. حالا متوجه شده‌اند دانشگاه‌های آمریکا تپی از دانشجویی آمریکایی است و اغلب از کشورهای دیگرند. حال آمده‌اند می‌خواهند تغییر بدهند. به ایشان گفتم: «آن‌جا چه جوری تغییر می‌دهند.» گفت: «سازمان‌هایی وجود دارد که لااقل ده سال طول می‌کشد تا یک برنامه را آماده کنند، در یکی دو تا مدرسه تست کنند بعد بیایند و آن را پیاده کنند.»

چه کنیم دانش‌آموزان جذب مدرسه و معلم بشوند؟

گل‌های مصنوعی زیبا هستند ولی در مقام مقایسه با گل طبیعی روح ندارند. معلمی با روح است. با عاطفه است. این عاطفه را با هیچ وسیله‌ای شما نمی‌توانید انتقال بدهید و من یقین دارم کشورهایی که عاطفه را کنار گذاشته‌اند، دیری نخواهد پایید که برگردند و بروند سراغ عاطفه. پدر و مادر برای بچه‌اش با عاطفه زندگی کند، نه با وسایل مدرن امروزی، نه با شیرخوارگاه و مهد کودک و جاهای دیگری که بچه را رشد بدهند.

بود. از این نظر که مثلاً زبان انگلیسی را خیلی مسلط تدریس می‌کرد. با دیپلم در دبیرستان ریاضی و زبان تدریس می‌کرد. حتی خط کوفی را که در حاشیه‌ی دیوار مساجد دیده می‌شود خیلی خوب می‌خواند. چنین استعدادی داشت و من برای او ارزش خیلی زیادی قائل بودم. مثلاً دبیر ادبیاتمان (با اجازه اسم نبرم) اکثراً دوست داشت زنگ ادبیات برویم والیبال بازی کنیم. ولی خوب آن ارزشی که من برای مرحوم غیثی قائلم قطعاً برای دیگران قائل نیستم و این ادب را هم خوشوقت‌م اعلان کنم که: در تمام دوره حیاتش در جایی وارد نشدم که ایشان ایستاده باشد و من در حضورش بدون اجازه‌ی او بنشینم.

نظر تان درباره‌ی تغییرات نظام آموزشی جاری چیست؟

فکر می‌کنم این تغییرات عجولانه انجام گرفت. دوره‌ی خود بنده در تحصیل، شش سال ابتدایی بود، شش سال دبیرستان که دبیرستان دو قسمت می‌شد می‌گفتند سیکل و دیپلم و حتی در زمان ما دیپلم در سال یازدهم داده می‌شد و ارزش استخدام و ارزش علمی و قانونی داشت. و سال دوازدهم را دیپلم کامل می‌گفتند. در زمانی که محصل بودم چهار رشته بیشتر وجود نداشت. رشته‌ی ریاضی، رشته‌ی حسابداری و بانکداری و رشته‌ی طبیعی و رشته‌ی ادبی بود. کم‌کم ادامه پیدا کرد و رشته‌های جدید به‌وجود آمد. اگر ابعاد تغییر خوب مطالعه شود، شش سال خوب



چ ق

ه

آ

اثر تدریس ملموس

آموزگاری که با رنگ و نقاشی یاد می‌دهد

مریم حاجی محمدی

معاون آموزشی آموزشگاه شهیدای ۱۵ خرداد، خمین

۳

ج

ع

ب

آبرنگ توسط خود بچه‌ها رنگ‌آمیزی می‌کردم (البته با رنگ‌های شاد و پررنگ) و سپس به دانش‌آموزان می‌دادم تا خوب آن‌ها را لمس کنند. زیور و کاندو تا مدتی که لازم بود مثلاً دو یا سه هفته نزدشان بماند. پس از مدتی اثر این روش را بدون خستگی و دل‌زدگی در بچه‌ها به خوبی مشاهده کردم و به جرئت می‌گویم بعد از یک‌ماه این بچه‌ها هم‌ردیف دانش‌آموزان عادی قرار می‌گرفتند و با وضعیت خوب و رضایت‌بخشی قبول می‌شدند.

۲. برای تنوع و ایجاد علاقه در بچه‌ها با کامپیوتر و با استفاده از برنامه‌ی نقاشی (paint) عدد، کلمه یا حروف مورد نظر را می‌نوشتیم و می‌خواستیم که مشابه آن را با قلم خودشان بنویسند و با قلم‌های رنگ‌ها آن‌قدر تمرین می‌کردند که بعد از چند هفته خودشان با حروف کلمه و جمله می‌ساختند که البته از این روش بیشتر خوششان می‌آمد.

تقریباً هر سال در پایه‌ی اول یک تاسه دانش‌آموز با نیازهای ویژه داشتم که بایستی جدای از دیگر دانش‌آموزان و با حوصله و وقت بیشتر به آموزش آنان می‌پرداختم.

بعد از چند سال متوجه شدم که با روش واحدی که با بقیه‌ی دانش‌آموزان کار می‌کردم، با این بچه‌ها نیز کار کرده‌ام که علاوه بر خستگی باعث دل‌زدگی از درس و عدم یادگیری آنان می‌شد. بنابراین، به این فکر افتادم که با روشی خوب و جدای از روش‌های مذکور که مناسب حال این دانش‌آموزان باشد، به تدریس آنان بپردازم. بنابراین، در روش به ترتیب زیر اجرا کردم.

۱. بعد از مدتی فهمیدم که این دانش‌آموزان تدریسی که ملموس‌تر و عینی‌تر باشد را بهتر یاد می‌گیرند. بنابراین، بعضی از حروف و اعدادی را که این دانش‌آموزان در یادگیری آن‌ها مشکل داشتند با فوم‌های رنگی و یا یونولیت در می‌آوردم و با گواش یا

۹

ن

۱

ط

۴

آموزش صلح

دفاع از صلح در ذهن‌ها شکل می‌گیرد

زری آقاجانی
قسمت اول

نباشد. اگر قدری بیندیشیم ارزش صلح را در مقابل مشکلات و ویرانگری جنگ‌ها بهتر درک می‌کنیم. اغلب جنگ‌ها و درگیری‌ها به دلیل نبود درک متقابل و رعایت اصول و مبانی گفت‌وگو ایجاد می‌شود. اکنون که در قرن بیست‌ویکم به‌سر می‌بریم، وقت آن رسیده است که مهارت‌های لازم برای پرورش نسلی آزاده و صلح‌جو را کسب کنیم تا بتوانیم هر چه صحیح‌تر آن را انتقال دهیم. در این فرصت از ایجاد صلح و چگونگی رسیدن به آن و به عبارت دیگر آموزش صلح در حد بضاعت گفت‌وگو خواهیم کرد تا یاد بگیریم که برای ساختن یک رابطه‌ی مسالمت‌آمیز چگونه باید رفتار کرد. امروز دیگر سخن از آموزش صلح در جهان، سخن غریب و ناممکنی نیست. چندی است نظام آموزشی بیشتر کشورها به این مقوله نه در حد یک کارگاه غیررسمی آموزشی بلکه به‌عنوان یک واحد درسی می‌پردازند؛ تا آنجا که برنامه‌ریزان درسی برای این نوع آموزش در

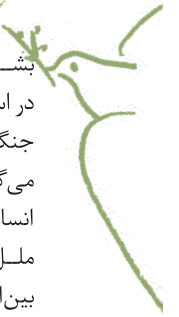
اشاره

این سلسله مباحث با عنوان «آموزش صلح» یا «ایجاد رابطه‌ی مسالمت‌آمیز» از موضوعاتی است که در آموزش و پرورش جایگاه خاصی یافته است و نگاه به آن هر روز اساسی و ژرف می‌شود. انسان امروز بیش از هر زمان دیگری به آرامش و گفت‌وگو نیاز دارد؛ این نیاز به حدی است که سازمان‌های جهانی نیز به آن توجه نشان داده‌اند.

از آن جاکه در مفاهیم دینی نیز بر صلح تأکید شده و سنن کودکی بهترین زمان برای ترویج آن است، بر آنیم که در چند شماره از مجله نظر مخاطبان و آموزگاران را به این موضوع جلب کنیم.

نبود درک متقابل

واژه‌ی صلح خودبه‌خود کلمه‌ی متضاد آن یعنی جنگ را در ذهن متبادر می‌سازد. شاید هم این هم‌نشینی ناخودآگاه بی‌حکمت



بشر بر پایه‌ی منشور ملل متحد بوده است. در اساس‌نامه‌ی یونسکو آمده است: «چون جنگ‌ها، نخست در ذهن انسان‌ها شکل می‌گیرند، دفاع از صلح نیز می‌بایست در ذهن انسان‌ها شکل گیرد.» به همین منظور سازمان ملل متحد دهه‌ی ۲۰۱۰-۲۰۰۰ را دهه‌ی بین‌المللی «فرهنگ صلح و عدم خشونت» نامید.

از آن‌جا که صلح محقق نخواهد شد مگر با آموزش، یونسکو در پی آن است که از طریق ایجاد تحول در آموزش و تلاش در جهت کاهش خشونت و در نتیجه حذف آن، جهانی بر پایه‌ی صلح و آرامش بنا کند. یونسکو همراه با جهانی شدن، آموزش‌هایی را به‌خصوص در مدارس ابتدایی با هدف آگاه ساختن کودکان از مسائل جهانی از قبیل توسعه‌ی پایدار، حقوق بشر، صلح و امنیت مطرح کرده است. هم‌چنین، این سازمان آموزش صلح را در اکثر کشورهای دنیا در ردیف آموزشی مدون مطرح کرده و از آن به‌عنوان یک ضرورت مهم در ایجاد امنیت نام برده است.

از منظر دینی نیز، صلح یکی از اصول مورد تأکید و قابل ستایش در ادیان، به‌خصوص دین اسلام است. طبق نظر اسلام، ایمان به خدای واحد و پدر و مادری مشترک بزرگ‌ترین دلیلی است که انسان‌ها با یکدیگر با صلح و برادری رفتار کنند. در قرآن «بشیرت» یک «خانواده» شناخته می‌شود و از این‌رو، دیدگاه صلح جهانی از منظر قرآن، کل جهان را تحت رهبری حضرت محمد(ص) و فرزند قائم او حضرت مهدی(ع) می‌داند و تحقق عشق، عدالت و صلح واقعی برای تمام انسان‌ها را به ظهور آن حضرت منوط می‌داند. در عین حال، از مردم می‌خواهد که برای هر چه زودتر محقق شدن صلحی اصیل و فراگیر با یکدیگر با دوستی و برادری رفتار کنند.

هدف از آموزش صلح آشنا کردن کودکان با اصولی است که به کمک آن‌ها انواعی از روش‌های برقراری ارتباط را بشناسند و بتوانند خشونت و درگیری را کنترل و از عواقب آن‌ها دوری کنند. برای رسیدن به چنین هدفی آموزش و پرورش با طرح برنامه‌ی درسی آموزش فرهنگ صلح از طریق مدارس و با همت آموزگاران، مناسب‌ترین مجری آموزش صلح

و برقراری آرامش در میان کودکان و نوجوانان ایران اسلامی خواهد بود. دیدگاه صلح ارتباط مستقیمی با آموزش دارد. هر چه آموزش گسترده‌تر و از سطوح پایین‌تر و در راستای برقراری عدالت، توسعه و کرامت انسانی باشد، به معنای واقعی صلح، یعنی صلح مثبت، نزدیک‌تر خواهد شد. در همین راستا برای آموزش صلح در مدارس ارائه‌ی سلسله مطالب کاربردی در دوره‌ی ابتدایی لازم به‌نظر می‌رسد تا آموزگاران محترم با استفاده از آن‌ها بتوانند اصول اولیه‌ی رابطه‌ی مسالمت‌آمیز را، که به حل تعارض‌ها بدون درگیری و نزاع می‌انجامد، تعلیم دهند. بر این اساس، با استناد بر پژوهش‌های دانشگاهی، کتاب‌ها و پایگاه‌های ارتباطی معتبر در زمینه‌ی آموزش صلح به کودکان، مطالب کلیدی و کاربردی قابل توصیه در مدارس و کلاس‌ها طی چندین طرح درس پیشنهاد می‌گردد تا قدم کوچکی در راه احیای صلح و دوستی در افکار و اذهان نسل جوان و پویای ایران اسلامی برداشته شود.

آموزش صلح

کسی که چیزی ندارد، نمی‌تواند آن را ببخشد. بنابراین، کسی که در درون آرامش ندارد، چگونه قادر است با دیگران در صلح و آرامش به‌سر برد؟ افراد به‌دلیل اینکه نمی‌دانند و نمی‌توانند در شرایط تعارض خود را کنترل کنند با دیگران دچار مشکل می‌شوند. برخی افراد در اثر فشارهای بیرونی و ناگهانی و خونسرد نبودن خیلی زود واکنش می‌دهند. این نوع واکنش‌ها ممکن است نشانه‌ی نیاز فرد به توجه به درون خود و هماهنگی افکار باشد. انگیزه، گفتار و اعمال ما با درونمان در ارتباط‌اند؛ جایی که صلح، قدرت و حقیقت منزل دارند. صلح از درون شامل افکار خالص، احساسات پاک، انگیزه و آمال‌های روشن و واضح است.

در دنیای امروز صلح کالایی کمیاب است و این امر در نارضایتی افراد و عدم تفاهم ملت‌ها و جوامع مشهود است. فرهنگ صلح برای زندگی معنا دار با یکدیگر لازم است. در دنیایی که تنوع زیادی در فرهنگ، جوامع و در نحوه‌ی

زندگانی افراد وجود دارد، ارزش‌های انسانی والا و اصیل بر این تفاوت‌ها فائق می‌آیند و هم‌بستگی را تضمین می‌کنند.

فرایند ایجاد صلح از درون ذهن و قلب افراد شروع می‌شود و وقتی با دیگران به اشتراک گذارده می‌شود، به صلح می‌انجامد. در جریان آموزش صلح، دانش‌آموزان در تنظیم اهداف، مفاهیم، ارزش‌ها و مهارت‌هایی برای به تصویر کشیدن آینده‌ای صلح‌آمیز آشنا می‌شوند. برای نیل به این هدف مهم باید مدرسه و کلاس‌ها با دوستی و صلح‌طلبی آمیخته شود.

مدرسه‌ی صلح طلب

برای القای عقاید، چشم‌اندازها و ارزش‌های صلح در کلیه‌ی ارکان مدرسه و حتی بیرون از آن همه‌ی مدرسه باید همکاری کنند. در رویکرد مدرسه‌ی صلح‌طلب، همه‌ی حوزه‌های یادگیری و اعضای مدرسه (دانش‌آموزان، معلمان و کارمندان) به‌کار گرفته می‌شوند.





آموزش کل نگرانه: اهداف شناختی، عاطفی و رفتاری را ارتقا می دهد. اغلب توجه آموزش به انتقال مفاهیم است. در زمینه آموزش صلح هدف ها سه قسمت هستند: اول: درک حقایق، اصول و مفاهیم خشونت و ایجاد آگاهی درباره ی ریشه های صلح دوم: ایجاد علاقه و رشد مفاهیم همدردی، دلسوزی، امید و تعهد اجتماعی. هریس و موریس (۲۰۰۳) آن را افزایش بی نهایت حساسیت اخلاقی در ایجاد ظرفیت یادگیرندگان برای اهمیت به دیگران می نامند. سوم: اقدامی قاطعانه برای تغییر ذهنیت و نگرش فردی و ارائه ی رفتاری مناسب در مواقع خشونت.

آموزش مشارکتی: برای یادگیرنده فرصت پرسش، شرکت، همکاری و هم چنین مجال گفت و گو با معلم و هم کلاسی ها را فراهم می کند. تمرین بیان و گوش دادن به اظهار نظرهای متفاوت در گسترش دیدگاه ها بسیار مهم است. چنین مهارتی برای دنیایی که در آن بیشتر تعارض ها به دلیل امتناع مردم از شنیدن یکدیگر حل نشده باقی می ماند، مؤثر است. در یادگیری مشارکتی آموزگار بیشتر نقش تسهیل گر دارد تا قدرت مطلق. در این دیدگاه حتی اگر معلم درباره ی مطلبی موضع قطعی داشته باشند، قبل از اینکه اقدامی در آن مورد انجام دهند، دانش آموزان را به بیان دیدگاه هایشان تشویق می کنند (مک جینس، ۱۹۸۴). آموزش مشارکتی به معنای دور شدن از شیوه ی سنتی است. رعایت فرایند مساوات و برابری در کلاس به ارتقای دانش، مهارت ها و نگرش های لازم برای تربیت یک شهروند مناسب کمک می کنند.

آموزش همیاری: به یادگیرندگان فرصت هایی برای یادگیری با یکدیگر می دهد تا رقابت. آموزش همیاری در کنار افزایش انگیزه برای یادگیری روابط بین دانش آموزان را بهبود می بخشد، با تکرار و مقابله و نفاق و حسادت را کم می کند. حس بیگانگی و انزوا را از بین می برد و نگرش های مثبت را جایگزین می سازد. در کلاس همیاری دانش آموزان یاد

هم چنین سایر جوانب مانند تمرین های آموزشی، روش های تدریس، فعالیت های دانش آموزان، تدابیر اجرایی، ساختار و روابط مدرسه تحت تأثیر قرار می گیرند. اهمیت رویکرد مدرسه ی صلح طلب در این است که ارزش ها و پیام های پی ریزی شده در صلح پایدار، در ارکان مختلف مدرسه، یادگیری های قصد شده را تقویت و تسهیل می کند. مدرسه ی صلح طلب باید آمادگی «تقابل فرهنگی» برای کسب الگوی غالب را داشته باشد و آغاز کننده و تسهیل گر نقل و انتقال مورد نیاز باشد. این به یقین فرایندی طولانی و دشوار خواهد بود.

رویکردهای یاددهی - یادگیری در آموزش صلح

در آموزش صلح شیوه ی آموزش هم به اندازه ی مطالب و محتوا اهمیت دارد. بنابراین، رویکردهای یاددهی - یادگیری هماهنگ با آموزش صلح عبارتند از: کل گرایانه، مشارکتی، همیاری، تجربی و انسان گرایانه.

می گیرند که به یکدیگر اعتماد کنند. بسیاری از مشکلات به واسطه ی همیاری برطرف می شود. اگر دانش آموزان فرایندهای همیاری را در کلاس تجربه کنند، چنین عادت های را به همیاری های بیشتر نیز سوق خواهد داد (هریس و موریسون، ۲۰۰۳).

آموزش آزمایشگاهی: آموزش تجربی یا آزمایشگاهی به معنای یادگیری از طریق آزمایش نیست بلکه به واسطه ی فرایند تجربیات فرد از فعالیت های آغاز شده در کلاس است. بنابراین، سخنرانی به حداقل می رسد. یادگیرندگان از طریق درگیر شدن در فعالیت ها مفاهیم و دیدگاه هایشان را شکل می دهند. در روان شناسی آموزش این رویکرد به رویکرد ساختارگرایی شبیه است. معلمان در این ساختار، فرایند محور و انعطاف پذیرند و از تغییر شرایط استقبال می کنند. کلاس ساختارگرا به رشد انسان هایی کمک می کند که در خلق دیدگاه های جدید مهارت دارند.

آموزش انسان گرایانه: کارل راجرز و آبراهام مازلو از طرف داران آموزش انسان گرایانه هستند. کلاس انسان گرایانه بر رشد عاطفی و اجتماعی یادگیرندگان تأکید می کنند. در کلاس انسان گرایانه، افراد همان گونه که هستند، پذیرفته می شوند. در این دیدگاه مفهوم «خود» تا عزت نفس افزایش می یابد و این باور را می دهد که همه ارزشمند و توانمندند. مک جینس (۱۹۸۴) بیان می کند که بدون «خودپنداره یا خودانگاره ی مثبت» هیچ کس نمی تواند در وضعیت «عام» قرار بگیرد و یا برای تغییر فعالیت کند. او هم چنین مسلم می داند که هر چه ما از توانایی هایمان آگاه تر باشیم، بیشتر باید تمایل داشته باشیم که آن را با دیگران تقسیم کنیم. معلمان در کلاس انسان گرا، تأکیدکننده و همدلند. آنان به سعادت مندی دانش آموزان علاقه مندند و به احترام و توجه آنان به یکدیگر در کلاس اهمیت می دهند. توجه به تنوع فرهنگی نیز برای آنان بسیار مهم است. چنین رویکردی بذر محبت و همدلی را، که برای ساختن جامعه ی صلح آمیز ضرورت دارد، پرورش می دهد.

قرارداد کیلویی

سعید انصاری

معاون آموزگار آموزشگاه استقلال، منطقه‌ی قهاوند



تبدیل واحد کیلو به گرم و متر

گفتم: «قرار بگذاریم که هر جا؛ تو خیابان، تو کتاب، کلمه‌ی کیلورا دیدیم خط بزنیم و به‌جای آن هزار بنویسیم». پس از اینکه دانش‌آموزان قبول کردند که به قرارداد کلاس پایبند باشند، برای بچه‌ها چند مثال زدیم که همگی به‌درستی پاسخ دادند.

هم‌چنین برای تبدیل گرم به کیلوگرم (و متر به کیلومتر) با دانش‌آموزان قرار گذاشتیم که سه رقم سمت راست را با دستمان بگیریم و هر چه که دیده شده را کیلو بنامیم و هر آنچه زیر دستمان پنهان شده بود را گرم (متر).

با این روش، نه‌تنها دانش‌آموزان در تبدیل کردن واحدها خیلی خوب عمل می‌کنند و دیگر برای حل این‌گونه مسائل اضطرابی ندارند بلکه هر موقع چنین مسئله‌ای مطرح می‌شود با خنده می‌گویند: «قرارداد کیلویی».

چند سالی بود که در کلاس‌های چندپایه تدریس می‌کردم و هر بار که بازدیدکننده‌ای به کلاس من می‌آمد و از مبحث تبدیل واحدهای کیلوگرم و کیلومتر می‌پرسید، اغلب دانش‌آموزان نیز پاسخ‌های عجیب و غریب و به دور از انتظار می‌دادند.

تقریباً هر روز به این موضوع فکر می‌کردم و راهکارهای پیشنهادی همکاران نیز چاره‌ای نکرده بود. به همین دلیل مدام به فکر کشف یک روش مناسب و قطعی برای این موضوع بودم که ناگهان به ذهنم رسید که با بچه‌ها قرارداد ببندم.

به کلاس رفتم و پای تابلو نوشتم: قرارداد کیلویی. بعد رو به دانش‌آموزان کردم و گفتم: «بچه‌های گلم بیایید از این به بعد با هم یک قرار بگذاریم؟»

یکی از دانش‌آموزان با حالت تعجب پرسید: «چه قرار؟»

به رنگ اسم‌ها

خدیدجه نظری

آموزشگاه شهدای ۱۵ خرداد، خمین

حرف یا نشانه را که در اسم یا فامیل خود وجود داشته باشد پیدا کرده و آن را رنگ می‌کنند. این کار باعث لذت یادگیری حروف الفبا می‌شود و به شاداب‌سازی محیط مدرسه نیز کمک می‌رساند.

به‌عنوان آموزگار پایه‌ی اول برای یادگیری بهتر حروف الفبا اسامی دانش‌آموزان را در اول سال به‌صورت بزرگ و توخالی تایپ می‌کنم و داخل پوشه‌ی کار هر دانش‌آموز نگه می‌دارم. سپس، هر نشانه یا حرفی را که تدریس می‌کنم دانش‌آموز آن



سبک زندگی اسلامی

موفقیت انسان در داشتن سبکی درست و حقیقی در زندگی است!

عبدالرحیم اصلی
قسمت اول

اعتقادات

سبک زندگی و رفتار انسان‌ها از جهان بینی و اعتقادی که دارند ناشی می‌شود. در واقع، هر انسانی دارای جهان بینی و ایدئولوژی است. ایدئولوژی باید‌ها و نبایدهای زندگی است و ارتباط محکمی با سبک زندگی دارد؛ چون همین باید‌ها و نبایدها هستند که رفتارها را شکل می‌دهند. خود ایدئولوژی مبتنی بر یک جهان بینی است. در اینجا لازم است قبل از توضیح سبک زندگی دینی، جهان بینی را، که اساس سبک زندگی است، توضیح دهیم.

جهان بینی چیست؟

تفسیر انسان از «عالم» و «خدا» و «انسان» را جهان بینی می‌گویند. به عبارت دیگر، جهان بینی نوعی نگرش انسان به جهان و خدا و انسان است. انسان‌ها با نوع جهان بینی‌ای که دارند از هم متمایز می‌شوند. انسان‌هایی که دارای جهان بینی مادی هستند، نگاهشان به عالم و آدم و خدا مادی است؛ یعنی خدا را همان طبیعت می‌دانند و طبیعت را یک موجود بی‌هدف و بی‌غایت تفسیر می‌کنند. انسان را موجودی مادی تلقی می‌کنند که هویت او را همین بدن ظاهری تشکیل داده است و کل هستی انسان و هویت او بین دو نقطه‌ی تولد و مرگ است. نه قبل از تولد برای انسان حقیقت قائل‌اند و نه بعد از مرگ برای انسان به حیات و سیری اعتقاد دارند.

اما در مقابل این گروه، انسان‌هایی هستند که جهان بینی الهی دارند، یعنی از انسان و عالم و خدا تفسیری الهی و وحیانی ارائه می‌دهند. آن‌ها معتقدند که خداوند موجودی مجرد است و از سنخ ماده و طبیعت نیست. و دارای همه‌ی کمالات و جود است. علم و قدرت و حکمت بی‌نهایت دارد و با علم و حکمت و قدرت خود این عالم را خلق کرده است. آن‌ها عالم را موجودی هدفمند و دارای غایت می‌دانند که از مشیت حکیمانه ناشی شده است. در این جا به‌طور خلاصه، تفسیری که در جهان بینی الهی از خدا و انسان و جهان شده است اشاره می‌کنیم.

خدا در جهان بینی الهی

توحید در جهان بینی اسلامی به خالص‌ترین شکل بیان شده است:

اشاره

انسان‌ها در ظاهر همه شبیه هم هستند اما در زندگی، هرکس راه و روش مخصوص خود را دارد. این راه و روش و رفتار خاص در زندگی را «سبک زندگی» می‌گویند. سبک زندگی واژه‌ی جدیدی است که پژوهشگران جامعه‌شناسی آن را به کار برده‌اند و در زمان ما رایج شده است. از سبک زندگی تعاریف گوناگونی شده است که از میان تعاریف به یک مورد بسنده می‌کنیم. سبک زندگی مجموعه‌ای از رفتارهاست که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد تا نه فقط نیازهای جاری خود را رفع کند بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران نیز مجسم سازد. با توجه به این تعریف و تعریف‌های دیگر می‌توان گفت که سبک زندگی نوعی رفتار و مشی زندگی است که انسان آن را در زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی خود ظاهر می‌سازد. اگر بگوییم به تعداد انسان‌ها راه و روش در زندگی وجود دارد سخنی به گزاف نگفته‌ایم. هر کسی سبک خاصی در زندگی دارد؛ مثلاً دانشمندان در تحقیقات سبک‌های مختلفی دارند؛ بعضی سبک تجربی دارند؛ یعنی راه رسیدن به حقیقت را تجربه می‌دانند و بعضی دیگر، مثل ابن‌سینا، سبک عقلی را در پیش می‌گیرند و راه رسیدن به حقیقت را عقل و استدلال به حساب می‌آورند. بعضی سبک عرفانی دارند یعنی راه رسیدن به حقیقت را تهذیب نفس و ریاضت می‌پندارند.

راز موفقیت و خوش‌بختی در زندگی نتیجه‌ی داشتن سبک و روش خاص در زندگی است. همه‌ی انسان‌ها در زندگی برای خود هدف دارند اما آنچه انسان را در رسیدن به هدف کمک می‌کند سبک و روشی است که در زندگی انتخاب کرده است. دکارت، از فلاسفه‌ی فرانسه و از مؤسسان علم جدید در سده‌های اخیر، درباره‌ی روش و سبک زندگی سخن عجیبی دارد. او می‌گوید: «خداوند در تقسیم عقل بین بندگان خود عدل را کاملاً رعایت کرده و به همه به‌طور مساوی عقل داده است اما اینکه در زندگی، انسان‌ها متفاوت و بعضی موفق و بعضی دیگر ناموفق‌اند، نتیجه‌ی روش و سبک زندگی آن‌هاست. کسانی موفق‌اند که از روش و سبک زندگی خاصی برخوردار باشند. متأسفانه، خیلی از مردم برای خود سبک و روش زندگی ندارند و خودشان را به‌دست حوادث می‌سپارند و عمر خود را به روزمرگی طی می‌کنند».

۱. خداوند مثل و مانند ندارد: لیس کمثله شسی (شوری / ۱۱)، یعنی خداوند شبیه چیزی نیست و هیچ چیز را نتوان به خدا تشبیه کرد.
۲. خداوند بی نیاز مطلق است و همه به او نیازمندند... : انتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی الحمید (فاطر / ۱۵).
۳. خدا از همه چیز آگاه و بر همه چیز تواناست: إِنَّهُ بِكُلِّ شَیْءٍ عَلِیم (شوری / ۱۲).
۴. خدا از رگ کردن به انسان نزدیک تر است: نحن اقرب الیه من حبل الورد (ق / ۱۶).
۵. او جسم نیست و به چشم دیده نمی شود: لاتدرکه الابصار و هو یدرک الابصار (انعام / ۱۰۳).

عالم در نگاه جهان بینی توحیدی

در جهان بینی توحیدی عالم همانند يك كتاب كه پنهان نیست که اول و آخر آن نامعلوم باشد. (افتاده باشد). در نگاه توحیدی عالم يك آفریده است که از مشیت حکیمانه‌ی الهی ناشی شده است و با عنایت و مشیت الهی نگهداری می شود. اگر لحظه‌ای عنایت الهی از جهان گرفته شود، نیست و نابود می گردد. جهان به عبث و باطل آفریده نشده است و هدف‌های حکیمانه در خلقت جهان و انسان در کار است. هیچ چیز نابه‌جا و خالی از حکمت و فایده آفریده نشده است. نظام موجود نظام احسن و اکمل است. در جهان بینی توحیدی جهان «يك قطبی» و «تک‌محوری» است؛ یعنی ماهیت «از اویی» (انالله) و «به‌سوی اویی» (انا الیه راجعون) دارد.

انسان در نگاه جهان بینی توحیدی

هر کسی انسان را از نگاه خود و با عنینکی که به چشم دارد توضیح داده است. در مکاتب فلسفی از انسان تعاریف گوناگونی ارائه شده است. اما انسان در جهان بینی الهی داستان شگفت‌انگیزی دارد. قرآن کریم انسان را برتر از آسمان و ملائکه دانسته و در عین حال او را مذمت کرده و در ردیف چهارپایان و حتی پست‌تر از آن‌ها معرفی کرده است. باید دید تعریف و مذمت انسان چگونه است و هر کدام به چه قسمتی از انسان مربوط می شود. آیا انسان يك موجود دوسرشتی است که نیمی از آن پاك و نیمی دیگر زشت و پلید است؟ برای فهم بهتر مواردی از تعاریف‌ها و مذمت‌هایی که از انسان در قرآن شده است آورده می شود.

ارزش‌ها

خداوند در قرآن بالاترین ارزش‌ها را مخصوص انسان می داند. این ارزش‌ها عبارت‌اند از:

۱. انسان خلیفة الله است (بقره / ۳۰).
۲. ظرفیت علمی انسان بالاترین ظرفیت‌هاست: «علم آدم الاسماء كلها» یعنی: خداوند انسان را به حقایق آشنا کرد (بقره / ۳۱).
۳. انسان فطرتی خدا آشنا دارد و در عمق جان خود به خداوند آگاه است (بقره / ۵).
۴. انسان ترکیبی از طبیعت و ماوراء طبیعت است. به عبارت دیگر، ترکیبی است از ماده و مجرد یا جسم و جان (حجر / ۲۹).

۵. انسان امانت‌دار خداوند است (احزاب / ۷۲).
۶. انسان از کرامت ذاتی برخوردار است (اسرا / ۷۰).
۷. انسان از وجدان اخلاقی برخوردار است (قیامة / ۲).
۸. انسان جز با یاد خدا با چیز دیگر آرام نمی گیرد. خواست‌های او بی نهایت‌اند. به هر چه برسد از آن سیر و دل زده می شود، مگر آنکه به ذات بی حد و بی نهایت (خدا) بپیوندد (رعد / ۲۸).

ضد ارزش‌ها

در عین حال، انسان در قرآن مورد نکوهش و ملامت قرار گرفته است که به مواردی از آن اشاره می شود.

۱. انسان بسیار ستمگر و بسیار نادان است (احزاب / ۷۲).
۲. نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است (حج / ۶۶).
۳. عجول و شتابگر است (اسراء / ۱۱).
۴. حریص آفریده شده است (معاوج / ۱۹).

من انسانی و من حیوانی

اینکه خداوند از انسان هم تعریف کرده و هم از او مذمت کرده به چه معناست؟ انسان چگونه موجودی است؟ آیا نیمی از انسان خوب و نیمی دیگر زشت است؟ در حقیقت، خداوند همه‌ی کمالات را به طور بالقوه در انسان قرار داده است و انسان باید در سایه‌ی ایمان کمالات را به فعلیت برساند. در این صورت مدح‌ها و تعریف‌ها برای انسان صدق می کند. اگر استعدادهای در پرتو ایمان به فعلیت نرسند، انسان منهای ایمان انسانی ستمگر، حریص و خون‌ریز است.

به عبارت دیگر، انسان دارای دو «من» است. يك «من» انسانی که حقیقت آن نفخه‌ی الهی است که خداوند در انسان دمیده است (نفخت فیه من روحی). این من انسانی دارای کمالات، فطرت حقیقت‌خواه و خیرخواه وجدان اخلاقی است و این وجه انسان قابلیت مدح‌ها و تعریف‌ها را دارد. «من» دیگر انسانی که «من مجازی» است و جنبه‌ی حیوانی انسان را تشکیل می دهد که به آن «من حیوانی» و «من طبیعی» نیز گفته می شود. اگر انسان «من حقیقی» را در وجود خود حاکم کند و «من حیوانی» او از «من انسانی» اش تبعیت کند، شایستگی همه‌ی تعریف‌ها و مدح‌ها را دارد اما اگر برعکس باشد و انسان «من حیوانی» را در وجود خود حاکم نماید، یعنی شهوت و غضب در وجود او حاکم باشد و «من انسانی و حقیقی» را فراموش کند و تحت فرمان «من حیوانی» قرار دهد، در ردیف چهارپایان و چه بسا پست‌تر از آن‌هاست و مشمول مذمت‌ها خواهد بود.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. فیضی، مجتبی؛ مجله‌ی معرفت، «درآمدی بر سبک زندگی اسلامی»، شماره‌ی ۱۵۸، اردیبهشت ۱۳۹۲.
۳. مطهری، مرتضی؛ جهان بینی توحیدی، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۴.
۴. مطهری، مرتضی؛ انسان و قرآن، زمستان ۱۳۶۴.
۵. مطهری، مرتضی؛ فلسفه‌ی اخلاق، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۶۶.

از مدرسه به خانه

علی رضا سلطانی، تنها کلاس روستارا
به خانه اش برد

محمود یحیوی
عکس: رضا بهرامی



آیا از مسئولان آموزش و پرورش کسی به ملاقات شما آمده است؟
من کاری نکردم و انتظاری ندارم. باید وظیفه‌ام را انجام می‌دادم چه اینجا و چه در مدرسه. مسئولان هم در جریان کار من و پی‌گیری‌ها هستند.

پدر و مادرها، دانش‌آموزان و نزدیکانتان چه نظری درباره‌ی این کار شما دارند؟
همه لطف دارند. معمولاً بعد از ظهرها اولیا و هم‌شهری‌ها برای ملاقات

اشاره
این خبر در نیمه‌های اردیبهشت ۱۳۹۳ بازتاب پیدا کرد. معاون - آموزگاری که تنها کلاس روستای سنجگان از توابع قم را در خانه‌اش برپا کرده است. برای ما هم جالب توجه بود که ببینیم دلیل این اقدام چیست؟
علی رضا سلطانی در اثر بیماری نتوانسته است به‌طور معمول پای تخته حاضر شود و به پیشنهاد همسرش کلاس را به خانه آورده است تا هم دوران نقاهت پس از عمل جراحی را بگذراند و هم دانش‌آموزانش از درس و مشق عقب نمانند. به گفت‌وگوی مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی با این جمع صمیمی توجه فرمایید.

مدرسه تعطیل خواهد شد و دانش‌آموزان زمان مفیدی را در آموزش از دست خواهند داد.

همین نگرانی شما باعث شد کلاس آن‌ها را در خانه‌تان برپا کنید؟

بله، با همسر صحبت کردم و موضوع را درمیان گذاشتم. او گفت: «نگران نباش، می‌توانیم کلاس را به خانه بیاوریم» و چنین شد که می‌بینید. می‌دانستم اگر آموزگار جدیدی بیاید، نمی‌تواند در طول یک ماه با بچه‌ها و فضای کاری و اجتماعی روستا آشنا شود.

علت بستری شدنتان چیست؟

از گذشته دچار عارضه‌ی دیسک کمر بودم و این مشکل گاهی مرا اذیت می‌کرد. در زمستان ۱۳۹۲ در مدت یک هفته برف زیادی بارید و مجبور شدم برف‌روبی کنم. در اثر کمک به همسایه‌ها و افراد ناتوان محله درد کمرم شدید شد و به ناچار در اول اردیبهشت‌ماه برای عمل جراحی اقدام کردم. پزشک معالج بیش از دو ماه به من مرخصی استعلاجی داد و همین باعث نگرانی من شد؛ زیرا می‌دانستم که



و احوال پرسی می‌آیند.

آیا شما کار دیگری غیر از تدریس دارید؟

نه. اما چون محیط روستایی است، برای سرگرمی هم که شده در باغچه‌ی خانه با گل و گیاه سروکار دارم.

آیا از شغل خود رضایت دارید؟

اگر راضی نباشم، نمی‌توانم بیش از بیست سال آموزگار باشم. این‌ها بستگی به دیدگاه انسان دارد. ما نباید بیش از اندازه به فکر مادیات باشیم. فکر می‌کنم کار با این بچه‌ها باقیات صالحات من حساب می‌شود. من معلمی را با عشق و علاقه انتخاب کرده‌ام و ادامه می‌دهم. امام علی (ع) می‌فرماید: «قانع باش تا بی‌نیاز باشی»، خداوند هم برکت می‌دهد.

آیا این کار شما به جذاب شدن شغل معلمی نزد دانش‌آموزان کمک می‌کند؟

به هیچ‌وجه فکر نمی‌کردم این کار من و آوردن کلاس به خانه چنین بازتابی داشته باشد و اصولاً در فکر هیاهو و رسانه‌ای شدن نبودم. من حتی فیلم گزارش تلویزیونی را هم ندیده‌ام. تمام فکرم این بود که بچه‌ها ضرر نکنند. به نظر من همه‌ی معلم‌ها زحمتکش‌اند و تلاش می‌کنند. معلمی یعنی زحمت.

با شلوغ‌کاری بچه‌ها چطور کنار می‌آیید؟

این طبیعی است و اقتضای سن آن‌هاست. ما با این موضوعات غریبه نبودیم و می‌دانستیم کار با بچه‌ها در خانه تبعاتی دارد. در واقع، با علم به سختی‌ها این طرح را اجرا کردیم.

الان شما به هر حال وقت فکر کردن دارید. آیا تصمیم دارید سال بعد از شیوه‌های تدریس جدید استفاده کنید؟

روش‌های تدریس نامحدودند و آموزگار در یک زنگ ممکن است به اقتضای شرایط



کلاس از چند روش استفاده کند. همه‌ی این‌ها به هنر و دانش آموزگار بستگی دارد. استفاده از مجلات و کتاب‌ها و شرکت در دوره‌های ضمن خدمت می‌تواند مفید باشد.

در این شرایط نزدیک‌ترین دوست و یار شما کیست؟

در حال حاضر بهترین یار و باور من همسرم است. او تمام زحمت برگزاری و ادامه‌ی کلاس‌ها را متقبل شده است. از او تشکر می‌کنم. او در کارهای خانه، مهمان‌داری و آماده کردن فضای تدریس بسیار تلاش می‌کند.

آیا در این کلاس جریان و روند تدریس فعال است؟

کاملاً فعال است. فقط تفاوت در این است که من پای تخته نمی‌ایستم. می‌بینید که تخته نزدیک من است و دانش‌آموزان بسیار فعال‌اند. گاهی روی کاغذ می‌نویسم و بچه‌ها می‌بینند. تعداد بچه‌ها نیز کم است و در فرایند



روستای سنجگان چند نفر جمعیت دارد؟

می‌پرسیم: «کلاس بهتر است یا اینجا؟»
امیرمحمد با همان سادگی و کلام کودکانه می‌گوید: «فرقی ندارد. اینجا هم راحت هستیم و زنگ تفریح‌ها را در حیاط سرسبز اینجا می‌گذرانیم. آقا معلم زحمت کشیده‌اند و ما از ایشان تشکر می‌کنیم.»
به فائزه می‌گوییم: «الان چه آرزویی داری؟»
او به سرعت می‌گوید: «آرزو می‌کنم آقا معلم ما خوب شود.»

از او می‌پرسیم: «آیا فکر می‌کردی که روزی کلاس در خانه‌ی معلم برپا شود؟» او جواب می‌دهد: «نه. فکر نمی‌کردیم.»

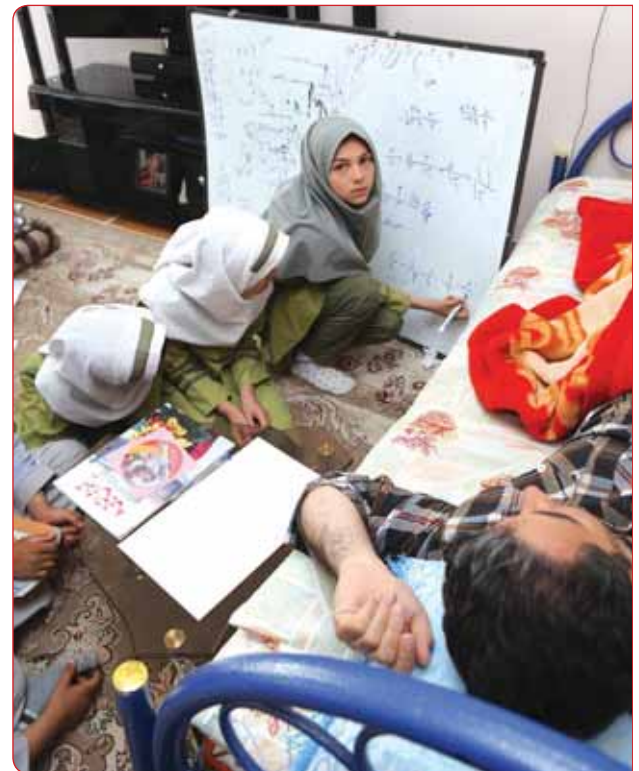
معصومه گل محمدی، همسر علی‌رضا سلطانی است. دلش نمی‌خواهد گفت‌وگوی چندانی داشته باشد. می‌گوید: «وظیفه‌ام را انجام داده‌ام.»
می‌پرسیم: «زندگی با یک فرهنگی و آموزگار چگونه است؟» او می‌گوید: «خوب است. این هم که می‌بینید کلاس در خانه برگزار شده به پیشنهاد خودم بوده است و شکایتی ندارم.»
خانم گل محمدی در کلاس هم فعال است. در این باره می‌گوید: «این دانش‌آموزان مانند بچه‌های خود ما هستند. سعی می‌کنیم آن‌ها راحت باشند.»

مهاجرت از این روستا به قم و تهران زیاد بوده است. روستا اکنون حدود ۴۰۰ نفر جمعیت دارد و من هم تنها معاون-آموزگار دبستان شهید صدیقی از مجتمع امام جواد(ع) هستم.

باتوجه به اینکه سال‌ها کلاس چندپایه و مختلط داشته‌اید، نظرتان درباره‌ی تغییر کتاب‌های درسی پایه‌های اول، دوم و سوم چیست؟

به‌نظرم حجم بعضی کتاب‌ها زیاد است. محتوای برخی مطالب از جمله درس ریاضی نسبت به سن دانش‌آموز سنگین است. اما معلمان با تلاش بیشتر و گذراندن دوره‌های ضمن خدمت می‌توانند بر مسائل کتاب درسی فائق آیند. در کلاس‌ها دانش‌آموز باید فعالیت کند و آموزگار هدایت فرایند را در دست گیرد.

فائزه قنبری و امیرمحمد آقاکریمی دو نفر از دانش‌آموزان پایه‌ی چهارم کلاس علی‌رضا سلطانی هستند. به‌عنوان بچه‌هایی که در خانه‌ی آموزگار تحصیل می‌کنند، از آن‌ها



فکر می‌کردید روزی چنین اتفاقی بیفتد؟

به هیچ‌وجه فکر نمی‌کردم چنین اتفاقی بیفتد و کلاس در خانه برگزار شود. همیشه فکر می‌کردم کم‌دردم جزئی است و با دارو رفع می‌شود.

آیا مورد مشابه اقدام خودتان را دیده یا شنیده‌اید؟

نه به این صورت اما پسرعمویم که الان حدود پانجاه سال دارد، می‌گوید: «پایه‌ی پنجم بودم و آموزگار ما به خاطر بیماری نیامد. وضعیت طوری شد که دیگر معلمی هم به کلاس ما نفرستادند و تعداد قبولی ما در آن سال بسیار کم شد.»

باتوجه به محیط کاری‌تان، در روستا چه کمبودها یا مشکلاتی دارید؟

امکانات ما بد نیست. البته بافت مدرسه قدیمی است و کف حیاط آسفالت نشده اما آموزش و پرورش در حد بضاعت خود برای این روستا، که ۶۰ کیلومتر تا مرکز استان فاصله دارد، گاز، برق و آب و تلفن تدارک دیده است.



سبک‌های یادگیری متفاوت

استفاده از طرح درس «ساختار متن» به دانش‌آموزان در درک مطلب کمک می‌کند

نویسنده: **دبورارینولدز**
مترجم: نسرین امامی زاده
مشاور مرکز فرزندانگان مشکین شهر

فهم ساختار

در یک کلاس درس، دانش‌آموزانی با توانایی‌ها و سبک‌های یادگیری متفاوت حضور دارند. محتوای کتاب‌های درسی اغلب فراتر از سطح کلاس است. پس چنانچه دانش‌آموزان با متون سطح کلاس خود مشکل دارند، معلم چگونه می‌تواند به آن‌ها در درک کتاب‌های درسی تاریخ، علوم و... کمک کند؟ استراتژی فهم ساختار متن، به دانش‌آموزان در درک مطلب کمک می‌کند.

دانستن عناصر ساختار متن ابزاری مؤثر برای درک متون غیر داستانی است. بسته به سن دانش‌آموزان، شروع با توضیح معنای «ساختار» می‌تواند ایده‌ی خوبی به حساب آید. برای مثال، آن‌ها را به اجزای تشکیل‌دهنده‌ی ساختمان مدرسه تشبیه می‌کنیم که هر بخش از این ساختار لازم و مهم است. شناخت اجزای سازنده‌ی یک متن باعث درک کل آن می‌شود. بعد از اینکه دانش‌آموزان مفهوم کلمات را فهمیدند، آن وقت عناصر تشکیل‌دهنده‌ی متن شامل علت / معلول، ترتیب، مسئله / پاسخ، راهنمایی‌ها و توصیف‌ها تعریف می‌شوند. هر عنصر را می‌توان با کمک واژه‌های راهنما شناخت. واژه‌هایی مانند «و سپس»، «بعد»، و «پس از آن» که نشان‌دهنده‌ی الگوی ترتیبی هستند. دانش‌آموزان با یادگیری کلمات کلیدی قادر خواهند بود مطالب را با دقت بخوانند و اطلاعاتی را که نیاز دارند پیدا کنند.

طرح‌های درسی متعددی وجود دارند که برای پرداختن به ساختار متن ایده‌های خوبی دارند. در یک روش از دانش‌آموزان خواسته می‌شود تا به صورت گروهی با جدیت به دنبال واژه‌های خاصی باشند. این امر برای یادگیری مهارت جدید در آن‌ها اعتماد به نفس می‌آفریند. یک روش دیگر برای راهنمایی دانش‌آموزان در تشخیص ساختار متن، برگزاری نمایشگاه گرافیک است. این ایده برای آن دسته از دانش‌آموزانی که یادگیری بصری دارند مفید است.

برنامه‌های درسی درباره‌ی ساختار متن

ویژگی‌های متنی و خواندن متن غیرداستانی

این طرح درس به دانش‌آموزان امکان می‌دهد تا ویژگی‌های ساختار متن را بشناسند و هنگام خواندن متون غیرداستانی از آن استفاده کنند که شامل دو قسمت است و یکی سازمان‌دهنده‌ی تصویری است که به دانش‌آموزان هنگام خواندن متن کمک می‌کند تا درباره‌ی مطلب حدس بزنند. این درس هم‌چنین دارای متن غیرداستانی برای استفاده‌ی معلم است.

آموزش ساختار متن در نگارش علوم

دانش‌آموزان با استفاده از ساختار متن به بهبود درک خود از کتاب‌های درسی علوم کمک می‌کنند. این درس به معلمان و نحوه‌ی کاربرد ساختار متن در بسیاری از متون علمی اطلاعات پس‌زمینه می‌دهد. دانش‌آموزان به صورت گروهی این ویژگی‌ها را در متون مختلف پیدا می‌کنند. این طرح درس پیشنهادهایی برای توسعه دارد:

کمک به دانش‌آموزان در درک ساختار متن

دانش‌آموزان ساختار منسجم متون مربوط به مسئله و حل مسئله را می‌آموزند. آن‌ها در حالی که متن را می‌خوانند جملات «منظور چیست؟» «چه کار می‌کند؟» را بین جملات می‌نویسند.

نمایش ساختار متن در محیط جنگل

دانش‌آموزان دفترچه‌ای از مثال‌های مطالب نمایشی تهیه می‌کنند. طرح درس الگویی برای دفترچه و جزوه‌های دیگر ارائه می‌دهد، دانش‌آموزان می‌آموزند که چگونه کلمات کلیدی را در متن پیدا کنند. این درس هم‌چنین در بردارنده‌ی فعالیت‌های پیش‌برنده برای دانش‌آموزان در حال پیشرفت است.

منبع

www.lessonplanet.com/article/gifted-and-talented-education/the-importance-of-teaching-text-structure-lesson-plan

شبکه‌ی غذایی

زنجیره‌ی غذایی بستری برای جلب توجه کودکان به مسائل محیط زیست

صفورا زواران حسینی

کارشناس آموزش انجمن یوزپلنگ ایرانی

اشاره

امروزه اهمیت محیط زیست و لزوم آشنایی با راه‌های حفظ آن بر کسی پوشیده نیست. زمینی که روی آن زندگی می‌کنیم، موهبت خداست و به نوعی خانه‌ی ما و جانداران دیگر است. از این رو آموزگاران از اولین افرادی هستند که باید اصول حفظ و نگهداری محیط زیست را بدانند و به دانش‌آموزان انتقال دهند. در این سلسله مطالب سعی ما بر آن است که با تکیه بر مطالب مرتبط در کتاب‌های درسی، این مسائل را در قالب‌ها و زاویه‌های خاص برای آموزگاران مطرح کنیم و آنان نیز با دقت در موارد مذکور در انتقال آن‌ها به دانش‌آموزان کوشا باشند. با مطالعه و بررسی قسمت‌های مورد نظر می‌توانید نتایج آن را در کلاس خود ببینید.

دانستنی‌های آموزگاران

تدریس زنجیره و شبکه‌ی غذایی به دانش‌آموزان، فرصت مناسبی است تا با آن‌ها درباره‌ی تأثیر فعالیت‌های انسانی مانند آلودگی‌ها، تخریب‌ها و تغییر کاربری‌ها بر شبکه‌ی غذایی صحبت و بر لزوم حفاظت از محیط زیست تأکید کنید. شما می‌توانید درباره‌ی آثار حذف یک گونه از شبکه‌ی غذایی و تبعات آن بر دیگر گونه‌ها و کل شبکه‌ی غذایی با دانش‌آموزانتان گفت‌وگو کنید.

شبکه‌ی غذایی مانند یک تار عنکبوت به هم تنیده است. اگر بخشی از آن آسیب ببیند یا حذف شود، کل شبکه تحت تأثیر قرار می‌گیرد. حتماً تاکنون درباره‌ی انقراض و یا در معرض تهدید بودن گونه‌های مختلف شنیده‌اید. گونه‌هایی مانند ببر مازندران، یوزپلنگ آسیایی، سمندر امپراتور و دیگر گونه‌هایی که می‌توان به همراه دانش‌آموزان تأثیر حذف آن‌ها بر شبکه‌ی غذایی و دیگر گونه‌ها را در یک فعالیت گروهی موضوع صحبت قرار داد. برای مثال، می‌توانید درباره‌ی تبعات انقراض ببر مازندران صحبت کنید؛ گونه‌ی گوشت‌خواری که در جنگل‌های هیرکانی شمال

ایران می‌زیسته است و از معدود گونه‌هایی بوده که توان شکار گراز را داشته است. حذف این گونه از شبکه‌ی غذایی در شمال ایران امروزه یکی از دلایل ازدیاد جمعیت گراز و در نتیجه آسیب‌رسیدن به محیط زیست، باغات و زمین‌های کشاورزی این منطقه است. به‌طور کلی،

می‌توان گفت کاهش و

ناپایداری جمعیت

گوشت‌خواران،

که در مراحل

بالای زنجیره‌ها

و هرم‌های غذایی

هستند، نشانه‌ی

ناپایداری و اخلال در

طبقه‌های پایین‌تر است. مثال این

موضوع یوزپلنگ آسیایی است که آخرین

بازمانده‌های آن در ایران زندگی می‌کنند و نسل

آن در خطر انقراض شدید قرار دارد. یکی از دلایل

کاهش جمعیت این گونه کاهش طعمه‌های آن

مانند آهو، گوسفند کوهی (قوچ) و... و در کل

اخلال در محیط‌زیست و در پی آن شبکه‌ی غذایی

این گونه است.

موضوع دیگری که می‌توانید بر آن تأکید

کنید نقش دوزیستان در شبکه‌ی غذایی است.

دوزیستان بخش مهمی از این شبکه هستند،

به این دلیل که رژیم غذایی اغلب دوزیستان

از حشرات است و هم‌چنین دوزیستان غذای

بسیاری از جانوران دیگر هستند. علاوه بر این





نقش، دوزیستان شاخص سلامت محیط زیست‌اند؛ بدین معنا که کاهش جمعیت آن‌ها شاخص افزایش آلودگی و کاهش کیفیت زیستگاه‌هاست. به این شکل، سلامت دوزیستان با سلامت انسان نیز مرتبط است. آن‌ها مثال خوبی از موفقیت تکاملی هستند. آن‌ها بیش از ۳۵۰ میلیون سال است که روی کره‌ی زمین زندگی می‌کنند و خود را برای زندگی در زیستگاه‌های مختلفی مانند اقیانوس‌ها، جنگل‌ها، بیابان‌ها و آبگیرها سازگار کرده‌اند. سیستم گوارشی دوزیستان بهره‌وری بالایی دارد. برای مثال، حدود ۹۵ درصد غذایی که یک سمندر می‌خورد، به انرژی تبدیل شده یا به‌عنوان چربی ذخیره می‌شود. دوزیستان نقش مهمی در زیست‌بوم‌ها (اکوسیستم‌ها) دارند و به‌خصوص در زیست‌بوم‌های جنگلی و آبگیرها از نظر تعداد و وزن بر دیگر گونه‌ها غالب‌اند.

دوزیستان از یک جنبه‌ی دیگر نیز برای انسان اهمیت دارند. از ترشحات بدمزه پوست و غدد دوزیستان که برای دور کردن شکارگران ترشح می‌کنند، می‌توان داروهای محرک قلب، مسکن و... تولید کرد. در کنار این دلایل نباید زیبایی این موجودات را نیز فراموش کنیم. ممکن است برخی از ما این موجودات



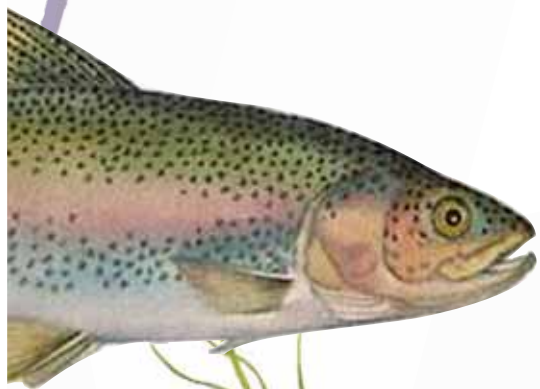
لرژ را چندان دوست نداشته باشیم اما اگر با دقت بیشتری آن‌ها را بشناسیم، نمی‌توانیم زیبایی‌شان را انکار کنیم! دوزیستان آمدن و رفتن دایناسورها بر کره‌ی زمین را نظاره‌گر بوده‌اند اما امروزه نزدیک به نیمی از آن‌ها در معرض خطر انقراض هستند. به گفته‌ی پژوهشگران، بحران انقراض دوزیستان در عصر حاضر، بزرگ‌ترین چالش در حفاظت گونه‌هاست که در طول تاریخ بشریت رخ داده است. ۳۰ درصد (۱۸۹۵ گونه) از ۶۲۸۵ گونه‌ی دوزیستانی که در فهرست اتحادیه‌ی جهانی حفاظت از طبیعت

(IUCN)^۲ ثبت شده‌اند، در معرض خطر انقراض قرار دارند. ۶ درصد از آن‌ها (۳۸۲ گونه) در معرض تهدیدند و دربارهی ۲۵ درصد از آن‌ها (۱۵۹۷ گونه) اطلاعات کافی وجود ندارد. به این شکل، در حدود ۳۹۰۰ گونه از دوزیستان دنیا در معرض خطرند. پژوهشگران معتقدند که ۱۶۵ گونه از دوزیستان در طبیعت به‌طور کامل منقرض شده‌اند. عوامل مختلفی نسل دوزیستان را تهدید می‌کند. تخریب زیستگاه توسط فعالیت‌های توسعه‌ی انسانی و قطع‌ه‌قطع شدن زیستگاه (مانند محصور شدن یک تکه از جنگل در میان زمین‌های کشاورزی) بخشی از این عوامل هستند که منجر به محدود شدن مکان‌های مناسب زیست دوزیستان می‌شوند. پوست دوزیستان به آنان در تنفس و نوشیدن کمک می‌کند اما در عین حال آنان را در مقابل تغییرات محیطی به‌خصوص آلودگی‌های شیمیایی صنعتی، کشاورزی و دارویی بسیار آسیب‌پذیر می‌سازد. آلودگی‌های مذکور موجب ایجاد ناهنجاری‌های جسمی (اندام اضافه یا ناهنجاری چشمی و...)، تغییر در سیستم عصبی، اختلال در ترشح هورمون‌ها، ایجاد اشکال در زادآوری و بالا رفتن نرخ مرگ‌ومیر می‌شوند. تخریب لایه‌ی ازن و افزایش تشعشعات امواج ماورای بنفش نیز موجب اختلال در چرخه‌ی زندگی دوزیستان شده است.

در ایران ۲۲ گونه دوزیست زندگی می‌کنند. دوزیستان ایران بیشتر در نزدیک منابع آبی مانند نهرها، برکه‌ها، دریاچه‌ها، دریاها و از این قبیل یافت می‌شوند. بیشترین تنوع دوزیستان کشور به استان‌های شمالی و پس از آن نیمه‌ی غربی و شمال غربی مربوط است. برخی از گونه‌های دوزیستان نیز در استان‌های جنوبی و جنوب غربی کشور، در مناطقی که آب‌های آزاد و به تبع آن رطوبت بالا دارند، زندگی می‌کنند. برخی از این گونه‌ها بومی این مناطق اند و تنها در ایران زندگی می‌کنند.

از گونه‌های در معرض خطر انقراض دوزیستان در ایران می‌توان به سمندر امپراتور (لرستانی) اشاره کرد^۳. متأسفانه، چند سال است که افرادی این سمندرهای کمیاب را صید می‌کنند و در نزدیک نوروز در کنار ماهی‌های قرمز به فروش می‌رسانند.

● آموزگاران گرامی، می‌توانید در کنار ذکر اهمیت دوزیستان، به دانش‌آموزانتان توصیه کنید که از خرید این گونه جانوران خودداری کنند و علاوه بر





آن به اداره‌ی حفاظت محیط‌زیست منطقه خود نیز اطلاع دهند تا سمندرها را به زیستگاه اصلی خود بازگردانند.

فعالیت آموزشی پیشنهادی

می‌توانید پس از آموزش زنجیره و شبکه‌ی غذایی با طرح سؤال‌های هدفتند، گفت‌وگویی گروهی را درباره‌ی تبعات حذف هر یک از اجزای شکل دهنده‌ی شبکه‌ی غذایی و آثار آن در محیط زیست، در کلاس شکل دهید. برای مثال، از دانش‌آموزان بخواهید شبکه‌ی غذایی یک دریاچه را رسم کنند (مثال‌هایی از اجزای سازنده‌ی شبکه‌ی غذایی یک دریاچه: ماهی قزل‌آلای خال قرمز یا گربه‌ماهی، لارو حشرات، قورباغه‌ی مردابی، حواصیل، خرچنگ، شنگ، حلزون آبی، گیاهان و جلبک‌های آبزی، پلانکتون‌های گیاهی و جانوری، کرم‌های آبی، لاک‌پشت برکه‌ای و...) برای جذاب‌تر شدن فعالیت می‌توانید تصاویر برخی اجزا را آماده کنید و در اختیار دانش‌آموزان قرار دهید. کارت‌هایی را نیز برای اضافه کردن اجزایی که به ذهن خود دانش‌آموزان می‌رسد، در نظر بگیرید. پس از ساخت شبکه‌ی غذایی، می‌توانید این سؤالات را با دانش‌آموزان خود در میان بگذارید تا با بررسی شبکه‌ی غذایی‌ای که ساخته‌اند، به آن‌ها پاسخ دهند.

۱. برای شبکه‌ی غذایی، زمانی که یکی از اجزای آن بر اثر آلودگی یا بیماری حذف می‌شود، چه رخ می‌دهد؟

این سؤال فرصت خوبی است که درباره‌ی

دوزیستان و نقش آن‌ها در شبکه‌ی غذایی صحبت کنید. سپس درباره‌ی تبعات حذف دوزیستان از شبکه‌ی غذایی و بحران انقراض دوزیستان در دنیا گفت‌وگو کنید.

۲. زمانی که جمعیت یکی از اجزای شبکه‌ی غذایی دو برابر شود، برای شبکه چه اتفاقی می‌افتد؟

۳. زمانی که یک گونه‌ی مهاجم وارد دریاچه شود، برای شبکه‌ی غذایی چه رخ می‌دهد؟^۴ گونه‌های مهاجم^۵ گونه‌هایی هستند که به‌صورت تصادفی یا به عمد توسط انسان به زیست‌بوم‌ها و زیستگاه‌های جدید وارد می‌شوند. این گونه‌ها معمولاً باعث اختلال در زیست‌بوم یا شبکه‌ی غذایی موجود می‌شوند. در رابطه با شبکه‌ی غذایی دریاچه می‌توانید از دانش‌آموزانتان سؤال کنید. مثلاً پرسید که اگر به یکی از دریاچه‌های ایران که قزل‌آلای



خال قرمز در آن زندگی می‌کند (مانند دریاچه‌ی سد لار)، قزل‌آلای رنگین‌کمان - که گونه‌های وارداتی (پیش از این در ایران زندگی نمی‌کرده) و پرورشی (به دلیل رشد سریع پرورش این گونه اقتصادی است) است، وارد شود (مثلاً از حوضچه‌های پرورش ماهی کنار رودخانه‌ها خارج شوند)، چه اتفاقی ممکن است برای قزل‌آلای خال قرمز بیفتد.

این بخش مرتبط است با:

● کتاب علوم تجربی پایه‌ی پنجم/

درس ۱۱ / صفحه ۱۰۳

● کتاب علوم تجربی پایه‌ی ششم/

درس ۱۲ / صفحه ۸۱

معرفی وبگاه مرتبط

<http://www.ecokids.ca/PUB/eco-info/topics/frogs/chain-reaction/index.cfm>

با زنجیره‌ی غذایی بازی کنید! پیش از شروع این بازی سه گروه مصرف‌کننده (همه چیزخواران، گوشت‌خواران و گیاه‌خواران) و زنجیره‌ی غذایی توضیح داده شده است. دانش‌آموز می‌تواند بین دو زنجیره‌ی غذایی قطب شمال و جنگل یکی را انتخاب کند و بازی را ادامه دهد. او باید عناصر زنجیره‌ی غذایی را مرتب کند و درستی آن را بسنجد. سپس با انیمیشن زیبا زنجیره‌ی غذایی ساخته شده به نمایش در می‌آید. در انتهای بازی بخش جالبی گنجانده شده است. یکی از عناصر زنجیره‌ی غذایی را حذف کنید و ببینید چه اتفاقی می‌افتد؟

<http://www.sheppardsoftware.com/content/animals/kidscorner/games/producersconsumersgame.htm>

<http://www.sheppardsoftware.com/content/animals/kidscorner/games/foodchaingame.htm>

در بازی اول، کودک گونه‌های تولیدکننده، مصرف‌کننده و تجزیه‌کننده را از یکدیگر تشخیص می‌دهد و در بازی دوم اجزای چندین زنجیره‌ی غذایی را مرتب می‌کند. او در انتهای هر مرحله می‌تواند انیمیشن جالب و ساده از زنجیره‌های غذایی را تماشا کند.

<http://www.bbc.co.uk/bitesize/ks2/science/living-things/food-chains/play>

بازی دیگری درباره‌ی زنجیره‌ی غذایی است و این بار مرتبط با «مرگ‌بارترین جانوران»

پی‌نوشت

1. Rebecca I. Schneider, Marianne E. krasny, stephen j. Morreale, Hands-on Herpetology: Exploring Ecology and Conservation, 2001
2. International Union for Conservation of Nature
۳. کمالی. کامران، راهنمای میدانی خزندگان و دوزیستان ایران، انتشارات ایران‌شناسی، ۱۳۹۲
4. sciencespot.net
5. Invasive



مأموران سلامتی

مباحث اساسی را در فضای مجازی می توان یافت



ترافیکی و دعوت از مأموران پلیس راهور نحوه‌ی آشنایی دانش‌آموزان با علائم برای حضور در کلاس است. در عکس رانندگی را مشاهده می‌کنید.



تعداد آموزگارانی که با بیش از سی سال خدمت، هنوز با علاقه و نیروی بسیار میان دانش‌آموزان کلاس اولی حاضر باشند و وبلاگ هم بنویسند، زیاد نیست.

در این جا سروناز دیواندری از سبزواری و وبلاگ او را معرفی می‌کنیم، چون به مطالب خوبی از جمله تندخوانی و آثار مثبت مطالعه در آموزش دانش‌آموزان پایه‌ی اول اشاره دارد و دیگر این که با عکس‌ها، برچسب‌ها و پیوندهای موضوعی خود به هر چه پربار شدن مطالب کمک می‌کند. با کلیک کردن روی آرشیو وبلاگ با دیگر مطالب آن آشنا شوید.



عاشق ترین معلم دنیا
با ورود به این وبلاگ می‌توانید حاصل فعالیت‌های سال ۱۳۹۳ خانم دیواندری را نیز ببینید. او به سلامت دانش‌آموزانش توجه بسیار دارد و البته با عنایت به مطالب کتاب‌های درسی از جمله علوم و بخش «سالم باشید» سعی در آشنا کردن بیشتر دانش‌آموزان با بحث بهداشت و سلامت دارد. به همین دلیل او دکتر جلیلی را به کلاس دعوت می‌کند تا در کنار آموزش مطالب درسی، دانش‌آموزان را با سایر موضوعات مرتبط آشنا سازد. از دیگر فعالیت‌های دیواندری، دادن آموزش‌های

مثلث‌های حیاتی

بعد از وقوع زلزله چه اتفاقی می‌افتد؟

دکتر مهدی چوپینه



نشوی که خواهی از این توصیه‌ها استفاده کنی». **معلم:** می‌دانی چرا من و امثال من به این حرف‌هایی که می‌زنی، توجه نمی‌کنیم؟ چون هرکس خودش را متخصص این موضوعات می‌داند، اصلاً متخصص شدن در بعضی موضوعات خیلی هم سخت نیست. چون این افراد متخصص یا در عمرشان واقعاً با این مسائل روبه‌رو نشده‌اند و با اگر هم شده‌اند، دیگر عمرشان به این دنیا نبوده تا نتایج حرف‌های غلطشان را ببینند و اشتباهشان را جبران کنند.

کارشناس: بله، تصادفاً نکته‌ای که گفتی درست است اما فکر می‌کنی علتش چیست؟ **معلم:** نمی‌دانم. من که متخصص این موضوعات نیستم ولی این را خوب می‌فهمم که به حرف‌های شماها هم خیلی نباید دل بست. چون یک روز یکی می‌آید و می‌گوید: «موقع وقوع زلزله باید بروید زیر

بزرگداشت لسان‌الغیب حافظ شیرازی، روز ایمنی در برابر زلزله و بلایای طبیعی نیز هست.

گفت‌وگو

متنی که ملاحظه می‌کنید داستان گفت‌وگویی است بین یک کارشناس بلایای طبیعی، که در تألیف کتاب‌های درسی هم مشارکت دارد، با دوستش که معلم است و در مدرسه‌ای تدریس می‌کند. **معلم:** آقای دانشمند، آقای متخصص، این حرف‌ها و نمی‌دانم بلایا، زلزله و غیره را از کجا می‌آوری و می‌زنی؟

کارشناس: خیر سرمان، به ما می‌گویند «متخصص بلایای طبیعی!»! حالا چرا فقط تویکی حرف‌های مرا باور نمی‌کنی، علتش را نمی‌دانم ولی امیدوارم حداقل به توصیه‌هایی که می‌کنم، توجه کنی و هیچ وقت با وضعی مواجه

اشاره

پروورش مهارت‌های آموزش جغرافیا و ارائه‌ی فعالیت‌های تکمیلی در این حوزه و آشنایی با وسایل و اصطلاحات جغرافیایی در دوره‌ی ابتدایی حائز اهمیت است. آنچه این درجه از اهمیت را بیشتر به رخ می‌کشد نگاه و نوع بیان مسائل و موضوعات در مدارس است. در این بخش و دیگر فرصت‌ها در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی با توجه به موضوعات مرتبط با جغرافی، سعی در ارائه‌ی بحث‌هایی داریم که می‌توانند آموزگاران را به شکلی جذاب با روش‌های تدریس آشنا کنند و در بهبود و پیشبرد فرایند یاددهی-یادگیری مؤثر باشند.

اولین شماره از این سلسله موضوعات را به اقدامات پس از زلزله معطوف کرده‌ایم. آموزگاران گرامی اگر تقویم را ورق بزنند خواهند دید که بیستم مهر ماه هم‌زمان با روز



میز یاد چهار چوب درها بایستید یا کنار ستون‌های داخل ساختمان پناه بگیرید.» و روز بعد می‌گوید: «اگر به این جاهایی که گفتم بروید، مرگتان حتمی است. بهترین جا برای پناه گرفتن، مثلث‌های حیاتی است.» دوستی داشتم که کارهای پژوهشی انجام می‌داد. چند سال قبل که در منطقه‌ی قائن زلزله‌ای رخ داده بود، برای تحقیق به آنجا رفته بود. از جمله چیزهایی که یافته بود یکی هم این بود که بچه‌هایی که به توصیه‌ی متخصص، مخصوصاً توصیه‌های کتاب‌ها گوش کرده و رفته بودند زیر میزها یا در چهار چوب درها و مثلث‌های حیاتی پناه گرفته بودند، همگی جانشان را از دست داده بودند. فقط کسانی زنده مانده بودند که توانسته بودند از ساختمان‌ها دور شوند یا به عبارتی فرار کرده بودند و خود را به محوطه‌های باز رسانده بودند. یکی هم تا به حال پیدا نشده است به این متخصصان محترم بگویند: «عزیزان دل، در این مملکت گسترده و متنوع که هر منطقه‌اش فرهنگ و آداب خاصی دارد و ساختمان‌هایش هم یک جور ساخته نمی‌شوند، بین ساختمان‌های خشک خام در روستاهای مناطق مرکزی با ساختمان‌های بتونی شهرها و منازل چوبی مناطق شمالی و کپه‌های حصیری مناطق جنوبی خیلی تفاوت وجود دارد.»

کارشناس: نه، به نظر من چیزهایی می‌دانی! حرف‌هایت درست به نظر می‌آیند و به قول یکی از پیش‌کسوتان قدیمی ما «بوی شعور می‌دهند.» خب جناب معترض عزیز، با این حرف‌هایی که زدی، شاید بد نباشد من هم به موضوعی اشاره کنم که کمتر در مورد آن نوشته‌اند یا شنیده‌اید. آن هم به بعد از وقوع زلزله مربوط می‌شود.

آنچه مشیت الهی و تقدیر بوده بر سر رفتگان در حوادث طبیعی اتفاق آمده است اما همه که از بین نرفته‌اند. اگر به فکر باقی‌مانده‌ها نباشیم، میزان تلفات از آنچه پیش آمده است بسیار بیشتر خواهد شد. برای اینکه بتوانم موضوع را روشن‌تر کنم، ببینیم تصور کنیم که خدای ناکرده چنین حادثه‌ای یک بار دیگر در محلی که ما زندگی می‌کنیم اتفاق بیفتد. چرا قیافه‌ات را این جور می‌کنی؟ گفتم: «خدای ناکرده» بعدش هم گفتم: «تصور کنیم» حالا بهتر شد. بله، عده‌ای باقی می‌مانند که اگر از شوک ناشی از دست دادن نزدیکان و ویرانی خانه و کاشانه‌شان هم بیرون بیایند و اگر از غصه‌ی دق نکنند، باز هم ممکن است در اثر تغییراتی که در

محیطشان به وجود آمده است دچار حوادث ثانویه، مثلاً برق گرفتگی یا انفجار و سوختگی ناشی از شکستگی لوله‌های گاز شوند. گاهی هم در همان حال شوک، بی‌هدف به سمتی حرکت می‌کنند و در چاه یا پرنگاهی می‌افتند. تصور کن یک آدم خاک‌آلود حیران و هاج‌واج در بین آدم‌هایی که زخمی هستند و ناله می‌کنند، می‌چرخد. شیون زن‌ها و فغان بچه‌ها شرایطی را به وجود می‌آورد که خدا برای هیچ کسی نخواهد یا به قول پدرم «مسلمان نشنود کافر نبیند.»

پس از حادثه

اما پس از گذشت چند ساعت واقعیت‌ها چهره نشان می‌دهند. این جمع باقی‌مانده به آب و غذا نیاز دارند و اگر حادثه در زمستان رخ داده باشد، نیاز به وسایل گرمازا هم خواهند داشت. ناگفته‌نماند که مردم کشور ما در طول قرن‌ها نشان داده‌اند که در چنین مواقعی فداکارانه و بدون هیچ چشم‌داشتی به یاری هم‌وطنان خود می‌شتابند و از هیچ کمکی، اعم از جانی و مالی دریغ نمی‌کنند. هیچ وقت یادم نمی‌رود چهره‌ی جوان امدادگری که با یک دستش سِرْمِ مجروحی را نگاه داشته بود و از دست دیگرش از او برای مجروحان دیگر خون می‌گرفتند.

با این حال، در همین بین عده‌ای فرصت طلب هم که به دنبال غارت اموال بی‌صاحب‌اند، سرو کله‌شان پیدا می‌شود. بنابراین، حضور نیروهایی که امنیت را تأمین کنند ضرورت پیدا می‌کند. خود این مسائل در کمک‌رسانی تأخیر و کندی به وجود می‌آورد. جست‌وجو در ویرانه‌ها برای زنده‌یابی کسانی که احتمالاً زیر آوار مانده‌اند، بخش دیگری از فعالیت‌هاست. بروز و شیوع شایعات بر فشار روانی باقی‌مانده‌ها می‌افزاید.

سامان‌دهی زخمی‌ها، زنده‌های مغموم و افسرده، بچه‌های بدون سرپرست و وحشت‌زده، والدین فرزند از دست داده، اقوامی که برای کمک به خویشاوندان‌شان آمده‌اند و قصد بردن بچه‌های فامیل را دارند. همه‌ی این‌ها به اضافه‌ی برپا کردن چادرهای امداد و اسکان در محلی امن برای اقامت و استراحت افراد محلی و نیروهای امدادی آن هم در شرایطی که تا مدت‌ها پس‌لرزه‌هایی با شدت‌های مختلف و گاه در حد و اندازه‌ی زلزله‌ی اصلی رخ می‌دهد مشکلاتی است که بعد از وقوع زلزله پیش می‌آیند. همه‌ی این‌ها در حالی است

که با وقوع هر پس‌لرزه بار دیگر خاطره‌ی بلای نازل شده زنده می‌شود.

معلم: توفیلم زیاد می‌بینی؟

کارشناس: چه طور مگر؟

معلم: این جوری که تو تصور می‌کنی، انگار خودت در همه‌ی این حوادث حضور داشته‌ای. به نظرم برای آینده اگر خواستی تغییر شغل بدهی، به ساخت فیلم هم فکر کن. جدی می‌گویم! استعداد و هنر خیال‌پردازی در بافتن آسمان و ریسمان را در سطح بالایی داری!

کارشناس: ببین، به نظرم نهادها یا سازمان‌هایی که مسئول کمک‌رسانی به حادثه‌دیدگان در زلزله هستند، می‌بایست چند برنامه‌ی زمانی برای اجرا داشته باشند. اول، برنامه‌ی کوتاه‌مدت، که به محض اطلاع از محل وقوع زلزله همه‌ی امکاناتشان را برای کمک به مردم حادثه‌دیده ارسال کنند. دوم، برنامه‌ی میان‌مدت که برای سامان‌دهی مردمی که از زلزله جان به در برده‌اند، مکانی امن بیابند و به سرعت راه‌های ارتباطی را برای عبور کامیون‌های امدادرسان و آمبولانس‌ها باز کنند تا زمان رسیدن به محل بیمارستان یا در مانگاه‌های امدادی به حداقل ممکن برسد. با راه‌اندازی فرودگاه‌های موقت امکان رفت‌وآمد هواپیماها را فراهم یا فرودگاه‌های موجود را مجهز کنند. با تهیه‌ی نقشه‌های جدید برای خیابان‌بندی و تأمین روشنایی و آب سالم و گازرسانی باشند. آخرین بخش، شامل برنامه‌های بلندمدت است که طی سال‌هایی که اتفاق نمی‌افتد با مطالعه و پژوهش در مورد مکان‌هایی که احتمال وقوع زلزله هست اقدامات زیربنایی انجام دهند. نقشه‌ی پهنه‌بندی خطر وقوع زلزله و نقشه‌ی مناطق امن‌تر در اطراف آن مناطق را تهیه کنند و در نزدیکی این مکان‌ها، اعم از شهری یا روستایی، محل‌هایی برای ذخیره‌ی آب در نظر بگیرند. این آبیگرهای توانمند از استخرهای کوچک آبیاری باغ‌ها و مزارع تا دریاچه‌های مصنوعی نظیر دریاچه‌ی مصنوعی خلیج فارس در پارک چیتگر تهران متنوع باشند. فقط می‌بایست مراقب بود که این آبیگرها خود به معضلی تبدیل نشوند؛ مثلاً محل تجمع پشه و مگس و سایر ناقلان بیماری نباشند و یا بچه‌های بازیگوش در آن‌ها غرق نشوند.

معلم: خوب کمی تا قسمتی قانع شدم. فعلاً تا زلزله‌ی احتمالی جناب‌عالی از راه نرسیده و جان به جان آفرین تسلیم نکرده‌ایم، برویم غذایی بخوریم!

نوبگو «نوب» یعنی چی، تا من ...

کبری محمودی

بدهید که او چقدر بدخط می نویسد. معنای واقعی خرچنگ
قورباغه را با خط پسرم فهمیدم.

اما امسال، پدیده‌ای اتفاق افتاده است که چاره‌ای ندارم جز
آنکه معجزه‌اش بنامم. خب! بعضی از آموزگارها واقعاً کارشان در
حد اعجاز است.

حدود یک ماهی است که از شروع سال تحصیلی جدید
می‌گذرد. پسرم دوباره مداد به دست شده است و مشق
می‌نویسد اما عجیب این جاست که در همین چهار هفته،
تقریباً چهار دوره‌ی تغییر خط داشته است. واضح‌تر اینکه
هفته‌ی اول مهر، حس کردم پسرم خط زمینه‌را در نوشتن به
خوبی رعایت می‌کند و هر چند زیبا نمی‌نویسد اما نوشته‌هایش
مرتب به نظر می‌رسند.

هفته‌ی دوم احساس کردم پسرم در چگونه به دست گرفتن
مداد دقت زیادی می‌کند. مدام از من می‌پرسید: «مامان، ببین
مداد را جای درستی نگه داشته‌ام؟ این جای انگشتانم باید
باشد؟» و هفته‌ی سوم به من گفت: «خانم گفته به مامان هایتان
بگویند وقتی مشق می‌نویسید، نگاه کنند حروف را اندازه‌ی هم
و با فاصله‌ی یکسان بنویسید. بین کلمات باید فاصله باشد.»
حال که هفته‌ی چهارم است، مشق پسر من مرتب و خوانا
شده است.

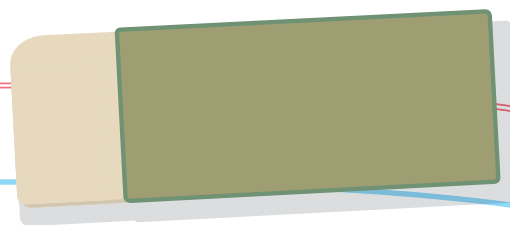
این بار با افتخار دلم می‌خواهد تصویر صفحه‌های مشق پسرم

سال گذشته، اواخر سال، تقریباً رابطه‌ی دوستانه‌ی من و
پسرم خیلی بد شده بود. مشق‌هایش را خیلی بدخط می‌نوشت
و هر چه با زبان خوش و ناخوش از او می‌خواستم خوش خط و
تمیز بنویسد، فایده‌ای نداشت. چندین بار تهدیدش کردم که
اگر مشقش را بدخط بنویسد، مجبورش می‌کنم دوباره بنویسد
و چند بار این کار را کردم اما راستش فایده‌ای نداشت. یکی دو
بار برایش مفصل حرف زدم و نصیحتش کردم که بچه‌ی بدخط
تنبل شناخته می‌شود و بی‌سلیقه و... اما فایده‌ای نداشت.

چندبار از پدرش خواستم کمکش کند، باز هم نشد. تا اینکه
یک روز حس مادر و فرزند را به کار گرفتم و احساسش را
جریحه‌دار کردم و التماسش کردم خوش خط بنویسد.

هر دو گریه‌مان گرفت و در آخر هم پسرم گفت: «مامان، آخه تو
بگو چطور خوش خط بنویسم؟» هم افسرده شده بودم و هم
نمی‌فهمیدم چه جوابی باید به پسرم بدهم! مانده بودم که
خوش خطی را چطور برایش به تصویر بکشم! این بود که مدتی،
کوتاه آمدم تا او هم مضطرب و افسرده نشود. به این ترتیب،
سال تحصیلی را به پایان بردیم.

فکر نکنید من از آن مادران سخت‌گیری هستم که تا بچه
تحریری ننویسد، راضی نمی‌شوم؛ خیر، دلم می‌خواهد اگر
امکانات گرافیکی مجله اجازه می‌داد، تصویری از یک صفحه‌ی
دفتر مشق پسرم را برایتان می‌گذاشتم تا خودتان حق را به من



را برایتان کپی کنم تا خودتان قضاوت کنید که در عرض یک ماه، دست خط یک بچه چطور تغییر کرده است.

خوش‌حالم و راضی. خوش حال از اینکه بار بزرگی از دوشم برداشته شد و دیگر لازم نیست حرص بدخطی پسر را بخورم و راضی از اینکه معلم پسر، واقعاً معلم است. کار خود را خوب بلد است، کلی گویی نمی‌کند و توقع بی جا و مبهم ندارد.

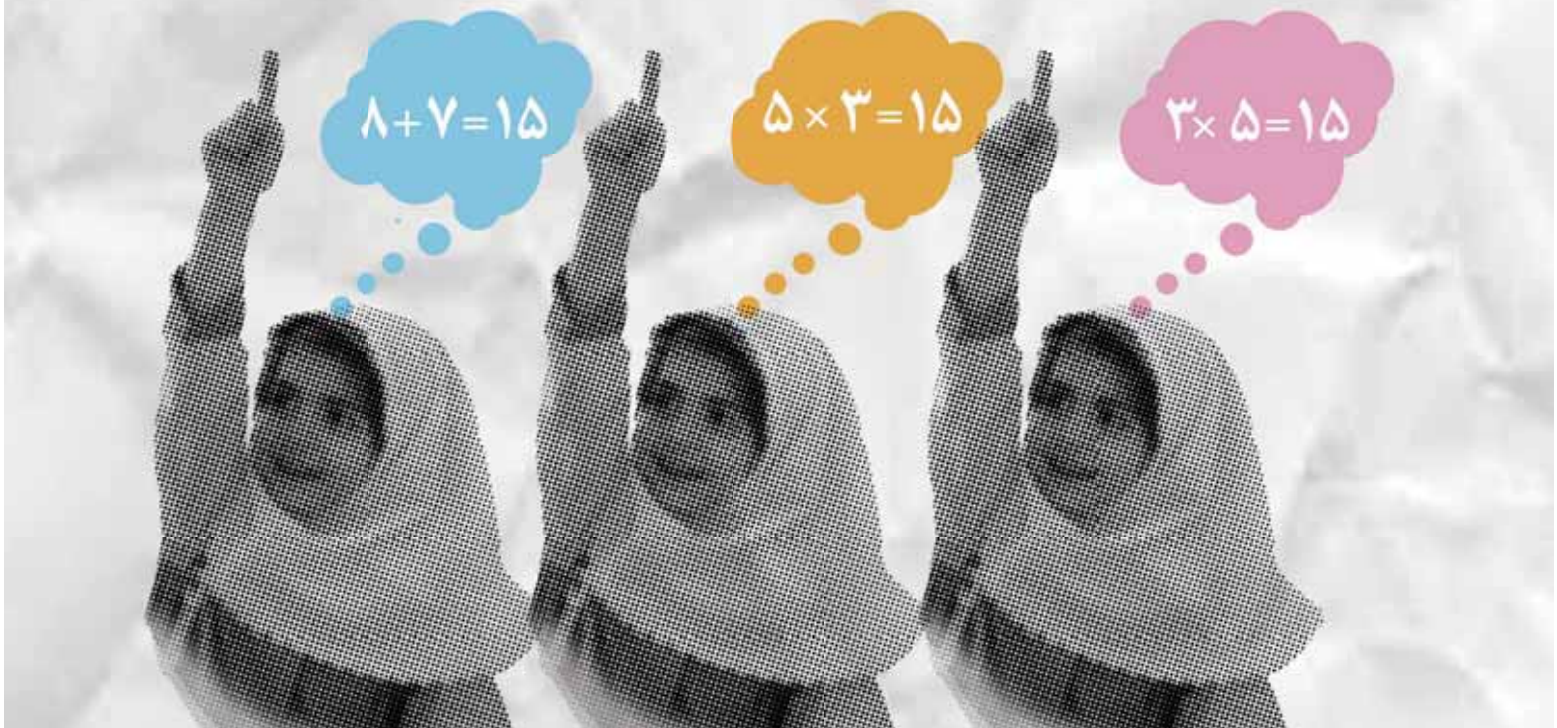
جالب اینجاست که در همین یک ماه، تغییرات دیگری از این دست در فرزندم دیده‌ام. یک روز وقتی پسر داشت کتاب‌هایش را در قفسه می‌چید، او را زیر نظر گرفتم. کتاب‌هایش را در یک طبقه و دفتر‌هایش را در طبقه‌ی دیگر گذاشت. همه‌ی مدها‌هایش را داخل جامدادی روی کتاب‌خانه گذاشت، ورقه‌ها و برگه‌های امتحانی‌اش را در یک پوشه گذاشت و پوشه را گوشه‌ای از جاکتابی جا کرد. بعد از همه‌ی این‌ها، کیفش را برداشت، زیپ‌هایش را بست و آن را سر جایش گذاشت. جالب‌تر اینکه پیش من آمد و خواست چوب‌لباسی را طوری برایش تنظیم کنم که دستش برسد لباس‌های مدرسه‌اش را خودش آویزان کند.

نه اینکه فکر کنید یک‌باره سرش به سنگ خورده است یا در عرض چند ماه عقلش رشد خاصی یافته یا از به هم ریختگی کلافه شده است، بلکه به نظر من مادر، فقط و فقط معنای نظم و ترتیب و مصداق‌های عملی مرتب بودن را یاد گرفته است و خواسته و ناخواسته آن را تعمیم می‌دهد. همیشه وقتی استادمان در دانشگاه به ما می‌گفت: «برای تحقیق باید تعریف

عملیاتی بدهید و با مصداق‌های روشن کار کنید»، بیشتر ما دانشجویان سختمان بود از پس این قسمت کار برآیم، اما آموزگار بچه‌ی من در عرض یک ماه با مصداق‌های روشن، معنا و مفهوم عملیاتی مرتب بودن را به بچه‌ها یاد داده بود. بارها و بارها خوانده و شنیده بودم که با بچه‌ها، حتی بزرگ‌ترها، با مصداق روشن کار کنید و توقعتان را به روشنی برایشان بگویید، اما هیچ‌گاه اینقدر واضح لمس نکرده بودم که باز خورد شفاف و خواسته‌ی صریح می‌تواند چنین تأثیری داشته باشد!

طاقة نیاردم منتظر جلسه‌ی دیدار اولیا با معلمان بمانم. صبح آخرین روز مهر، به مدرسه رفتم و معلم فرزندم را از نزدیک ملاقات کردم. از او تشکر کردم و خواستم مراراً بنمایم کند که چگونه او و فرزندم را در این تغییر مثبت و خوب همراهی کنم. او با تواضع از من خواست معنی کلمه‌ی «خوب» را برایش توضیح دهم. چند لحظه‌ای مکث کردم.

واقعیت این است که در جواب دقیق معنی خوب در ماندم. «خوب یعنی نیکو و پسندیده». این تنها جوابی بود که دادم و معلم این بار از من پرسید: «نیکو چیست؟ پسند و پسندیدن به سلیقه مربوط است و در مورد هر کس با دیگری فرق دارد. وقتی شما به بچه می‌گویید خوب درس بخواند، خوش خط بنویسد و وسایلش را مرتب کند، او نمی‌فهمد که دقیقاً باید چه کاری انجام دهد. چگونه خوب درس بخواند، چطور خوش خط بنویسد و وسایلش را به چه ترتیبی مرتب کند! من کاری نکرده‌ام جز اینکه نظم و ترتیب را در هر مورد مشخص به او نشان داده‌ام».



لیلی رحیمزاده
دکترای برنامه‌ریزی آموزشی

کودکان باهوش من

لذت یادگیری براساس هوش‌های یادگیری

انجام دادن چنین تکلیفی نشوید. این احساس در دوران مدرسه که برآوردن انتظارات اجباری‌تر بوده و مسئولیت پاسخ‌دهی به معلم و مربیان بر عهده‌ی دانش‌آموز است، به مراتب بیشتر تجربه می‌شود. در چنین مواقعی معمولاً دلایل گوناگونی وجود دارد که به شکل‌گیری این شرایط کمک می‌کند. ممکن است تکلیف مورد نظر از محدوده‌ی توان فرد خارج باشد، شاید او علاقه‌ای به انجام دادن آن نداشته باشد و شاید اولویت‌های دیگری در زندگی او به مراتب جذاب‌تر از آن تکلیف باشند. در هر حال، در چنین مواقعی نگاه‌ها به‌سوی مجریان برنامه و معلمان است و این انتظار به‌وجود می‌آید که به انواع و نمونه‌های دیگری مراجعه کنند که بتواند احساس خوشایندی در دانش‌آموز ایجاد کند، چیزی بالاتر از انجام وظیفه‌ی صرف باشد و انگیزه‌ی دل سپردن به فعالیت‌های تحصیلی را در دانش‌آموز به‌وجود آورد.

امروز نظریه‌ها و یافته‌های گوناگونی در خدمت تعلیم و تربیت‌اند و هر کدام به نوعی برای تسهیل یادگیری و تجربه‌ی لذت بردن از آن تلاش می‌کنند. از جمله، نظریه‌ی هوش‌های چندگانه‌ی یادگیری که پیام اصلی آن تفاوت در راه‌های کسب آموخته‌های جدید در افراد مختلف است. در واقع، این نظریه خاطر نشان می‌سازد که

اشاره

نظریه‌ی هوش‌های چندگانه‌ی یادگیری از جمله‌ی جذاب‌ترین و پرکاربردترین مباحثی است که عمری نه‌چندان طولانی در آموزش دارد. این نظر به مخالفتی درونی با فرضیه‌هایی دارد که یادگیری را صرفاً به هوش عمومی مربوط می‌دانند. بر این اساس، شیوه‌های جدیدی در اختیار تعلیم‌دهندگان و یادگیرندگان قرار می‌دهد که به تجربه‌ی لذت یادگیری منجر می‌شود. هوش‌های چندگانه‌ی یادگیری مبین انواع راه‌هایی است که به واسطه‌ی آن‌ها هر فرد می‌تواند از مسیر ویژه‌ی خود بهتر و عمیق‌تر فراگیرد و این امر ماندگاری آموخته‌ها را برایش به ارمغان می‌آورد. کسب آگاهی و اطلاعات معلمان و به‌ویژه آموزگاران که در سنن پایین‌تر فراگیرندگان، به آن‌ها شیوه‌ی یادگیری را نشان می‌دهند از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است. نوشته‌ای که در پی می‌آید به این مهم اختصاص دارد.

فعالیت‌های دوست‌داشتنی

شاید برای شما هم پیش آمده باشد که از انجام تکلیفی که از شما انتظار می‌رود، طفره می‌روید، تمایلی به انجام آن ندارید و همواره به این می‌اندیشید که ای کاش شرایطی فراهم شود که مجبور به

هر فرد برای طی مسیر یادگیری باید از نقشه‌ی ذهنی خود تبعیت کند تا بتواند علاوه بر کسب یافته‌های بیشتر و عمیق‌تر، اشتیاق و علاقه‌مندی در یادگیری را نیز تجربه کند.

بر این اساس و با توجه به اینکه هر فرد دارای سطح خاصی از هر یک از هوش‌های چندگانه‌ی یادگیری است، شیوه‌های متفاوتی برای یادگیری وجود دارد که می‌تواند برای افراد متفاوت باشد. به همین دلیل، تأکید اساسی در آموزش‌های مبتنی بر هوش‌های یادگیری این است که معلم با این هوش‌ها آشنایی کامل داشته باشد و تلاش کند دانش‌آموزان را با کلیاتی از این توانایی‌ها آشنا سازد و با ایجاد فرصت‌های متنوع آموزشی و فعالیت‌های متعدد تحصیلی، به‌صورت عملی، فضای لازم برای یادگیری هر گروه از دانش‌آموزان را متناسب با بهره‌های متفاوت از هوش‌های گوناگون مهیا کند.

طراحی آموزشی و هوش‌های یادگیری

باتوجه به ماهیت نظری هوش‌های چندگانه‌ی یادگیری، سیستم آموزش در کلاس‌های درس شکل دیگری پیدا می‌کند. آموزگاری که می‌خواهد جذابیت کلاس درس و یادگیری را برای دانش‌آموزان افزایش دهد و به این سبب به مقوله‌ی هوش‌های یادگیری مراجعه می‌کند، می‌داند که شیوه‌های سنتی در کلاسش جایگاهی نخواهند داشت. اساس رفتار در این کلاس هوش و توانایی‌های گوناگون دانش‌آموزان است که به ظهور جلوه‌های متنوعی از طراحی آموزشی منجر می‌شود.

در زمان‌بندی اجرایی فعالیت‌ها در طراحی آموزشی به سه مرحله اشاره می‌شود:

✓ پیش از کلاس درس

✓ در کلاس درس

✓ پس از کلاس درس

در صورتی که معلم قصد دارد هوش‌های یادگیری را در فرایند یاددهی - یادگیری امری مهم تلقی کند، می‌باید در هر سه مرحله از طراحی آموزشی خود به این مسئله توجه داشته باشد. گاهی لازم است قبل از ورود به کلاس در تدارک طراحی و تدوین فعالیت‌هایی باشد که بتواند ضمن انجام آن‌ها، فرصت‌ها و زمینه‌های گوناگون و متنوع آموزشی را در کلاس درس فراهم آورد و یا تکالیفی را پیش‌بینی کند که دانش‌آموزان را در معرض بهره‌گیری از هوش‌های یادگیری خودشان قرار دهد.

در کلاس درس نیز، طراحی آموزشی مبتنی بر هوش‌های یادگیری بر ایجاد فرصت‌های متنوع آموزشی تمرکز دارد. بر این اساس، معلم ناگزیر است برای یک واحد درسی از منابع و فضاهای متنوعی در کلاس بهره‌برد.

به همین ترتیب، دیگر فعالیت‌های مربوط به «پس از کلاس درس» در طراحی آموزشی مبتنی بر هوش‌های یادگیری، با شیوه‌های دیگر یاددهی - یادگیری تفاوت‌های بسیاری دارد. با ملاحظه‌ی دقیق‌تر آنچه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت از مهم‌ترین مواردی که کلاس مبتنی بر هوش‌های یادگیری را با دیگر کلاس‌ها متفاوت

و ممتاز می‌سازد، تنوع و گوناگونی انواع فعالیت‌ها و فرصت‌های یادگیری است.

تنوع همراه با انتخاب

برای روشن شدن این ویژگی ممتاز در کلاس‌های مبتنی بر هوش‌های یادگیری، که بر تنوع فعالیت‌ها دلالت دارد، به این نمونه توجه کنید.

آموزگار قصد دارد دانش‌آموزان را با شعری آشنا کند و زمینه‌ی لازم برای روان خوانی، حفظ کردن و دریافت مفهوم و مقصود آن را برای آنان فراهم آورد. پس ابتدا از روی شعر صحیح، آرام و روان می‌خواند؛ در حالی که در زمینه‌ی صدایش موسیقی آرامی هم در حال پخش است. در ادامه، فیلمی را به نمایش می‌گذارد که در آن داستان شعر مورد نظر به تصویر کشیده شده است. سپس از دانش‌آموزان می‌خواهد که در گروه قرار گیرند و برای بیان مفهوم کلی و داستان شعر تلاش کنند. بعد از مدتی هر یک از افراد، برداشت گروه خود را در کلاس مطرح می‌کند.

معلم ضمن تأیید برداشت‌های درست و ارائه‌ی اصلاحات لازم، از هر یک از دانش‌آموزان می‌خواهد تا به تنهایی هر یک از فعالیت‌های زیر را بنا به میل و توانایی خود انتخاب کند و انجام دهد:

○ متن شعر را بخواند و براساس ترتیب ابیات و داستان آن نقاشی بکشد؛

○ متن شعر را بخواند و کل آن را در یک متن به‌صورت نثر بنویسد؛

○ متن شعر را بخواند و با گذاردن ریتم، آن را آهنگین بخواند؛

○ برای نشان دادن داستان شعر یا مفهوم آن با استفاده از مقوا یا دیگر وسایل یک کاردستی بسازد؛

○ از روی متن بخواند و صدای خود را ضبط کند؛

○ برای متن نمایشنامه‌ای بسازد و با دوستانش اجرای آن را هماهنگ کند.

در چنین حالتی ممکن است انجام این فعالیت‌ها به خارج از کلاس درس منتقل شود اما نکته‌ی مهم این است که دانش‌آموزان در معرض فعالیت‌های گوناگون قرار می‌گیرند و می‌توانند به اختیار خود از فهرست فعالیت‌های گوناگون مواردی را انتخاب کنند.

انتخاب، زمینه‌ی لازم برای آشنایی دانش‌آموز با توانایی‌ها و علاقه‌مندی‌های واقعی خود را ایجاد می‌کند. او هر دفعه با انجام یک فعالیت خاص درمی‌یابد که راهی که برگزیده است تا چه اندازه به او انرژی برای ادامه‌ی فعالیت داده و موجب لذت و یادگیری بهتر او شده است. بدیهی است در چنین شرایطی نقش معلم به‌عنوان راهنما به‌درستی شکل می‌گیرد. نیازی نیست معلم در مورد سطح و میزان انواع هوش‌های یادگیری دانش‌آموزان خود بداند و یا تلاش کند تا اطلاعاتش را در مورد همه‌ی آن‌ها افزایش دهد اما لازم است بر نحوه‌ی انجام فعالیت‌ها توسط دانش‌آموزان نظارت کند و در صورتی که دانش‌آموز از انتخاب یک فعالیت دچار ناتوانی است به او شجاعت و اعتماد لازم را بدهد تا شاید هر تجربه‌ی تازه، دریچه‌ای از شناخت خود را به روی او بگشاید.

وقتم را بگیر، توپم را بگیر!

پایه پای آموزگاران با جام جهانی فوتبال ۲۰۱۴

نادر قوتی

اشاره

ایران کشوری از کشورهای جهان است و بالطبع جامعه‌ی ایرانی نمی‌تواند از فعالیت‌ها و تحرکات جهانی دور باشد. شاهد این مدعا حضور پررنگ هنرمندان، دانشمندان و نشانه‌های علمی و عملی ماست که در دنیا خودنمایی می‌کنند. ورزش نیز از جمله فعالیت‌ها و حرکت‌هایی است که باب دوستی و مراوده را در میان جوامع حتی در دورترین نقاط باز کرده است. ورزش، به‌ویژه فوتبال، از آن مقوله‌هایی است که امروزه نمی‌توان از آن بی‌توجه گذشت. شاید بتوان گفت هر کس در هر جا، خرد و کلان و زن و مرد نظری درباره‌ی توپ گرد دارد. هم اکنون که سه ماه از مسابقات جام جهانی فوتبال در برزیل گذشته است، می‌خواهیم در اولین شماره‌ی مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی شما را از نظرات چند نفر از همکاران و مخاطبان خود درباره‌ی این پدیده و ورزش فوتبال و تأثیر آن در تعلیم و تربیت و مسائل اطراف آن آگاه سازیم. به همین دلیل تعدادی سؤال را در میان آموزگاران وبلاگ‌نویس به اشتراک گذاشتیم و پاسخ آن‌ها را از زبان آن‌ها می‌شنویم. به‌زعم ما این قضاوت‌ها جالب توجه‌اند و می‌توانند نظر شما نیز باشند.

علم
بهتر است یا فوتبال؟!

کودکان، نوجوانان و جوانان بزرگ‌ترین و ارزشمندترین سرمایه‌های کشور ما به‌شمار می‌روند و می‌بایستی در زمینه‌های مختلف آموزشی، پرورشی، بهداشتی، ورزشی و... مورد حمایت همه‌جانبه‌ی مسئولان کشور قرار گیرند. آنان در رشته‌های ورزشی نیز استعدادها و فراوانی دارند که باید شکوفا شوند و نباید صرفاً یک رشته‌ی ورزشی خاص مورد توجه قرار گیرد. فوتبال به‌عنوان یکی از هیجان‌انگیزترین ورزش‌ها همواره مورد توجه کودکان، نوجوانان و جوانان بوده است و تبلیغات مختلف نیز به این توجهات دامن می‌زند. این در حالی است که علاقه‌مندی به سایر رشته‌های ورزشی در میان این گروه کم نیست! قهرمانی نخبگان ورزشی در رشته‌های مختلف مُمهر تأییدی بر این موضوع است. هنوز هم در دفتر مدارس بحث‌ها درباره‌ی مسابقات جام جهانی فوتبال است و این موضوع فکر و ذهن برخی همکاران را به خود مشغول کرده است. به‌طوری که حتی گاهی با هم بحث و مشاجره نیز می‌کنند! متأسفانه، فوتبال‌زدگی و خصوصاً مسابقات جام جهانی برخی امور مرتبط با تعلیم و تربیت را تحت الشعاع قرار

داده است. به‌نحوی که

گویی این مسابقات هستند که سرنوشت و آینده‌ی فرزندان این مرز و بوم را تعیین می‌کنند نه نظام آموزشی! لذا، مدارس و دانشگاه‌ها زیر فشار قرار می‌گیرند و برنامه‌ریزی‌ای که در ابتدای سال تحصیلی کرده‌اند نیز به‌هم می‌خورد! ای کاش در مورد تعطیلی زودهنگام مدرسه‌ها برای مسابقات جام جهانی، نظرسنجی صورت می‌گرفت. به‌نظر من این اتفاقات و تبلیغات ورزشی صرفاً توجه به ورزش فوتبال را تقویت می‌کند. لذا احتمال می‌رود که کودکان و نوجوانان علاقه‌مند به سایر رشته‌های ورزشی سرخورده شوند و رشته‌ی مورد علاقه‌ی خود را دنبال نکنند! با تعطیلی زودهنگام مدارس اکثر برنامه‌ریزی‌های آموزشی به‌هم ریخت.

گویا تعطیلی زودهنگام مدارس و دانشگاه‌ها موجب شد که دانش‌آموزان مسابقات جام جهانی را مهم‌تر از تعلیم و تربیت به حساب

آوردند.

وظیفه‌ی ملی همه‌ی هم‌وطنان است که از تیم ملی حمایت کنند ولی به‌راستی، آیا تاکنون ورزش فوتبال به‌خاطر تعلیم و تربیت تعطیل شده است؟

بسیاری از دانش‌آموزان بی‌بضاعت حتی توان خرید یک جفت کفش ورزشی یا یک توپ فوتبال را ندارند ولی با قلب پاکشان برای پیروزی تیم ملی کشورمان دعا می‌کنند. خوب است ورزشکاران عزیز و یا مسئولان ورزشی، بیشتر به مدرسه‌ها سر بزنند و دانش‌آموزان علاقه‌مند به فوتبال را مورد حمایت‌های مادی و معنوی خود قرار دهند. هیجان و تب و تاب جام جهانی مدارس دخترانه را



هم فرا گرفته بود. دختران نمی‌توانند یا نمی‌خواهند این ورزش را به‌صورت حرفه‌ای انتخاب کنند ولی با دقت این مسابقات را دنبال می‌کردند.

به دانش‌آموزان پایه‌های پنجم و ششم این موضوع انشا را داده بودم که: «علم بهتر است یا فوتبال؟» اکثر آنان در نوشته‌هایشان به این موضوع اشاره کرده بودند که «علم بهتر و سرنوشت‌ساز است ولی فوتبال فقط سرگرم‌کننده است!» یکی از دانش‌آموزان بی‌بضاعت نوشته بود: «هر چند فوتبال‌بیست‌ها مرا حمایت نمی‌کنند ولی من وظیفه‌ی خود می‌دانم که با دعا کردن آن‌ها را حمایت کنم!» در مدرسه‌ی ما و سایر مدارس هم جوار، علاقه‌مندی نه‌تنها به فوتبال بلکه به سایر رشته‌های ورزشی از قبیل شنا، تنیس و والیبال وجود دارد و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در علاقه‌مندی آن‌ها به رشته‌های ورزشی مختلف کاملاً مشهود است.

و متأسفانه تعطیلات طولانی تابستان، تأثیرات منفی بر یادگیری دانش‌آموزان دارد؛ به‌طوری‌که آن‌ها اکثر مطالب درسی را فراموش می‌کنند. این

امر موجب می‌شود

که در سال تحصیلی جدید معلمان مربوطه برای یادآوری مطالب سال گذشته فشار بیشتری بر دانش‌آموزان وارد کنند و از طرفی خود نیز زیر فشارهای روحی قرار گیرند و زمان زیادی از کلاس صرف یادآوری مطالب سال گذشته شود.

توجه بیش از حد به فوتبال و به اصطلاح فوتبال‌زدگی باعث می‌شود دانش‌آموزان عزیز از سایر رشته‌های ورزشی غافل شوند. ناگفته نماند که کشور ما در رشته‌هایی مانند کشتی و وزنه‌برداری در جهان سرآمد است و مسئولان ورزشی باید به این امر مهم عنایت خاصی مبذول دارند.

مرضیه لک، کارشناس مشکلات یادگیری شهرستان ازنا
moshaver122.mihanblog.com



تا پاسی از شب با فوتبال!

● ورزش و رویدادهایی مانند جام جهانی در دبستان‌ها (بین دانش‌آموزان و آموزگاران) چقدر بر مسائل آموزشی و تحصیلی اثر دارد؟ هر رویدادی که در جهان رخ دهد انعکاس خبری دارد؛ به‌خصوص جام جهانی که به‌دلیل علاقه‌مندان زیادش در سراسر جهان حساسیت بیشتری دارد. بنابراین، در بین دانش‌آموزان و آموزگاران بسته به علاقه‌مندی آنان می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد. دانش‌آموز و معلمی که تا پاسی از شب مشغول تماشای مسابقه است فردای آن شب نمی‌تواند با شادابی در مدرسه حاضر شود.

● آیا این اتفاقات

توجه به ورزش

و کار گروهی را در جوامع فرهنگی

(دانش‌آموزان، آموزگاران، معاون، مدیر، انجمن) تقویت

می‌کنند؟ چگونه؟

این رخداد، ناخودآگاه، بر کارهای گروهی اثر دارد؛ زیرا در فوتبال و دیگر ورزش‌های گروهی تیم‌هایی طرف‌داران بیشتری دارند که در کارهای گروهی موفق‌ترند.

● از نظر شما چه آثاری در دبستان و میان کارکنان آن دارد؟

توجه به ورزش می‌تواند به سلامتی روحی و روانی دانش‌آموزان کمک بسزایی کند و از طرفی تأکید بر نتیجه‌گرایی می‌تواند آثار سوئی بر رفتار کودکان و نوجوانان داشته باشد.

● نظر شما در باره‌ی تعطیلی زود هنگام مدارس به‌خاطر جام جهانی چیست؟

چون خانواده‌های زیادی با این مسئله درگیرند، می‌تواند به آرامش خانواده‌ها کمک زیادی کند.

● در دبستان شما چه ورزشی محبوبیت بیشتری دارد؟ چرا؟

فوتبال، چون یک ورزش گروهی است، جذابیت‌های زیادی دارد و بچه‌ها فقط با داشتن یک توپ می‌توانند این ورزش را انجام دهند اما با توجه به اینکه تیم‌های والیبال، بسکتبال و کشتی نام ایران را در سطح جهان مطرح و موفقیت‌هایی نیز در این زمینه کسب کرده‌اند، این ورزش‌ها هم در میان دانش‌آموزان نسبت به قبل رواج بیشتری یافته‌اند.

● تعطیلات طولانی‌تر تابستان

امسال چه تأثیری بر توانایی

دانش‌آموزان در یادآوری مطالب در مهرماه

دارد؟

در خانواده‌هایی که دانش‌آموزان آن‌ها با انواع محصولات فرهنگی سرگرم‌اند و شرکت در کلاس‌های تقویتی باعث می‌شود بچه‌ها در مهرماه با آمادگی خوبی در کلاس‌ها حاضر شوند. ولی متأسفانه در مدارس روستایی و مناطق محروم معلمان به‌دلیل بی‌توجهی اولیا به وضعیت تحصیلی فرزندان‌شان در اوایل سال تحصیلی باید به مرور درس‌های سال گذشته بپردازند. چون بیشتر مدارس فاقد هر گونه امکانات‌اند، بنابراین تعطیلی در تابستان به امری اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است.

● توجه زیاد به فوتبال نسبت به سایر ورزش‌ها چه تبعاتی برای جامعه دارد؟

در صورتی که از افراط و تفریط خودداری شود و به نسبت توجه به این ورزش امکانات نیز در جامعه گسترش یابد، می‌تواند به سلامتی نوجوانان و جوانان و دور نگاه‌داشتن آنان از انواع حجمه‌های فرهنگی کمک بسزایی کند.

رامین مرادی، کرمانشاه، دینور

vecam2.blogfa.com

جام جهانی در روستا هوادر ندارد؟

● ورزش و رویدادهایی مانند جام جهانی در دبستان‌ها (بین دانش‌آموزان و آموزگاران) چقدر بر مسائل آموزشی و تحصیلی اثر دارد؟

جام جهانی فوتبال در میان دانش‌آموزان پایه‌های اول تا سوم ابتدایی آن چنان تأثیری نداشته است اما دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر (چهارم، پنجم و ششم) به نسبت تمایل بیشتری برای تماشای جام جهانی داشته‌اند. در میان همکاران هم (البته علاقه‌مند) باعث بالا رفتن روحیه‌ی نشاط و شادای شده و شور و

میان، دانش‌آموزان با دنبال کردن

بازی‌ها با اسامی کشورها، بازیکنان و مربیان

تیم‌های حاضر بیشتر آشنا می‌شوند و چه بسا به الگوپردازی

از بازیکنان حاضر می‌پردازند. هم‌چنین به دانش و آگاهی عمیق‌تر

دانش‌آموزان و معلمان از فوتبال منتج می‌شود.

● نظر شما در باره تعطیلی زود هنگام مدارس به دلیل جام جهانی چیست؟

ایده‌ی خوبی است؛ چون تداخل بازی‌ها با امتحانات و کلاس‌ها باعث عدم تمرکز دانش‌آموزان بر درس و کتاب می‌شود و بیدار ماندن تا دیروقت برای تماشای بازی برای دانش‌آموزان و معلمان علاقه‌مند باعث بی‌نظمی در حضور به‌موقع در کلاس می‌شود.

● در دبستان شما چه ورزشی محبوبیت بیشتری دارد؟ چرا؟

در میان دانش‌آموزان و معلمان دبستان ما بیشترین اقبال به ورزش فوتبال است. دلیل آن هم شرکت هم‌زمان همه‌ی دانش‌آموزان در بازی و تخلیه‌ی هیجان بیشتر بچه‌ها و نیز این نکته است که با کمترین امکانات هم می‌شود به این ورزش پرداخت. حتی با توپی پلاستیکی هم می‌شود فوتبال بازی کرد.

● تعطیلات طولانی‌تر تابستان امسال چه تأثیری بر توانایی دانش‌آموزان در یادآوری مطالب در

مهرماه دارد؟

شوق زیادی در

آنان ایجاد کرده است. در بعضی جوامع

روستایی کوچک، که امکانات محدودی دارند و حتی به

شبکه‌های ورزشی هم دسترسی ندارند می‌توان گفت جام جهانی

پدیده‌ای فراموش شده و بیگانه است. پس به فراخور جوامع و سطح امکانات

می‌توان در مورد جام جهانی قضاوت کرد. حال ارتباط آن با مسائل آموزشی خود

مقوله‌ای جداگانه است که تا چه اندازه معلمان می‌توانند بین جام جهانی و مسائل

آموزشی ارتباط برقرار کنند. شاید بعضی‌ها از آن فقط به‌عنوان یک حربه‌ی روحی و یا نوعی

تقویت‌کننده‌ی مثبت برای یادگیری یا کلاس آموزشی برای درس تربیت بدنی استفاده کنند.

● آیا این اتفاقات توجه به ورزش و کار گروهی را در جوامع فرهنگی (دانش‌آموزان، آموزگاران، معاون، مدیر، انجمن) تقویت می‌کنند؟ چگونه؟

بله، چنانچه دانش‌آموزان و معلمان به‌صورت گروهی به تماشای این مسابقات بپردازند، خود

یک کلاس درس و آموزش عملی مناسب است و جاذبه‌ی گروهی این ورزش بیشتر درک

می‌شود اما اگر به‌صورت طرف‌داری متعصبانه از تیم‌ها با توجه به رنگ‌های مورد علاقه

پیش رود، به مشاجرات لفظی دسته‌جمعی در میان دانش‌آموزان و حتی محله‌ها

کشیده می‌شود.

● از نظر شما چه آثاری در دبستان و میان کارکنان آن دارد؟

از نظر روحی شور و شوقی در میان دانش‌آموزان و

معلمان به‌وجود می‌آورد. در این



هر چه طول زمان فراغت

از تحصیل بیشتر باشد امکان فراموش کردن

مطالب آموخته شده بیشتر می‌شود و آموزگار می‌بایست

زمان بیشتری را برای یادآوری مطالب گذشته صرف کند و این باعث

به‌هم خوردن جدول زمان‌بندی ارائه‌ی مطالب در طول سال تحصیلی

می‌شود. این روند در پایه‌ی اول، دوم و سوم بیشتر مشهود است؛ چون دانش‌آموز

وابستگی بیشتری به معلم و اولیا دارد.

● توجه زیاد به فوتبال نسبت به سایر ورزش‌ها چه تبعاتی برای جامعه دارد؟

مسئلاً پرداختن به یک رشته‌ی ورزشی سبب می‌شود که همه‌ی نگاه‌ها و امکانات

ورزشی یک کشور به‌سوی فوتبال کشیده شود و نوعی فقر ورزشی در سایر رشته‌ها

به‌وجود آید. چه بسا بعضی رشته‌های ورزشی دیگر به‌انزوا و حتی فراموشی کشیده

شوند. در این میان توقع جامعه از ورزش فوتبال بالا می‌رود در حالی که نتایج

باشگاه‌های ما در سطح آسیا و جهان به‌صورت عکس است و این نوعی عدم

تناسب است.

غلامحسین جمال‌زاده

Takhteseah.blogfa.com



نارسایی در خواندن

در آموختن من به راهنمایی شفاهی و کلامی بسنده نکن

فاطمه صارمی



درسی است و شکست در برنامه‌های تحصیلی تا حد زیادی به سبب بی‌کفایتی در مهارت خواندن رخ می‌دهد. شایسته است آموزگاران این کاستی‌ها را دریابند و نسبت به رفع آن در دانش‌آموزان همت گمارند.

راهکارهایی برای حل مشکل:

* ردیابی با انگشت و یا نوک مداد به هنگام خواندن

* عجله نکردن هنگام خواندن، نداشتن تنش و تکانش اضافی هنگام خواندن؛ چون همین امر باعث حرکت کلمه از زیر چشم می‌شود.

* بلند خواندن هنگام نوشتن

* جلوی آینه ایستادن برای بیان کلمات، حروف و صداها

* خواندن فعالیت‌های مربوط به هر درس

* استفاده از کلمات هم‌معنی

* استفاده از کلمات هم‌خانواده که به یادگیری و پیشرفت دانش‌آموز در درس دیکته کمک می‌کند.

* استفاده از کلمات مخالف، کلمات جمع و... که باعث غنای گنجینه لغات کودک می‌شود.

* نوشتن کلمه همراه با خواندن جهت درک درست در روخوانی صحیح کلمه

* همراهی کردن با دانش‌آموز هنگام خواندن

* تشویق کلامی برای خوشایند شدن خواندن در امر یادگیری و بالا بردن حس اعتمادبه‌نفس در این نوع کودکان

هوش طبیعی قادر به خواندن نیست. این گروه از کودکان ممکن است واژه‌های بسیاری را بدانند و به راحتی آن‌ها را در مکالمه به کار گیرند اما قادر به درک و شناسایی نشانه‌های نوشتن یا چاپی نیستند. برخی از این کودکان حتی می‌توانند واژه‌ها را بخوانند اما مفهوم آن‌ها را نمی‌فهمند. این حالت را در اصطلاح «هایپرلکسی» می‌نامند. گاهی دشواری‌های خواندن این کودکان با مشکل هجی کردن همراه است. توانایی خواندن و هجی کردن با اینکه با هم ارتباط نزدیک دارند اما یکی نیستند و ممکن است هر کدام جداگانه وجود داشته باشد. گاهی به علت فشارهای محیطی و عدم درک اطرافیان از توانایی‌های خاص این دسته از کودکان، مشکلات روانی، عاطفی و رفتاری نیز به مشکلات آنان افزوده می‌شود.

کودکان نارساخوان اکثراً مشکلاتی در جهت‌یابی فضایی، تشخیص چپ و راست، توالی حروف و کلمات، هماهنگی بین چشم و دست، ارتباط بین اعضای بدن خود و دیگران یا بی‌میلی و انزجار از یادگیری خواندن دارند. تعداد پسران نارساخوان سه برابر بیشتر از دختران نارساخوان است.

کودکان باید یاد بگیرند بخوانند، برای اینکه بعدها بتوانند بخوانند که یاد بگیرند

خواندن وسیله‌ی اساسی و پایه برای مواد

مشکلات خواندن از اساسی‌ترین مشکلاتی است که کودکان با نارسایی‌های ویژه‌ی یادگیری با آن مواجه‌اند؛ زیرا کودکی که نمی‌تواند بخواند، شانس کمتری برای موفقیت در مدرسه دارد. خواندن مهارتی پیچیده است و مانند سایر مهارت‌ها، یادگیرنده با تمرین و ممارست در آن پیشرفت می‌کند.

در واقع، خواندن ادامه‌ی فرایند رشد تکلم و زبان است؛ بدین معنا که فعالیت خواندن از زمانی آغاز می‌شود که کودک اولین کلمات را برای بیان مقصود خود به کار می‌برد. در این هنگام، با دیدن شیء، کلمه یا نماد آن برایش تداعی می‌شود. مجموعه‌ای از صداها جایگزین اشیاء، تصاویر و مفاهیم آن‌ها می‌شود و پس از تجربه‌ی کافی در این زمینه و با آغاز سن مدرسه و برخورداری از آموزش‌های لازم مرحله‌ی ارتباط دادن کلمات یا صداها با نمادهای تصویری (کلمات نوشتاری) شروع می‌شود. بنابراین، پیش‌نیاز درست خواندن برخورداری از توانایی‌هایی چون شنوایی، ادراک شنوایی، حافظه‌ی شنوایی، بینایی، ادراک بینایی، حافظه‌ی بینایی و هماهنگی حرکات چشم برای دیدن حروف، کلمات و جملات و جهت آن‌ها، ادراک فضایی مناسب از حروف، کلمات، جملات و سازمان‌دهی زمان برای چگونگی آغاز و پایان متن و نیز تکلم است.

کودک نارساخوان یعنی کودکی که به‌رغم

بازیگری به نام صفر

کاربرد صفر در ریاضیات

بهبود قابخلو

است مانند تفریق $10 - 9$ این مشکل در اعدادی که به صورت ستونی یا زیر هم نوشته می‌شوند، بیشتر نمایان بوده و به عنوان چالشی بزرگ برای دانش‌آموزان مطرح است.

در این مثال اگر بخواهیم مسیر محاسباتی تفکر دانش‌آموزان را بیان کنیم، این گونه است: چون دانش‌آموز به عدد صفر نگاه کمیتی دارد، با خود می‌گوید: «این رقم چه باشد و چه نباشد هیچ ارزشی ندارد». پس، شکل این محاسبه این گونه در ذهن دانش‌آموز نقش می‌بندد: $10 - 9$ سپس دانش‌آموز با خود می‌گوید که «یک با یک که فرقی ندارد» و جواب نه از یک را به غلط، «۸» می‌نویسد. شاید این سرآغازی باشد بر اینکه دانش‌آموزان در تفریق عامل دوم از اول یعنی «نه از یک» را «یک از نه» درک کنند. بنابراین، در تشخیص و جایگاه آن‌ها نیز دچار مشکل می‌شوند.

سومین کاربرد صفر نگره‌داری یا افزایش ارزش عدد است. برای مثال، اگر صفر در سمت راست ۲ قرار گیرد، بیست می‌شود و ارزش آن را بالا می‌برد.

این نکته را باید در نظر داشت که وقتی ما می‌گوییم $10/000$ و می‌نویسیم یک هزار در واقع فقط مکان یک هزار را می‌خوانیم نه صفرها را. بنابراین، اینکه بعضی‌ها می‌گویند هزار عددی است که سه صفر دارد غلط مصطلح است.

چهارمین کاربرد صفر به عنوان شروع‌کننده در خواندن، شمارش و اندازه‌گیری در اعداد است. در اعداد طبیعی شمارش از یک می‌باشد. این مقوله در ریاضیات قبل



عضو باشد، این مفهوم صادق است. «هیچ» در مورد کمیت‌هاست که در شمارش مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثلاً در صفحه‌ی ۶۲ پایه‌ی اول و در شکل آخر، صفر در معنای هیچ و ارزش کمیتی به آن داده شده است. در این جایگاه صفر عددی است که دانش‌آموز هیچ‌گونه کمیتی برای آن قائل نیست.

«میانجی بودن» دومین کاربرد صفر است. در این نقش، صفر بین دو عدد یا دو رقم پیوند برقرار می‌کند. شاید بارها با تفریق یا جمع‌هایی مواجه شده‌اید که صفر دارند و محاسبه‌ی آن‌ها برای دانش‌آموزان مشکل

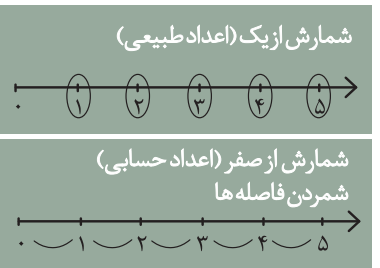
اشاره

با استقرار نظام ۳-۳-۶، دوره‌ی ابتدایی با تغییرات زیادی مواجه شده است. از جمله‌ی این تغییرات، محتوای کتاب‌هاست که بیش از همه قابل رویت است. کتاب ریاضیات به‌عنوان یکی از حوزه‌های برنامه‌ی درسی اوج تغییرات است. یکی از مفاهیم اصلی در این کتاب‌ها اعداد می‌باشد. در بین اعداد «صفر» عددی است که نقش‌های زیادی بازی می‌کند و آموزگاران در تدریس آن باید اهتمام بیشتری بورزند. تحقیقات و تجربه‌های بی‌شمار گواه این حقیقت است که دانش‌آموزان در اعدادی که در آن‌ها صفر وجود دارد، در مفاهیم جمع و تفریق، ضرب و تقسیم، اندازه‌گیری و غیره دچار اشکالات فراوانی می‌شوند. یکی از دلایل اساسی این ضعف، عدم شناخت کامل نسبت به جایگاه و کاربرد صفر در ریاضیات است که باعث بسیاری از بدفهمی‌ها شده است. در کتاب‌های ریاضی جدید، نقش عدد «صفر» بسیار پُر اهمیت است و کمتر موردی می‌توان یافت که صفر در آن نقشی نداشته باشد. این بدان دلیل است که صفر در هر جا که قرار می‌گیرد نقشی متفاوت می‌پذیرد. مانند صفر اگر در سمت راست عددی قرار گیرد عدد حاصل، 10 می‌شود و در سمت چپ «یک» بی‌اثر و در زیر آن به معنی فاکتوریل (۱!) است.

کاربردهای صفر

کاربردهای صفر در ریاضیات ابتدایی به قرار زیرند: اولین کاربرد آن مفهوم هیچ و تهی است. مفهوم «تهی» در مجموعه‌هاست، یعنی در واقع وقتی مجموعه‌ای خالی از

مشهود بود. به همین دلیل، اکثر بزرگسالان و دانش‌آموزان در اندازه‌گیری، مخصوصاً در واحد طول، اشتباه می‌کنند. دلیل آن محسوب نشدن فاصله بین صفر و یک در شمارش است. با ورود اعداد حسابی در ریاضیات جدید، نقطه‌ی آغاز شمارش از صفر است؛ مانند صفحه‌ی ۲۵ پایه‌ی دوم قسمت تمرین، شماره‌ی یک. این دو محور گویای چهارمین کاربرد صفر است.



از جمله کاربردها و سایل این مقوله در خط‌کش‌ها و محور اعداد است. آموزگاران حتماً با دانش‌آموزانی برخورد کرده‌اند که در شمارش و اندازه‌گیری از طریق خط‌کش با چه مشکلاتی مواجه هستند. بزرگسالان نیز گاهی در هنگام

استفاده و اندازه‌گیری از طریق متر در منزل نیز نمی‌توانند اندازه‌گیری دقیقی داشته باشند. پنجمین کاربرد صفر در تبدیل کمیت‌ها و واحدهاست. مانند تبدیل ریال به تومان و برعکس، اعداد مرکب در گفتن ساعت و زمان. همه‌ی افراد و همکاران به این نکته باور دارند که افراد بزرگسال در نوشتن مبلغ چک‌ها مشکل دارند. برای دانش‌آموزان نیز تبدیل واحدهای طولی، مانند تبدیل متر به میلی‌متر، سانتی‌متر، کیلومتر و غیره کاری بس دشوار است و بیشتر آن‌ها این اختلال را دارند. مثلاً در صفحه‌ی ۲۵ پایه‌ی سوم تبدیل ریال به تومان و واحد دیگر پولی مصداق این موضوع

ریال (۰)	تومان
۳۰۰	۳۰
۲۹۰	۲۹

است. برای آموزش پیشنهاد می‌شود یک کاغذ A۴ را از وسط تا کنید و در یک قسمت تومان و در قسمت دیگر ریال را همراه با صفر بنویسید.

سپس با هر بار تا و باز کردن آن تبدیل این دو واحد را به یکدیگر نشان دهید. در هر بار تا کردن نقش صفر را متذکر شوید.

ششمین کاربرد صفر زوج‌ساز بودن این عدد است. مانند کتاب پایه‌ی دوم، صفحه‌ی ۱۳۱. از جمله کاربردهای دیگر صفر در کتاب‌های جدید می‌توان به تقریب، بخش‌پذیری، درصد، ساختن اعداد، جداکننده‌ی اعداد مثبت و منفی، گسترده‌نویسی اعداد در جمع و تفریق، الگویابی، و محور مختصات اشاره کرد.

آنچه می‌توان گفت، ارزش قائل شدن برای صفر است. این عدد در ریاضیات ابتدایی هنرپیشه‌ای است که نقش‌های متفاوتی بازی می‌کند و در هر نقش یک جایگاه مکانی و کمیتی ویژه‌ای را به اعداد می‌دهد. نقش حساس آموزگاران در آموزش و تبیین این عدد بسیار حیاتی است. بنابراین، توجه ویژه به این عدد در آموزش ریاضی توسط آموزگاران ضروری به نظر می‌رسد.

در پایان، جدولی را مشاهده می‌کنید که برخی از فراوانی‌های عدد صفر را در پایه‌های اول، دوم، سوم و ششم اشاره دارد.

جدول فراوانی عدد صفر بر اساس صفحات در پایه‌ها									
پایه	هیچ و تهی	میانجی	نگه‌دارنده یا افزایش‌دهنده	شروع‌کننده	زوج‌ساز	مرزبندی بین اعداد	ساختن اعداد دیگر	تبدیل‌کننده	محاسبات
اول	صفحه‌ی ۶۲		۸۸	۱۵۸-۱۰۸ ۱۲۲-۱۵۷ ۱۱۹-۱۳۳-۱۳۰			۱۲۸-۱۳۵ ۲۶-۱۳۶		۹۴-۹۳
دوم	-	۳۱-۳۵ ۶۷-۶۸ ۹۶	۱۰۱-۹۱-۹۴	۱۰-۱۲-۲۵ ۲۱-۲۰-۸۴ ۱۰۴	۱۳۱	۲۵ بین اعداد حسابی و طبیعی	۶۹-۵۸-۵۹ ۹۴-۹۵-۶۷ ۹۰-۸۶	۸۲-۵۵-۵۷ ۸۳-۸۵-۶۱ ۱۱۰-۱۲۴	۲۳-۲۶-۱۲ ۲۸-۲۹-۲۶ ۱۰۴-۳۲-۶۴ ۱۰۷-۹۵
سوم	-	۱۰۰ ۱۰۱ ۱۰۲	۳۵-۳۳-۳۱	۳۴-۴۹-۸-۱۶ ۴۶-۱۳۱-۳۷	-	۳۶	۳۴-۶۲-۳۱ ۳۹-۲۳-۲۸ ۳۱	۳۳-۳۵ ۳۴-۱۰۵ ۲۸-۲۹-۳۲ ۳۹-۱۰۶ ۱۰-۹	۳۱-۱۰۶ ۱۱۴-۱۳۷ ۱۳۶-۲۶-۳۳ ۱۰۹
ششم	-	۵۶-۴۰ ۵۹	۵۶-۴۰	۳۶-۳-۴-۱۲ ۶۲-۶۳-۲۶ ۱۲۴-۱۵۶-۴۵	-	۲۳-۱۵۳ ۱۵۴-۱۵۵	۲۳-۴۰ ۴۴-۹۶-۷ ۹۹-۱۵۵ ۹۸	۹۷-۲۲-۳۸ ۹۹-۴۴-۹۶ ۹۷	۱۲-۲۴-۲۵ ۳۸-۲۷-۲۹ ۱۵۵-۱۵۹-۳۷

بودن یا نبودن... بررسی یک نظرسنجی درباره‌ی ارزش‌یابی توصیفی



اشاره

اواخر سال ۱۳۹۲ وب‌نوشت علیرضا پناهی را دیدیم. او به ابتکار خود و البته با دریافت نظرات همکاران به ارزیابی لزوم وجود یا نبود طرح ارزش‌یابی توصیفی دست زده بود. از آنجا که میان آموزگاران در زمینه‌ی این طرح حرف و حدیث بسیار است از مدیر وب‌نوشت «مغان آراز» خواستیم تا نتایج نظرسنجی خود را برای ما بفرستند. از بهمن قره‌داغی، کارشناس ارزش‌یابی توصیفی هم درخواست کردیم با توجه به این نتایج نظر خود را بگوید. پس از مطالعه شما هم می‌توانید نظرات مکتوب خود را به نشانی ما ارسال فرمایید. پناهی می‌گوید از چند ماه پیش این نظرسنجی را در وب‌نوشت خود قرار داده است. نمودار نشان می‌دهد از حدود ۱۰۰۰ شرکت‌کننده، ۷۵ درصد با حذف طرح ارزش‌یابی توصیفی موافق‌اند.

نظرات کاربران در مورد این طرح

۱. ارزش‌یابی توصیفی به بهبود روش‌های آموزشی منجر می‌شود و همین‌طور از شاخص شدن عده‌ای و سرکوب استعدادها بقیه در کلاس درس جلوگیری می‌شود.
۲. طرح توصیفی روزگاری مطرح شده و الان هم بدون هیچ به‌روز رسانی‌ای در حال اجراست.
۳. شاید خیلی‌ها همه چیز را به گردن ارزش‌یابی توصیفی بیندازند. ما فقط یک «نمره» را از دست داده‌ایم که اگر کمی زنگ باشیم جای آن را به امتیاز می‌دهیم و درباره‌ی بچه‌ها سختگیری می‌کنیم ولی در عوض چیزهای زیادی به دست آورده‌ایم.
۴. رواج دادن بیش از حد کاغذبازی است؛ به طوری که معلمان فقط باید برگه پر کنند.
۵. من حدود ۴۰ دانش‌آموز دارم. اگر بخواهم هر کدام از ابزارهای ارزش‌یابی توصیفی را در کلاس به کار ببرم، کلی هزینه و وقت می‌برد و من معلم فقط باید کاغذ بنویسم.
۶. متأسفانه مجریان این طرح آن را درست اجرا نمی‌کنند و گرنه طرح خوبی است.
۷. به نظر من مشکل ما معلمان شیوه‌ی ارزش‌یابی نیست بلکه اجرای آن



- است. ماهیت طرح توصیفی مخصوصاً برای پایه‌های اول تا سوم مناسب است.
۸. انگار در این طرح همه ما باور کرده‌ایم که تکرار پایه وجود ندارد؛ اولیا، خودمان به‌عنوان معلم و حتی مسئولان. طرح جدید آمده است ولی دانش‌آموزان همان دانش‌آموزان‌اند. مگر می‌شود در طرح قدیم مردودی باشد و اکنون تکرار پایه نباشد؟ متأسفانه همه‌ی ما می‌دانیم چنان فشاری از طرف اداره و بعضی مدیران مدارس وجود دارد که حتماً صددرصد قبولی باشد. به این ترتیب، نتیجه بی‌سوادی بچه‌ها در پایه‌های بالاتر است.
 ۹. اگر این همه انرژی و هزینه‌ی طرح ارزش‌یابی صرف آموزش و یادگیری بچه‌ها و ارتقای معلمان و حتی اولیا می‌شد، بهتر بود.
 ۱۰. آیا اگر این همه دغدغه‌ی پیاده کردن ارزش‌یابی توصیفی را صرف دانش‌آموزان ضعیفی که ضعفشان ممکن است به هزاران دلیل باشد می‌کردیم، بهتر نتیجه نمی‌گرفتیم؟ البته من قصد رد یا تأیید این طرح را ندارم ولی این را می‌دانیم که چیزهای مهم دیگری هم هست.
 ۱۱. تا حالا چند ساعت ضمن خدمت برای آشنایی با اختلالات رفتاری، چگونگی حل مشکلات درسی و رفتاری دانش‌آموزان، روش‌های نوین تدریس، کلاس‌های هوشمند و فناوری آموزشی اختصاص داده شده است؟ قبول کنیم خیلی ناچیز، ولی همه را فدای ارزش‌یابی توصیفی کردیم. مگر ما چقدر انرژی، وقت، انگیزه، تجربه و امکانات داریم؟
 ۱۲. فکر نمی‌کنم ارزش‌یابی توصیفی این قدر مهم باشد که برایش این همه انرژی و وقت گذاشتیم. چرا که هر معلمی بعد از گذشت حداقل دو ماه تشخیص می‌دهد کدام دانش‌آموز استحقاق پایه‌ی بالاتر را دارد و کدام نه. مهم این است که من معلم برای دانش‌آموزانی که استحقاق رفتن به پایه‌ی بالاتر را ندارد، تا قبل از پایان سال قرار است چه کاری انجام دهم که ضعفشان جبران شود. من با ۳۱ دانش‌آموز آن قدر مشغولیت ذهنی و مسائل زندگی دارم که نمی‌توانم به این طرح به‌طور کامل بپردازم.
 ۱۳. به نظر من این طرح را هر کسی می‌تواند در حد و توانایی خودش اجرا کند.
 ۱۴. من به‌عنوان معلمی که مایلیم علمم به روز باشد آرزو دارم این طرح برداشته شود و همان نظام قدیم بیاید. هر روز با مطالعه به سر کلاس می‌روم و تلاشم را برای بهتر شدن می‌کنم ولی با وجود ۳۵ دانش‌آموز فقط



وقت می‌کنم درسی بدهم و خیلی که هنرمند باشم، گاهی از دو تا سه نفر درس بپرسم.

۱۵. به بچه‌های ضعیف اصلاً رسیدگی نمی‌شود کرد. درمانده شده‌ام و در خانه وقت زیادی (لااقل روزی چهار ساعت) صرف کارهای مدرسه می‌کنم. شاگردی دارم که حتی نمی‌تواند کلمه‌ی «آب» را بنویسد، او را قبول کرده‌اند و به کلاس سوم آمده است. مدیر می‌گوید: «او را قبول کن و برایش بنویس قابل قبول».

۱۶. اصل طرح ارزش‌یابی توصیفی خوب است ولی امکانات اجرای آن فراهم نشده و عملی کردن آن برای سیستم آموزشی ما با این تراکم دانش‌آموز و مدارس چندپایه، سخت است. به هر حال، تا اراده و انگیزه در بین معلمان نباشد این طرح و طرح‌های مشابه زیاد مورد توجه قرار نمی‌گیرند. ۱۷. هم معلم سرگردان است و هم دانش‌آموز.

۱۸. به نظر بنده حس رقابت و انگیزه‌ی تلاش در بچه‌ها از بین رفته است. ۱۹. سرنوشت طرح‌ها به دست مجریان رقم می‌خورد نه طراحان. ارزش‌یابی توصیفی از طرح‌هایی است که به دست مجریان تلف شده است. باید به داد آن رسید. ارزش‌یابی پایان راه نیست که با یک نمره تمام شود بلکه آغازی است برای اصلاح خطاهای دانش‌آموز و معلم و نظام آموزشی؛ حال هر اسمی که می‌خواهد داشته باشد.

کنم:

چندی پیش در جلسه‌ای، ۵۳ نفر از مدیران یکی از مناطق تهران حضور داشتند. من برای ارائه‌ی موضوعی با عنوان «کاربست ارزش‌یابی کیفی-توصیفی در کلاس» رفته بودم. ابتدا مقدمه‌ای را ذکر کردم و اعتماد مخاطبانم را به خود جلب کردم، سپس خواستم نظر خود را در مورد بودن یا نبودن ارزش‌یابی کیفی-توصیفی بیان کنند. جالب بود! به جز دو نفر، بقیه راضی بودند که به شیوه‌ی سنجش یادگیری سنتی و نمره‌ای برگردیم. سپس اجازه خواستم تا مطالبم را ارائه کنم و بعد از حدود دو و نیم ساعت جلسه تمام شد. من مجدداً نظرسنجی آغازین را تکرار کردم، باور نمی‌کنید تنها یک نفر مخالف توصیفی در آن ماند، که او هم دلایل شخصی بیان می‌کرد. می‌خواهم بگویم در این چند سال گذشته، ما به جای تلاش در جهت استقرار درست ارزش‌یابی کیفی-توصیفی متناسب با اهداف، تنها و تنها در جهت حفظ آن کوشش کرده‌ایم.

باید دانست که ارزش‌یابی کیفی-توصیفی یعنی بازخورد توصیفی و نه هیچ چیز دیگر. چرا که امروزه برخلاف ارزش‌یابی سنتی، که معلم واکنش خود را در مقابل عملکرد دانش‌آموزان با بازخوردهای نمره‌ای (۰ تا ۲۰) نشان می‌داد، یعنی همان بازخوردهایی که نمی‌توانستند گزارش توصیفی قابل درکی از وضعیت پیشرفت دانش‌آموز ارائه دهند، یعنی نمی‌توانستند مشخص کنند که دانش‌آموز واقعاً چه دانشی را فراگرفته یا موفق به اجرای چه مهارتی شده است، چه فعالیت‌ها و تکلیف‌هایی را باید اجرا کند و در نهایت گام بعدی او در مسیر یادگیری چیست؟ از بازخورد توصیفی استفاده می‌کنند.

بازخورد که در بسیاری از علوم فیزیکی و اجتماعی مفهوم زیربنایی دارد و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، در فرایند بازیابی اطلاعات نیز عنصری بسیار اساسی در تسهیل ارتباط بین استفاده‌کنندگان و نظام‌های بازیابی اطلاعات محسوب می‌شود.

اگر یکی از هدف‌های فرایند نظام آموزشی را ایجاد تغییر در ساختار شناختی و فرایندهای ذهنی (سیف، ۱۳۸۷) یادگیرندگان بدانیم، بدان

چه عواملی باعث شده است طرح به خوبی پیش نرود؟

پناهی با در کنار هم قرار دادن نظرات به نتایج زیر در ارتباط با عوامل مختل‌کننده‌ی طرح ارزش‌یابی توصیفی رسیده است:

۱. آماده نکردن زیرساخت‌های لازم مثل تراکم دانش‌آموزی، مبلمان آموزشی و محتوای درسی
۲. عدم آموزش صحیح معلمان و نیمه‌کاره رها کردن آموزش‌های ضمن خدمت (این دوره‌ها فقط تا پایه‌ی سوم اجرا شدند)
۳. نبود توافق نظر میان استادان در ارائه‌ی روش‌ها و ابزارها و در نتیجه سردرگمی معلمان (جالب است که امسال در چهار کلاس متفاوت آزمون عملکردی شرکت کردم و هر استادی یک چیز می‌گفت و نظر استاد قبلی را رد می‌کرد)

۴. نظرات ناصحیح بر اجرای طرح برای برطرف کردن نقص‌های کار
۵. نبود اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی لازم برای اولیا و بی‌سوادی و کم‌سوادی آن‌ها به‌عنوان یکی از ارزش‌یابی‌کنندگان دانش‌آموزان
۶. عدم ارائه‌ی بازخوردهای مناسب از جانب معلمان و بسنده کردن اغلب آنان به ثبت مقیاس‌هایی مثل خوب، قابل قبول و...
۷. بی‌توجهی اولیا و دانش‌آموزان به بازخوردهای آموزگاران (در صورت ارائه؛ مثال: من از دانش‌آموزم خواستم برای تقویت ضرب هر شب دو تمرین انجام دهد و از جانب اولیا هم نظرات شود اما...)
۸. وجود انواع طرح‌ها و اجرای ناقص هر کدام به جای تمرکز بر دو تا سه طرح به‌صورت کامل و در نتیجه دل‌زدگی و خستگی اغلب معلمان.

بهمن قره‌داغی: تعجب نکردم!

هرگز از درصدهای اخذ شده تعجب نکردم. بد نیست خاطره‌ای را عرض



ارزش‌یابی کیفی-توصیفی یعنی بازخورد توصیفی و نه هیچ چیز دیگر

گونه که دانش آموز بتواند آنچه را در یک موقعیت فرا گرفته است، در موقعیت متفاوت دیگری به کار گیرد، توان انتقال و کاربست آن آموخته‌ها را داشته باشد. این خواسته ممکن نمی‌شود مگر یادگیرنده در فرایند آموزش به صورت پیوسته و هدفمند بازخوردهای دقیق، متناسب و کاملی را دریافت کند تا بر آن اساس به خوبی از روند تلاش، پیشرفت و موفقیت‌های خود آگاه شود و در مهندسی جریان یادگیری، جایگاه خود را به خوبی درک کرده و فعالیت‌های خود را بر اساس نقش مؤثری که در سرنوشت خود ایفا می‌نماید، مدیریت کند. برای مثال، بازخوردهای عددی از ظرفیت لازم برای ایجاد شرایط ذکر شده ناتوانند و فقط بیانگر این نکته هستند که مشکلاتی در دستیابی دانش‌آموزان به اهداف وجود دارد اما درباره‌ی اینکه مشکلات کجا، در چه افرادی و چرا وجود دارند، سکوت می‌کنند.

بازخورد بازگشت دادن نتیجه‌ی عملکردهای دانش‌آموزان توسط محیط (معلم-فراگیرندگان و خودفراگیرنده) به وی می‌باشد. در واقع، فعالیت‌هایی است که جریان یادگیری را در کلاس تعمیق می‌بخشد و فعالیت ارزش‌یابی را در مسیر جریان یاددهی-یادگیری گسترش می‌دهد. بازخورد توصیفی عبارت است از انعکاس یا ارائه یا عرضه‌ی نظر و عکس‌العمل یا نظر و واکنش معلم نسبت به وضعیت یادگیری دانش‌آموز که به شکل کتبی و شفاهی (کلامی) شامل صحبت‌ها و جمله‌های توصیفی منظوم و منثور معلم که در هر مرحله از فرایند یاددهی-یادگیری از آن‌ها استفاده می‌شود. به واقع، همان داورهای شناختی، فرانشناختی و عاطفی معلم است که دانش‌آموز با دریافت به هنگام آن‌ها، اطلاعاتی در خصوص میزان پیشرفت و موقعیت خود به دست می‌آورد و در جهت بهبود عملکرد خویش از آن‌ها یاری می‌گیرد.^۱ مقیاس‌های فاصله‌ای ۰ تا ۲۰ و مقیاس‌های رتبه‌ای خیلی خوب، خوب، قابل قبول و نیاز به تلاش و آموزش بیشتر، مبهم و کلی هستند و نمی‌توانند قوت‌ها و ضعف‌ها را بیان کنند. لذا بازخورد مناسب بازخوردی است که ضمن توصیفی بودن، خودمرجعی بودن، قابل فهم و درک بودن و تمرکز بر خودنظم‌بخشی داشتن،

باید به این سه پرسش مهم، یعنی: دانش‌آموز قرار است کجا برود؟ چگونه برود؟ و گام مناسب بعدی، چیست؟^۲ پاسخ‌گو باشد. به عبارت دیگر، معلم با بهره‌گیری از بازخوردهای توصیفی و توجه آگاهانه به راهبردهای زمان‌بازخورد (چه وقت ارائه شود؛ چند وقت یک‌بار ارائه شود)، مقدار بازخورد (چه مقدار نکات در بازخورد گنجانده شود. هر یک از نکات چه مقدار توضیح داده شود)، شیوه و نوع بازخورد (شفاهی، کتبی، شفاهی کتبی) و تفاوت‌های فردی مخاطب قصد دارد:

○ فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان را در مسیر انتظارات آموزشی قرار دهد.
○ ضمن پرورش اعتمادبه‌نفس، عزت نفس و خودپنداره‌ی مثبت، بین نیازهای یادگیری دانش‌آموزان و انتظارات آموزشی انطباق و سازگاری ایجاد کند.

○ توجه دانش‌آموزان را به سوی اهداف یادگیری سوق دهد.

به‌عنوان نمونه، آموزگاری به دانش‌آموزان کلاس دوم املای تقریری می‌گوید. سپس از آن‌ها می‌خواهد که هر کس املای خود را با بغل دستی یا پشت سری اش عوض کند و با کمک کتاب آن را تصحیح کند. بعد از تصحیح املای به‌وسیله‌ی هم‌سالان مشخص می‌شود که عموماً دانش‌آموزان در درست‌نویسی «س» یا «ه» مشکل دارند؛ یعنی در نوشتن صدای «س» در انتهای واژه دچار مشکل‌اند. در نتیجه واژه‌های «دیدن-نام»، «را-دیدنه-نامه» و برعکس واژه‌های «نامه-رفته» را به صورت «نام-رفت» می‌نویسند.

معلم برای بهبود یادگیری این نوع کلمات با یاری گرفتن از بازخورد شفاهی گروهی به آن‌ها خواهد گفت که پیشرفت شما در درست‌نویسی بسیار خوب بوده است. شما در مدت کمی یاد گرفته‌اید که خیلی از کلمات را درست بنویسید اما برای درست نوشتن برخی کلمات لازم است امروز کمی تمرین کنیم. او در ادامه با لحنی خوب و صمیمی از دانش‌آموزان می‌خواهد که به او گوش کنند. سپس ادامه می‌دهد: بچه‌ها، ببینید من برای شما واژه‌هایی را نام می‌برم. بعضی از این واژه‌ها طوری هستند که شما پس از شنیدن آن‌ها منتظر واژه‌ی دیگری نمی‌مانید. مثلاً وقتی می‌گویم «نامه»، خامه، خانه، شانه» شما متوجه می‌شوید که

اسامی چیزهایی را گفته‌ام اما گاهی واژه‌هایی را می‌گویم ولی شما منتظر می‌مانید که ادامه دهم. زیرا آن واژه‌ها به‌تنهایی مقصود مرا به شما نمی‌رسانند. مثلاً: مداد، قندان، کفش، کلاس، دانش‌آموز و... در این گونه واژه‌ها شما منتظرید که من ادامه دهم. مثلاً بگویم مداد حسن یا قندان سفید، کفش قرمز یا دانش‌آموز خوب.

حالا این دو دسته واژه‌ها را مخلوط به کار می‌برم. هر وقت بعد از گفتن واژه‌ام، منتظر واژه‌ی دیگری بمانید، دست‌هایتان را بالا ببرید و اگر نیاز نبود که منتظر واژه‌ی دیگری بمانید، دست‌هایتان پایین باشد. حالا واژه‌ها را می‌گویم: کلاس، معلم، مدیر، زن، ساده، خامه، دانه، رنگ، چاله و... یا روی عملکرد برخی از دانش‌آموزانی که او نیاز می‌بیند از بازخورد توصیفی کتبی یاری بگیرد می‌نویسد:

○ ...چقدر املای امروزت را خوب نوشته‌ای. برای اینکه املای بعدی شما بهتر و بهتر باشه، کتاب فارسی را نگاه کن و واژه‌هایی که در آن‌ها، نشانه «ه یا ه» هست پیدا کن و در دفتر مشقت بنویس.

○ ...من از روان خوانی شما لذت می‌برم، مجله‌ی مناسبی را انتخاب کن و برای یکی از اعضای خانواده بخوان. هر واژه‌ای که موقع خواندن به نشانه‌ی «س» نیاز دارد دور آن خط بکش و با مداد قرمز در جای مناسب آن نشانه را بنویس.

○ ...هر جلسه بهتر از جلسه قبلی می‌نویسی. برای بهتر شدن با این عبارت‌ها (خواهر آزاده، خواب خوش، خوش‌آواز، خوش‌مزه، دانه جو) هر جمله‌ای که دوست داری بنویس و آن‌ها را برای پدر و مادرت یا دوستانت بخوان.

○ ...از مشاهده‌ی پیشرفت شما لذت می‌برم. حالا در جای مناسب «س» را با مداد رنگی اضافه کن و بخوان. در باغ، گل زیبا، خواب خوش.

پی‌نوشت

۱. قره‌داغی، بهمن (۱۳۸۸). بهبود یادگیری با آزمون‌های مداد کاغذی، ص ۱۱۸.
۲. رستگار، طاهره (۱۳۸۹). ارزش‌یابی توصیفی یعنی بازخورد مؤثر، ص ۸.
۳. قره‌داغی، بهمن (۱۳۹۱). تقویت مهارت املانویسی با بازخورد توصیفی به نقل از مصطفی تبریزی، (۱۳۸۹). درمان اختلالات دیکته‌نویسی، ص ۱۰۶.

فوت و فن تماشا

نکته‌هایی برای ارائه‌ی بهتر فیلم آموزشی در کلاس

محمدحسین صفایی

اشاره

نیاز به آشنایی با برنامه‌ها و فیلم‌های آموزشی در دبستان‌ها روز به روز بیشتر می‌شود. بنابراین، در سال گذشته و از شماره‌ی ۴، لوح‌های فشرده‌ای با مباحث آموزشی، عمومی و فرح‌بخش همراه مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی توزیع شد. این نیاز هم‌چنین ایجاب می‌کند که آموزگاران محترم با کاربرد نسبی فیلم‌ها، نرم‌افزارها و شناخت سخت‌افزارها یا مطالعه‌ی متونی در این زمینه اطلاعات عملی و مهارتی خود را در کلاس‌ها افزون کنند و از فناوری آموزشی بهره‌ی کافی ببرند. بنابراین، در این صفحه به مقاله‌ی کوتاهی که محمدحسین صفایی در باره‌ی ارائه‌ی بهتر فیلم آموزشی تهیه کرده است، توجه فرمایید.

ارائه‌ی بهتر فیلم آموزشی در کلاس

فیلم متحرک رسانه‌ی پیچیده و بی‌مانندی است؛ زیرا سه اصل نمایش یعنی «حرکت»، «صدا» و «تصویر حقیقی» را دارد. وقتی این اجزای لازم برای ارتباط مؤثر با مهارت کافی، توسط یک تهیه‌کننده‌ی خلاق و ورزیده در هم آمیخته می‌شوند، آن وقت بینندگان چنان با احساس به آن جواب می‌دهند که گویی به جای تماشای فیلم یک موقعیت حقیقی را تجربه کرده‌اند. فیلم‌ها بیش از هر رسانه‌ی دیگر با نمایش موارد غیرقابل دسترس، غیرقابل دیدن و یا شنیدن، یا دوباره زنده کردن وقایع تاریخی گذشته می‌توانند ادراکات بشری را گسترش دهند. اما باید این حقیقت را در نظر داشته باشیم که بسیاری از دانش‌آموزان ممکن است تجربه‌ی کافی برای توجیه آنچه در یک فیلم و تقریباً به طور سریع می‌بینند، نداشته باشند. باید توجه داشته باشیم که جای خالی نکاتی را که توسط چشم‌ها، گوش‌ها و حافظه‌های آموزش‌نندیده درک نشده‌اند، پُر کنیم. برخی از دانش‌آموزان ممکن است این نوع رسانه را در مجموع وسیله‌ای برای تفریح یا سرگرمی بدانند و به آن توجه جدی نکنند. برای مقابله با این برداشت‌ها می‌توان اقدامات زیر را در نظر گرفت:

۱. بازگویی انتظارات یادگیری یا چگونگی ارزش‌یابی از فیلم به شاگردان گفته شود، میزان یادگیری قسمت‌های مورد تأکید بیشتر است. با وجود این،



تأکید بیش از حد بر این تکنیک کشش دانش‌آموزان را به یادگیری از طریق فیلم کاهش خواهد داد.

۲. توضیح مفاهیم تخصصی و ناآشنای فیلم: معلم باید مفاهیم ناآشنای فیلم را برای دانش‌آموزان توضیح داده و نتایج به‌دست‌آمده از تماشای فیلم را پیش‌بینی کند.

۳. بیان هدف و منظور از نمایش فیلم: با مقدمه‌ای شفاهی بر محتوای فیلم، بیان هدف و منظور فیلم، اهمیت نمایش آن و اینکه این مطالب چگونه با آنچه دانش‌آموزان فرا گرفته‌اند یا فرا خواهند گرفت ارتباط دارد، می‌توان میزان یادگیری آنان را افزایش داد.

۴. تأکید بر قسمت‌هایی از فیلم با طرح سؤالات از پیش تعیین‌شده: مطرح کردن سؤالاتی که توجه دانش‌آموزان را به نکات خاصی از فیلم جلب می‌کند ما را به اهداف مورد نظر نزدیک‌تر خواهد کرد.

۵. همراه بودن با دانش‌آموزان و توجه به عکس‌العمل‌های آنان در هنگام نمایش فیلم: معلم باید در تماشای فیلم و توجه به محتوای آن با دانش‌آموزان همراه باشد. خروج معلم از کلاس در حین نمایش فیلم باعث بی‌توجهی دانش‌آموزان به فیلم و از دست رفتن محتوای آن خواهد شد.

۶. ارزش‌یابی محتوای فیلم بعد از نمایش آن: باید توجه داشت که یادگیری دانش‌آموزان را از محتوای فیلم ارزش‌یابی کنیم و در عین حال فضای بسیاری را برای برداشت‌ها و تعبیرات خلاقانه‌ی آنان از طریق پرسش‌های واگرا باز بگذاریم.

مهم‌ترین نکته این است که دانش‌آموزان یاد بگیرند چگونه محتوای این‌گونه برنامه‌ها و فیلم‌های آموزشی را منتقدانه و موشکافانه مشاهده و بررسی کنند.

فهمیده‌دهقان

برانگیختن نبوغ کودکان در کلاس درس

نویسنده: توماس آرمسترانگ
مترجم: دکتر حسن قاسم‌زاده
ناشر: نشر دنیای نو (۲۵۷۱-۶۶۴۰-۲۱-تهران)
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۲
قیمت: ۴۵۰۰ تومان



در بخشی از این کتاب، خانه، مدرسه و رسانه‌های عمومی به‌عنوان عوامل از بین برنده‌ی نبوغ معرفی شده‌اند و در ادامه، دلایل آن به‌صورت مشروح بیان شده است. کتاب به سه بخش تقسیم و در هر یک مطالب راهبردی برای آموزگاران گنجانده شده است. در بخش پایانی کتاب، راهکارهایی ارائه می‌شود که به آموزگاران کمک می‌کند چگونه نبوغ کودکان را در کلاس برانگیزانند و در نهایت به یادگیری مؤثر دست پیدا کنند. مطالب کتاب در عین سادگی می‌توانند فضای کلاس را با شوق یادگیری بیامیزند و کودکان را به سمتی ببرند که به گفته‌ی نویسنده «شادی آموختن» را تجربه کنند.

همه‌ی دانش‌آموزان کلاس شما نابغه‌اند! فقط باید لایه‌هایی که روی نبوغ آن‌ها را گرفته است کنار زده شود تا دانش‌آموزان شما به خلاقیت در یادگیری برسند. با نگاهی گذرا به کتاب «برانگیختن نبوغ کودکان در کلاس درس» و با کمی دقت در رفتار دانش‌آموزان بارقه‌هایی از نبوغ را در آن‌ها می‌بینید که شاید تاکنون از آن غافل بوده‌اید. توماس آرمسترانگ، نویسنده‌ی کتاب، سعی دارد به آموزگاران بینشی ارائه کند که بگویید: «همه‌ی دانش‌آموزان نوابغی هستند که با کمی توجه و صرف زمان نبوغشان پدیدار می‌شود.»

نویسنده: فرحناز عاقل
(۰۹۱۲۸۴۳۲۳۱۰)
ناشر: نشر آبرون
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۲
قیمت: ۲۵۰۰ تومان

بازی با املا‌ی خوب



چند سالی است که معلمان دست به فعالیت‌های خلاقانه‌ی زده‌اند که نه تنها زنگ املا را از حالت خشک و امتحان پس‌دادن خارج می‌کند که شکل صحیح کلمات برای همیشه در ذهن دانش‌آموزان حک می‌شود. «بازی با املا‌ی خوب» یکی از کتاب‌های خوبی است که در آن فرحناز عاقل، ۶۵ روش را برای برگزاری زنگ املا به معلمان پیشنهاد داده است. یعنی دست معلم آن قدر باز است که بتواند بهترین استفاده را از این زنگ داشته باشد و در دانش‌آموزان رغبت همراهی با آموزگار را ایجاد کند. این کتاب مصور که در ۲۸ صفحه تألیف شده است، شامل دو بخش است. در قسمت اول «۶۵ روش ساده با ابزار در دسترس» گنجانده شده است و در بخش دوم و پایانی «۱۷ راهکار برای آشنایی با زبان فارسی و تقویت خواندن» آمده که هر یک برای حال و آینده‌ی دانش‌آموزان بسیار مفید است. نویسنده در مقدمه‌ی کتاب نوشته است: «کلیه‌ی این مطالب تجربه‌ی شخصی مؤلف می‌باشد که با تجربه‌ی سال‌ها آموزش در مقطع ابتدایی به دنبال راه حلی برای یادگیری راحت‌تر و نوشتن املا بوده است.»

از گذشته زنگ املا، زنگ امتحان مستمری بود که هر هفته برگزار می‌شد و همواره با اضطراب خاصی برای دانش‌آموزان همراه بود. صورت کار به این شکل بود که آموزگار درس‌های گذشته را با صدایی بلند و لحنی خشک می‌خواند و دانش‌آموزان (که در زنگ املا با فاصله می‌نشستند) آن را روی برگه‌هایی می‌نوشتند. در نهایت آموزگار برگه‌ها را تصحیح می‌کرد، غلط‌ها را می‌گرفت و قرار گذاشته می‌شد که از روی غلط‌ها ده بار بنویسیم! این تنها فعالیت برای تقویت املا و درست نوشتن بود. اما مسئله سال‌ها بعد نمود پیدا می‌کرد و دانش‌آموزان در مقاطع تحصیلی بالاتر و حتی در دانشگاه شکل صحیح بسیاری از لغات را از خاطر برده بودند. جذابیتی در کلاس وجود نداشت و فعالیت عمیقی هم صورت نمی‌گرفت.

برندگان مسابقه‌ی تلنگری برای تفکر

۱۳۹۲-۹۳

«تلنگری برای تفکر» یکی از بخش‌های شناخته‌شده‌ی مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی است و خوش بختیم که بگوییم استقبال از آن بسیار پرشور است. تعداد بالای پاسخ‌های رسیده به دفتر مجله نشان دهنده‌ی دقت نظر و نکته‌بینی همکاران گرامی در محتوای مجله است. سال تحصیلی گذشته نیز همچون پنج دوره‌ی قبل، مسابقه‌ی تلنگری برای تفکر در هشت شماره برگزار شد و بنابراین در این شماره اسامی برگزیدگان دوره‌ی ششم سال تحصیلی ۹۳-۹۲ را اعلام می‌داریم. همکاران عزیز در صورتی که تا پایان آبان‌ماه هدیه‌ی خود را دریافت نکردند با شماره ۰۲۱-۸۸۸۳۹۱۷۸ تماس بگیرند. همان‌طور که پیش‌تر نیز اعلام شده است نوشتن نام و نشانی دقیق، تلفن، کدپستی و حتی آدرس ایمیل، ما را در ارتباط دقیق‌تر با شما یاری خواهد کرد.

مسابقه‌ی ۱- مهرماه

۱. ملیحه محبوب‌زاده، فارس، لامرد
۲. اعظم ملکی، تهران
۳. سعیده طاهری، تبریز
۴. مرضیه آقاهادی، تهران
۵. مریم میرزایی دماوندیان، تهران

مسابقه‌ی ۲- آبان‌ماه

۱. علی فلاح آزادبني، مازندران، جویبار
۲. آرزینا ذاکرانی، قزوین
۳. اعظم جراحی اقدم، آذربایجان شرقی، آذرشهر
۴. یوسف بابازاده، آذربایجان غربی، شوط
۵. زهرا اسکندری، آذربایجان شرقی، مرند

مسابقه‌ی ۳- آذرماه

۱. اعظم نوجه‌دهیان، تهران
۲. ابوالفضل یوسفی ممقانی، آذربایجان شرقی، ممقان
۳. مهنوش قاندى جهرمی، جزیره کیش
۴. قاسم قاسمی فرد، مازندران، نکا
۵. حسین باقری، بوشهر، دوراهک

مسابقه‌ی ۴- دی‌ماه

۱. فاطمه الیاسی، اصفهان، شاهین شهر
۲. حمدالله قنبری، مرکزی، اراک
۳. سیما معزز، خراسان رضوی، کاشمر
۴. سیدمحمد فاطمی، اصفهان
۵. زهره باقری، مازندران، قائم‌شهر

مسابقه‌ی ۵- بهمن‌ماه

۱. زهرا داستان، اصفهان، مبارکه
۲. مهناز دوستی قیداری، زنجان، خدابنده

۳. صدیقه کابلی، گلستان، گرگان

۴. علیرضا عباسی، خراسان رضوی، خلیل‌آباد
۵. بیژن جمشیدی، اصفهان، فریدن

مسابقه‌ی ۶- اسفندماه

۱. مهدی کاظمی، اصفهان، شهرضا
۲. صدیقه گودرزی، لرستان، الیگودرز
۳. اکبر احمدیان باغبادرانی، اصفهان
۴. مرضیه امیدیان، ؟؟
۵. فرانک کیانی منش، اصفهان، فلاورجان

مسابقه‌ی ۷- فروردین‌ماه

۱. فریبا کوشکی، خراسان رضوی، سبزوار
۲. فاطمه سلطانی، مازندران، فریدون‌کنار
۳. علی نوروزی بناوندی، کرمان، زرنده
۴. توران کابلی قره‌تپه، مازندران، بهشهر
۵. محبوبه دهقان، لرستان، ازنا

مسابقه‌ی ۸- اردیبهشت‌ماه

۱. مهرداد خطیبی، خراسان رضوی، خوف
۲. فاطمه نذری، اصفهان
۳. سعید شایگان دوست، فارس، بوانات
۴. محمود ایزدی، فارس، خرامه
۵. سیدجعفر شاه‌نوری، مازندران، فریدون‌کنار

همراهان ما

«بررسی و چگونگی مداخله در ارزش‌یابی توصیفی ۵۰۴ دانش‌آموز...»

چهارمحل وبختیاری

مینا محمدی، شهرکرد، سی‌دی ارسالی شما آسیب دیده بود و باز نشد. لطف‌آسی‌دی‌ها را در بسته‌های مطمئن قرار دهید. بهترین راه این است که محتواهای الکترونیک را از طریق پیام‌نگار مجله به نشانی ebtedayi@roshdmag.ir بفرستید

خراسان

گلشوم دهقان اسدی، ناحیه‌ی یک مشهد، دبستان شهید مرادی، با «وبلاگ‌نویسی گامی در راه نویسندگی».

فاطمه خیرآبادی، سیما زعفرانیه، سبزوار، با «تدابیری که با آن‌ها می‌توان محیط کلاس و مدرسه را به فضایی جذاب مبدل ساخت».

خوزستان

نسرین وزین‌کوه، مدیر دبستان محدثه، ماهشهر، با مقاله‌ی «انواع روش‌های آموزش فعال».

عصمت عوض‌زاده توکلی، لیسانس آموزش ابتدایی، آبادان، با «باران اشک».

فاطمه صوفیان، رامشیر، دبستان ۵ آذر. «بی‌بی بانو در کلاس» را دیدیم. DVD متأسفانه باز نشد.

سیدعادل حسینی اصل

تهران

معصومه خیری، مقاله‌ی «راه‌های یادگیری» کامل نیست.

بدری آجیوندی‌زند، مقاله‌ی «اهمیت تعلیم و تربیت» بدون منابع است، دبستان باقرالعلوم (ع) منطقه‌ی ۱۴ تهران.

علی برجیسیان، شفیقه داوری، دبستان شهدای تاکسیرانی، منطقه‌ی ۱۴ تهران، با «مدرسه‌ی کارآمد و شاد». مطالب شبیه به هم و خارج از چارچوب مجله است.

حلیمه جاذبی، بهناز کامیاب، دبستان استثنایی مفید، دبستان باقرالعلوم، منطقه‌ی ۱۴ تهران. مقاله‌ی شما درباره‌ی اُتیسزم در کارشناسی مجله غیرقابل استفاده عنوان شد.

سعید محسن‌پور، معصومه میکائیلی، ریحانه کاظمی، آرزو هاشم‌زاده، هما فالاح، فریبا نوروزی، زهرابراتی، فاطمه خیری پیله‌رود، منطقه‌ی ۱۴ تهران.

سی‌دی‌های ارسالی بررسی شد و نظر کارشناسان مجله را جلب نکرد.

ناهید شافعی، دبستان شهیدان سخنور، منطقه‌ی شش. مقاله‌ی «ارتقای فرهنگ شهادت و ایثار در بین نسل جوان» در تاریخ ۹۳/۲/۱۰ به فصل نامه‌ی رشد معارف اسلامی داده شد.

طیبه وهابی، دبستان آیت‌الله خامنه‌ای، منطقه‌ی ۱۵ تهران، با «نقش مربیان بهداشت...».

فاطمه قربانیان، اسلامشهر،

ساده‌تر از آن‌چه در فصل‌نامه‌ها می‌آید، تدوین فرمایند.

حمیده صدیقی، مدرسه‌ی متوسطه‌ی پروین اعتصامی، شاهین‌دژ، مقاله‌ی «اثر بار عاطفی محرکه بر یادسپاری» به مجله‌ی رشد متوسطه فرستاده شد.

اصفهان

هایده ضیایی، آموزگار پایه‌ی دوم، ناحیه‌ی سه اصفهان، دبستان شهید علی‌رضا فدایی، با «در زنگ هنر».

مهین لیراوی، شاهین‌شهر، با «روش حل مسئله».

فرانک کیانی‌منش، فلاورجان، با «پیشنهادهایی به معلمان برای اثربخشی...» و «دانش‌آموز خوب از دیدگاه پیامبر اسلام (ص)».

نسرین سماعی، آموزگار دبستان شهید امیری، منطقه‌ی باغبان‌داران با «صبحانه».

البرز

پوران نوری، آموزگار دبستان تربیت، ناحیه‌ی سه کرج، با «مهندسی ارزش رویکردی متعهدانه... در آموزش ابتدایی».

ایلام

فرهاد ظهیرنژاد، دبستان شهید غفاری، سراب ایوان، با «تدریس نماز دورکتی».

لیدا جمال نصاری، دبستان شاهد فرزان رضایی، ایوان، با «اهدای لوح جشن عبادت».

دوستان همراه مجله، امسال نیز نامه‌ها و ایمیل‌های شما از دور و نزدیک رسید و به‌وسیله‌ی کارشناسان مجله بررسی شد. با تشکر از همه‌ی عزیزان همکار، اسامی تعدادی از دوستانی که نتوانستیم نامه‌ها و آثار آن‌ها را استفاده کنیم در ادامه درج شده است.

بدین وسیله از همه‌ی آن‌ها سپاسگزاریم و دعوت می‌کنیم آثار دیگر خود را به نشانی دفتر مجله بفرستند.

آذربایجان شرقی و غربی

بهجت قدیمی، دبستان رازی دو، ناحیه‌ی سه تبریز، با «رموز مدیریت موفق».

فرزانه پاشایی، ناحیه‌ی سه تبریز، با «محیط‌های سالم، پشتیبان سلامت و توسعه‌ی پایدار».

مژگان سلطانی، ناحیه‌ی چهار تبریز، دبستان زمزم، با «حروف انگشتی».

حسین محمدیان، سردشت، با «حل چهار مشکل فارسی و تأمین سه معلم».

داود سلمانی‌زاده ممقانی، ژیلدا کردان حلویی، آذرشهر، با «بررسی عوامل انگیزه پژوهشگری دانش‌آموزان...».

فخرالدین برزنجه‌ی، مدرسه‌ی فاتح کوران، صومالی برادوست، با «تأثیر مردود شدن دانش‌آموزان...» از همکاران گرامی تقاضا داریم پایان‌نامه‌ها و مقالات پژوهشی را



قرار روز اول

ام کلثوم سعادت

روز اول مهر، روز سرد پاییزی، در هیاهوی نشاط بچه‌ها از دوردست اتوبوس سبزرنگ آموزگاران نمایان شد. بچه‌ها می‌دویدند.

شور و شوقی برپا بود. آن شب روستا نخواستید بود و بچه‌ها یک صدا می‌گفتند: «آمدند! آمدند... معلم‌ها، خانم‌ها و آقایان».

علی آرام به گوش محمد چیزی را نجوا می‌کرد. می‌خواستند کاری بکنند.

زهرا و مریم هم ناگهان خود را به خانم معلم‌ها رساندند: «خانم سلام! ساک‌ها را ما می‌بریم؛ خوش آمدید...»

علی، احمد، احسان و عرفان هم به سمت ساک آقا معلم‌ها رفتند...

به‌راستی هیجانی روستا را پر کرده بود. عمو کرم راننده به نشانه‌ی همراهی با اهالی بوق می‌زد و این یعنی که من حاملان علم و دانش را به نزد شما آوردم. حال میان بچه‌ها و در میان قصه‌ی شیرین روستای «بند چای» و استقبال روستا چشم‌هایم پر شده بود از اشک شوق. خودم را بیشتر حس می‌کردم و کار و شغل و حرفه‌ام را درک می‌کردم. همان لحظه دلم پر از امید دوباره‌ای از همراهی عشق شد. بار دیگر با جان و روحم دانش آموزانم را دیدم.

با غنچه‌های گل یاس و عطر مهر مادری، همت و غیرت بابا و وفای برادر و صفای خواهر، آن‌ها را دیدم و گفتم تا لحظه‌ی آخر زندگی همراهی‌تان خواهم کرد.

مازندران

فخری یعقوبی اشرفی، دبستان دخترانه‌ی مرحوم نهنگی، بهشهر، با مقاله‌ی «اهمیت الگوها در راهبردهای حل مسئله».

فاطمه سلطانی، آموزگار، با مقاله‌ی «کمک به کودکان در یادگیری ریاضیات».

اکرم علی محمدی، آموزگار دبستان ابوعلی سینا، بابلسر، با «هشت‌پا با جهت‌های جغرافیایی ایران و...».

مینا ارزانی، آموزگار، عباس‌آباد، مقاله‌ی «نگاهی به ریاضی ششم، جذاب یا مشکل؟» در ۹۳/۲/۳ به گروه درسی ریاضی دفتر تألیف فرستاده شد.

رشید محمدی لبتکوهی، ماریا طبری، (دبستان رئیس‌زاده و دبستان پسرانه‌ی شهید لاری)؛ مقاله‌ی «روش تدریس ضرب‌المثل در دوره‌ی ابتدایی با رویکرد بلوم».

محمد نیکویی، «بفرمایید مطالعه!».

همدان

مرضیه فیاض‌خو، آموزگار دبستان شهید صالحی، روستای قراگل، کیبود آهنگ، با «کودکان دیرآموز و راه کارهایی برای قابل فهم کردن مطالب ریاضی».

نامه‌های این دوستان هم رسید:

داود جلالوند، «جنجال» را فرستادید. لطفاً از کتاب‌های خود نیز بفرستید تا در صورت امکان استفاده شود.

حسن علی گرمابی، «نگاهی بر فرایند برنامه‌ریزی دوره‌ی ابتدایی کانادا».

مجید حاجی اکبری، «اولین جلسه‌ی تدریس من».

معاون دبستان فرهنگ، ناحیه‌ی سه اهواز، با «خاطره‌ی لذت‌بخش».

شهین صادقی، آموزگار، آبادان، با «ماجراهای مهرگان»، «جشن خودکار»، «الو... الومن کلاس سوم».

زنجان

حبیب‌الله جعفری‌زاد، مرتضی رضایی، مه‌راب محمدی‌نوبری، مرتضی محمدی، علیرضا مغانلو، از خدابنده، با «چگونه می‌توانیم نحوه‌ی آموزش راهبردهای مؤثر در حل مسئله‌ی ریاضی را به معلمان پایه‌ی چهارم آموزش دهیم».

سیماصدرکریمی، آموزگار دبستان عبرت، ابهر، با «املا نویسی».

سیستان و بلوچستان

فاطمه نارویی، مدرسه‌ی شهید نامجو، ناحیه‌ی یک زاهدان. شعر «با محبت شاید گرمی...» و «دل نوشته‌ای در زنگ سکوت».

قزوین

راضیه باباخانی، دبستان شهید مسعود پرویز، ناحیه‌ی دو. «برنامه‌ریزی درسی و آموزشی مدارس، انتخاب راهبردهای یاددهی و یادگیری».

قم

سوسن سلیمانی‌تبار، دبستان حجاب، ناحیه‌ی دو قم، با عکس «درس علوم».

کرمانشاه

حسن شهبازی، کارشناس آموزش ابتدایی، دالاهو، با مقاله‌ی «اهداف و انتظارات آموزش جدید از منظر...».

لرستان

فاطمه یوسفی‌پور، آموزگار پایه‌ی دوم، بروجرد، با خاطره‌ی کلاسی.

سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی در فضای صادقانه، تلاش عالمانه، نشاط و بالندگی

برنامه‌ریزی

توسعه‌ی آموزش‌های قرآنی
و فعالیت‌های مکمل ● برنامه‌ریزی
آموزشی با رویکرد فرهنگی و تربیتی
● برنامه‌ریزی بهسازی منابع انسانی
و مدیریت آموزشگاهی ● طرح و برنامه،
برنامه‌ریزی و هماهنگی فرابخشی ● برنامه‌ریزی
فناوری و گروه‌های آموزشی ● کیفیت‌بخشی
کلاس‌های روستایی و چندپایه ● برنامه‌ریزی
ارزش‌یابی فرآیندهای آموزش و یادگیری
● برنامه‌ریزی نظارت و ارزش‌یابی
برنامه‌ها و فعالیت‌ها

معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش با همدلی و همکاری خانواده‌ی فرهیخته و بزرگ دوره‌ی ابتدایی به ارتقا و کیفیت‌بخشی در بستری از تصمیم‌های اثربخش، براساس عقلانیت، خرد جمعی، هم‌افزایی، نوگرایی، عملگرایی و محبت به دل‌ها می‌اندیشد.

همراه هم باشیم

dabestani.medu.ir

راهپیمایی زدند.

مردم ایران نیز در حمایت از مستندپدیدگان مسلمان و مقاوم غزه آغاز کرد.

دور جدیدی از حملات خود را علیه مردم مبارک رمضان ۱۴۲۳، رژیم اشغالگر قدس شماره ۱ را رشد آموزش ابتدایی و در ماه مرد واپسین روزهای تدوین و تولید مجله‌ی



بند نمودن پیمبر خدا و اولاد او
در سرفروش نمودن کن
سواله و فتنه علی مولانا

بزدلش تو سینه ای کز
خودم خویشم و نه
بر سپردگانی تو بر کز گشت
مهاشم و ملک تیغ
گشت از دست سزاگشت

بست بر ما سبک است
تا کس ما را بر بی تو
بی است او که با کز گشت
پروغی که بر ما گشت
شسته و سینه سر کس است

بیان واقعه‌ی غدیر و نصب
حضرت امیر مومنان (ع)
به خلافت و امامت



یک روایت خوب از من گوش کن
ایام از ساقی گوشت نوش کن
نقل دارم از شحات باصفا
آنگه روزی حضرت خیر انوری
چو که او بر گشت از جرج الودع
در غدیر خم مکان کرده آن مطلع
جبرئیل از حضرت عزت رسید
نزل از حضرت پیش او کشید
پوش او از پیش حق آورد پیک
آیری یا ایما بیغ ایک
گفت ای اصحاب دارم را زان
را زان را گویم این دم بر ملا
هر چه می گورم نشان ز اهل و عید
من بگویم چو که فرمان در رسید

علاء (مقر العیاب)

قَالَ جَلَّ وَ عَلَا: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ
بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ
لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ».